روزنـامه مدیریتـی - اقتصـادی

فرصت امروز

بـرای کسـب وکـار آفـرینی

یکشنبه
۴ آذر ۱۴۰۳

Sun.24 Nov 2024
۲۲ جمادی‌الاول ۱۴۴۵ - سـال نهم
شماره ۲۵۸۸
۸ صفحه - ۵۰۰۰ تومان

www.forsatnet.ir

اگر تولید درست شود، قیمت بازار کاهش می‌یابد

دفاع خودروسازان از قیمت های جدید

در ابتدای هفته گذشـــته بود که با شوک شبانه به بازار خودرو، قیمت خودروهای داخلی تا ۳۰ درصد افزایش یافت و باعث حیرت متقاضیان شـــد. البته خودروسازان به دنبال افزایش ۷۰ تا ۸۰ درصدی قیمت محصولات تولیدی خود بودند کـــه در نهایت به افزایش ۳۰ درصدی قیمت ها رضایت دادند. بامداد دوشنبه ۲۶ آبان ماه بود که دو شرکت بزرگ خودروساز یعنی ایران خودرو و..

۲

هفته نامه «اکونومیست» در ویژه نامه سال جدید میلادی بررسی کرد

جهان پیش رو در سال ۲۰۲۵

فرصت امروز: «اکونومیســـت» در ویژه‌نامه ســـال ۲۰۲۵ به روندهای مهم حوزه کسب‌وکار در سال آینده پرداخته و از وضعیت صنایع و بخش‌های مختلف در ســـال جدید میلادی گزارش داده است. طبق ارزیابی «اکونومیست»، حتی اگر در سال ۲۰۲۵، مناقشه سیاسی جدیدی روی ندهد، همین تنش‌های فعلی، اقتصاد جهان را به اندازه کافی تحت فشـــار قرار خواهد داد و پیش بینی می‌شـــود که تولید ناخالص داخلی جهان تنها به اندازه ۲٫۵ درصد رشد کند. هرچند اروپا در سال جدید شاهد رشد اقتصادی خواهد بود، اما اقتصادهای در حال ظهور به دلیل تعرفه های تجاری، تغییرات اقلیمی و مشکلات تکنولوژیک درجا خواهند زد. روند تورم و نرخ بهره نیز کاهش خواهد یافت و انباشـــت بدهی عمومی و افزایش بودجه نظامی، توانایی دولت‌ها برای هزینه‌کرد را پایین خواهد آورد. در ســـال ۲۰۲۵ همچنین شاهد تلاش بیشتر دولت‌ها برای پیشبرد برنامه‌های سبز و تولید انرژی‌های تجدیدپذیر خواهیم بود، اما این موضوع جلوی استفاده بیشتر از سوخت های فسیلی را نخواهد گرفت و انتظار می رود سوخت‌های فسیلی همچنان بیش از چهار پنجم نیازهای انرژی جهان را پوشش دهند. خودروسازان نیز بیش از پیش به تولید خودروهای برقی روی خواهند آورد و پیش بینی می شود که تولید خودروهای برقی تا ۲۵ درصد در سال پیش رو افزایش یابد. کاهش نرخ بهره از سوی بانک های مرکزی همچنین موجب افزایش تقاضا در بازار مسکن و تقویت این بازار خواهد شـــد. با این وجود، به دلیل تغییر الگوهای کاری پس از پاندمی کرونا ممکن اســـت مراکز شهرها از رونق کمتری نسبت به گذشـــته برخوردار باشند. از سوی دیگر، به کارگیری سیاست‌های سبز، حمل‌ونقل بین‌المللی را تحت‌الشعاع قرار خواهد داد و برآورد می شود حدود ۴۰ درصد از انتشار کربن در این بخش تحت تاثیر سیستم تجارت انتشار (آلایندگی) اتحادیه اروپا قرار گیرد. تنش‌های

۲

درآمد ایرانیان در ۱۳ سال گذشته ۲۰ درصد کمتر شد

فشار تحریم به درآمد سرانه

۳

مدیریت و کسب‌وکار

پسا کرونا، تحولات کاری و آینده دنیای کسب و کار

در زمستان سال ۲۰۱۹، ویروسی ناشناخته در یکی از شهرهای کوچک چین ظهور کرد. ابتدا کسی فکرش را هم نمی کرد که این ویروس کوچک بتواند به یک بحران جهانی تبدیل شود، اما تنها چند ماه بعد جهان به یک میدان نبرد در برابر دشمنی نامرئی تبدیل شد. ویروس کرونا نه تنها سلامت جسمی انسان ها را تهدید کرد، بلکه ســـاختارهای اجتماعی، اقتصادی و حتی فرهنگـــی را زیر و رو کرد. بحران کرونا بیش از هر چیز پیش بینی ناپذیر بودن دنیای امروز را به ما یادآوری کرد. در یک چشم به هم زدن مرزهای بین المللی بسته شد، شهرها به قرنطینه رفتند و فروشگاه های فیزیکی مجبور به بستن درهای خود شدند. همه چیز به دنیای دیجیتال منتقل شد، از کار و تحصیل گرفته تا خرید و حتی تفریح. زندگی روزمره به طور کامل تغییر کرد و کسب و کارها با چالشی بی سابقه مواجه شدند. این بحران در کنار تهدیدهای مربوط به حوزه سلامت...

۸

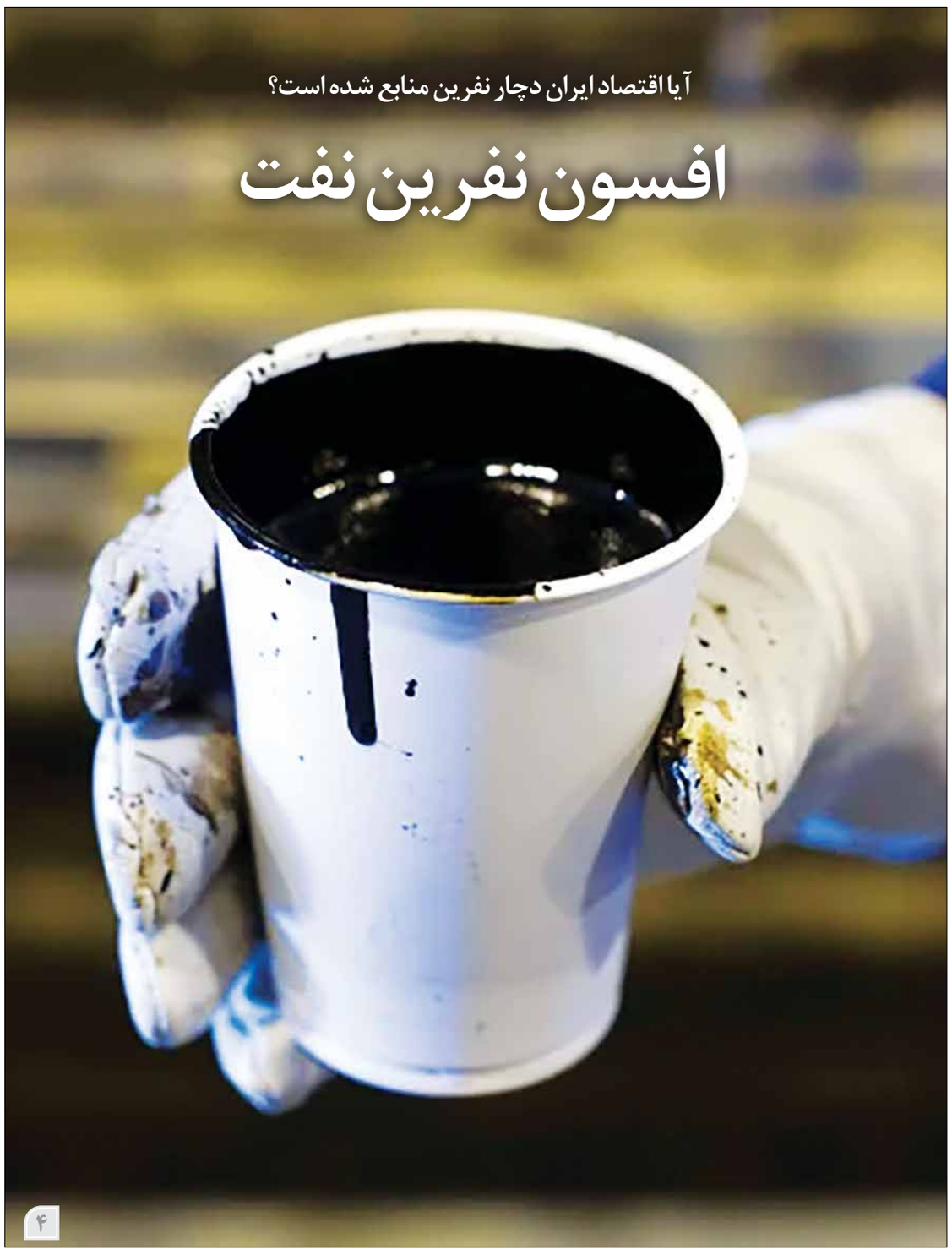

آیا اقتصاد ایران دچار نفرین منابع شده است؟

افسون نفرین نفت

۴

سرمقاله

دشواری های فروش اموال تملیکی بانک ها

علی نظافتیان
دبیر کمیسیون حقوقی کانون بانک ها

شاید بســـیاری از مردم بر این باور باشـــند که بانک هـــا پس از پایان تشـــریفات قضایی و صدور ســـند انتقال، صاحـــب املاک و اموال وثیقه تسهیلات می‌شوند و با آسودگی خیال، اموال و املاک تملیکی را می‌فروشند و بستانکاری خود را وصـــول می‌کنند. اما این تصور چنـــدان منطبق با واقعیت نیســـت و به قول معروف، «میان ماه من تا ماه گـــردون، تفاوت از زمین تا آســـمان اســـت.» شرح قصه آنکه پـــس از پرداخت وام و تسهیلات، سیســـتم‌های کنترلی بانک ها باید دائما مراقب باشند که اقساط به‌موقع واریز و وصول شود. اگر تأخیر در بازپرداخت اقســـاط طولانی شود، خود به خود بدهی تســـهیلات‌گیرنده پیمان‌شکن در سیستم بانکی از «بدهی جاری» به «بدهـــی غیرجـــاری» تبدیل خواهـــد شـــد و دقیقـــا از همین مرحلـــه، وظایف ســـخت مدیران حقوقـــی و کارمنـــدان وصـــول مطالبات بانک‌ها شـــروع می‌شود. پیگیری اولیه شـــعبه، از تماس با تســـهیلات‌گیرنده و ضامـــن او یا ارسال پیامک به آنها آغاز می‌شود و درصورت ناامیدشـــدن از وصول یا امهال بدهی، بانک هیچ چاره‌ای جز اقدامات ثبتـــی و در مواردی، متوسل‌شـــدن به مراجع قضایی نخواهد داشت. کار ثبتی یا قضایی نیز صبر ایوب می‌خواهد و تلاش بی‌پایان به همراه پرداخت هزینه اقدامات ثبتی، هزینه دادرسی و...

ادامه در همین صفحه

بانک مرکزی و قواعد افشا و محرمانگی

نهایتا اگر بخت با بانک یار باشد، پس از طی مراحل مختلف موفق به تملک اموال و املاک مورد بحث می شـــود که این تازه اول مشـــکلات است؛ از نگهداری ملک تملیک شـــده و حتی در مواردی، تملیک واحد تولیـــدی گرفته تا مواجهه با انبوه مشکلات مالی و پرسنلی این واحدها و نگهداری بهینه اموال و املاک تملیک شده به همراه تامین اعتبارات موردنیاز برای پرداخت هزینه‌های نگهداری و شارژ ماهیانه آن، کارشناسی مجدد ملک تملیک شده برای احراز قیمت تمام شده آن برای بانک، آماده‌ســـازی ملک برای فروش و اقداماتی نظیـــر پیگیری قضایی برای تخلیه ملک تملیکی از متصرف یا مســـتأجر، انجام تعمیرات موردنیاز املاک مسکونی، برگزاری مزایده قانونی با تمام تشریفات و انتخاب بهترین خریدار از بین متقاضیان شرکت در مزایده و در نهایت، فروش ملک به برنده مزایده در قبال دریافت نقدی یا اقســـاطی بهای آن و تحویل ملک به خریدار... انجام هر کدام از این مراحل اما چندان راحت و آسوده نیست. کافی است یکی از مراجع نظارتی (حتی چند سال پس از فروش ملک تملیکی) از مزایده ایراد گیرد که مثلا ملک بانک را به قیمت مناســـب نفروخته‌اید یا بیت‌المال را بذل و بخشـــش کرده‌اید. آنگاه همه باید بسیج شوند تا ایرادات این مرجع نظارتی را پاسخ گویند و عملکرد خود را در فروش اموال تملیکی توجیه کنند

در اینجا قصد سفیدشویی عملکرد بانک‌ها در بحث خرید و فروش اموال تملیکی را نـــدارم. بالاخره هر کار اجرایی، نقصان‌هایی دارد و امکان فســـاد در فروش اموال تملیکی هم چندان دور از انتظار نیست. در ماجرای فروش املاک تملیکی بانک‌ها، راه‌هـــای فرار از قوانین و مقـــررات وجود دارد؛ راه هایی مثـــل انتقال مال یا ملک موردنظر به شـــرکت‌ها و مؤسساتی که فقط پوســـته حقوقی دارند و سپس فروش آنها به افراد و اشخاص موردنظر با شرایط سهل و آسان و زیر قیمت. البته در برخی موارد، فروش املاک تملیکی با قیمت مناسب مبتنی بر دستورات و فرامین شفاهی اســـت. این‌گونه فروش یا بذل و بخشـــش املاک غیرمنقـــول را اصطلاحا «فروش چـــراغ خاموش» می‌نامند. کارمندان مربوطه نیـــز نمی توانند برخلاف نظر ملوکانه و شـــفاهی مدیرعامل کار کنند و ناچارند حسب دستور حضرت ایشان اقدام کنند. پس وقتی بانک مرکزی، درآمد ناشـــی از فروش اموال تملیکی بانک ها را می بیند، بد نیســـت بررسی کند که آیا این املاک با شـــرایط ویژه به شرکت های وابسته به بانک فروخته شـــده است تا بانک را ســـودآور نشان دهند یا نه؟ مراجع نظارتی نیز به حق پیگیر این‌گونه معاملات هســـتند و به طور کارشناســـی بررسی می کنند تا ازاین‌گونه سوءاستفاده و حاتم‌بخشی بیت‌المال، پیشگیری کنند. البته باید پذیرفت که این بازخواست‌های نظارتی و احتمال پیگیری فروش اموال تملیکی توسط مراجع نظارتی، هم مثبت اســـت و هم منفی. مثبت از این جهت که ترس از ســـین جیم شدن، عاملی اســـت که از بروز تخلفات مالی در بانک‌ها پیشگیری می‌کند. منفی نیز از آن جهت که این پدیده، مدیران بانکی را تا حدودی محافظه‌کار خواهد کرد و آنها با خود خواهند گفت که «چرا مسئولیت قانونی و شرعی بانک در فروش اموال تملیکی را من برعهده بگیرم؟! به قول گفتنی، ســـری که درد نمی‌کند دســـتمال نمی‌بندند. پس بگذار دیگران بفروشند و من مسئول و پاسخگو نباشم.» این موضوع، یکی از شایع‌ترین علل زیرپوستی تأخیر در فروش اموال تملیکی بانک‌هاست.

نگاهی به ســـیر مقررات‌گذاری در زمینه تملک و انتقال املاک تملیکی نشـــان می‌دهد، برخلاف قانـــون پر از ایراد بانک مرکزی که تاکنون جز تنگناهای اجرایی (و انتصاب یکی از طراحان آن با ســـابقه صفر بانکی به یکی از مناصب عالی) هیچ رهاوردی برای مردم نداشته است، قانون پولی و بانکی کشور (مصوب سال ۱۳۵۱) در این موارد بســـیار کارشناسانه تنظیم شده است. جزء ۲ از ماده ۳۴ قانون پولی و بانکی کشور، معاملات غیرمنقول را جز برای بانک‌هایی که هدف آنها انجام معاملات غیرمنقـــول اســـت، ممنوع اعلام کرده اســـت. اما در تبصره همیـــن ماده، «تملک غیرمنقول برای استیفای مطالبات یا برای تأمین محل کار یا مسکن کارکنان بانک و معاملات نســـبت به آن طبق شرایطی که بانک مرکزی ایران تعیین خواهد نمود مشـــمول ممنوعیت موضوع بند ۲ این ماده نخواهد بود.» به نظر می رسد در چند دهه قبل، قانونگذار تا آن حد بر موضوعات مختلف بانکی، اشراف داشته که راه‌های خریدوفروش املاک غیرمنقول توســـط بانک ها را ممنوع اعلام کند و افزون بر آن، اســـتثناهای وارد بـــر این حکم را هم اعلام نماید. ضمنـــا در بند ۴ جزء «پ» ماده ۲ قانون بانک مرکزی نیز تملک انواع دارایی حقیقی شـــامل املاک و مستغلات و دارایی مالی شـــامل سهام و سایر اوراق بهادار، «فراتر از حدود مصوب هیأت عالی» ممنوع شده است.

پس خرید و فروش اموال غیرمنقول برای بانک ها، جز موارد خاص، ممنوع است. البته خریدوفروش به‌منظور پرداخت تســـهیلات بانکی، مشکل قانونی ندارد اما باید بدین واقعیت توجه داشـــت که بانک‌های جامع، تخصصی و توســـعه‌ای خواه‌ناخواه ناچارند برای وصول مطالبات معوق، وثیقه تسهیلات (املاک یا واحدهای تولیدی) را تملک کنند. تملک در این موضوع نه‌تنها غیرقانونی نیســـت، بلکه تکلیف قانونی مدیران بانکی است اما املاک تملیکی، نگه داشتنی نیست. بانک ها برای نهایی شدن پروسه وصول مطالبات باید اموال و املاک تملیکی را بفروشند و وجوه حاصل از آن را به چرخه منابع خود واریز نمایند.

در اردیبهشت‌ماه ۱۳۹۴، مجلس در «قانون رفع موانع تولید رقابت پذیر و ارتقای نظام مالی کشـــور»، بانک ها را مکلف کرد که سالانه حداقل ۳۳ درصد اموال خود، اعم از منقول و غیرمنقول و ســـرقفلی را که به تملک آنها و شرکت های تابعه آنها درآمده است و به تشخیص شورای پول و اعتبار و بانک مرکزی، مازاد است، واگذار کننـــد. مجلس همچنین برای برخورد با بانک های متخلفی که از اجرای این قانون سرپیچی کنند، مقرر کرد که «در صورت عدم انجام تکالیف موضوع ماده (۱۶) این قانون، مجازات های زیر نسبت به بانک یا مؤسسه اعتباری متخلف اعمال می شود: عایدی املاک غیرمنقول مازاد بانک ها و مؤسسات اعتباری شامل زمین، مستغلات، سرقفلی و اموال مشابه آن در سال ۱۳۹۵ با نرخ ۲۸ درصد مشمول مالیات می شود. پس از آن، هر ســـال سه واحد درصد به نرخ مذکور اضافه می شود تا به ۵۵ درصد برسد.» اما این جرائم مالیاتی هم چندان افاقه نکرد و کارساز نشد؛ زیرا برای فروش اموال تملیکی که با ریسک‌های قضایی و بازگشت ملک به مالک اولیه همراه است، مشتری مناسب به آسانی پیدا نمی‌شود، جز آنکه ناچار شویم ملک یا املاک تملیکی را زیر قیمت بازار بفروشـــیم. با این حال، بعید به نظر می‌رســـد که مدیران بانکی، ریسک انجام این کار را برعهده گیرند. سپس بانک مرکزی در اوایل بهمن‌ماه ۱۴۰۰، «دستورالعمل تعیین تکلیف دارایی‌های واحدهای تولیدی در جریان تملک یا تملک شـــده توسط مؤسســـات اعتباری» را به بانک‌ها ابلاغ کرد و طی آن مقرر نمود که «مؤسسه اعتباری موظف است در صورت درخواست مالک قبلی، دارایی‌های تملک شـــده واحدهای تولیدی مذکور را از طریق مذاکره و به‌صورت نقدی تحت شرایط ذیل به مالک قبلی واگذار نماید.» البته در این میان، کسی از بانک مرکزی نپرسید که اگر مالک سابق یک واحد تولیدی، سرمایه لازم برای خرید دوباره آن را (آن هم به صورت نقدی) دارد، پس چرا بدهی خود را به بانک نپرداخته است تا بانک ناچار به تملک واحد تولیدی گردد؟!

اما شـــاید مهمترین مصوبـــه بانک مرکـــزی در بحث فـــروش املاک تملیکی، «دســـتورالعمل نحوه واگذاری اموال مازاد مؤسســـات اعتباری» است که در آذرماه ۱۳۹۹ ابلاغ شـــده است. به نظر می رســـد بانک مرکزی با صدور این مصوبه، حوزه تکلیف بانک های دولتی و خصوصی و موسسات اعتباری مجاز غیربانکی در فروش اموال را علاوه بر اموال تملیکی، به تمامی اموال مازاد بانک ها گســـترش داده است تا به اصطلاح، دارایی های مازاد بانک ها به عناوین مختلف، فریز و منجمد نشـــود و به چرخه نقدینگی بانک ها بازگردد. براســـاس این آیین نامه، واگذاری اموال مازاد بانک ها به طور کلی بایســـتی از طریق مزایده انجام گیرد؛ یعنی فروش مذاکره‌ای توافقی ممنوع! در مواد ۲ و ۳ آیین نامه مورد بحث، آمده اســـت: «مؤسسه اعتباری بایـــد بلافاصله پس از تملک، عملیات واگذاری اموال مـــازادی که به طور ارادی یا قهری، تملک نموده را آغاز نمایـــد. چنانچه اموال مازاد قهری حداکثر ظرف مدت یک سال پس از تاریخ تملک واگذار نگردد، مشمول مجازات های قانونی و انتظامی می شود. تبصره- هرگاه مؤسســـه اعتباری به دلیل خارج از اراده، قادر به واگذاری اموال مازاد قهری ظرف مدت یک ســـال نباشـــد، باید حداقل دو ماه قبل از پایان مهلـــت قانونی فوق، مراتب را با ذکر دلیل، جهت أخذ تأییدیه بانک مرکزی، به آن بانک تســـلیم نماید. پس از رفع مانع مزبور، مؤسســـه اعتباری بلافاصله باید نسبت به واگذاری اموال مزبور اقدام نماید.» البته «دستورالعمل نحوه واگذاری اموال مازاد مؤسسات اعتباری» در بهمن‌ماه ۱۴۰۱ اصلاح شده است. شاید چالش‌برانگیزترین بخش این دستورالعمل، ماده ۱۱ آن است؛ یعنی تکلیف بانک‌ها به واگذاری املاک مسکونی تملک شده به مالک قبلی، نه از طریق مزایده بلکه از طریق «اقاله» در قبال پرداخت مانده مطالبات بانک بدون توجه به قیمت روز آن با شرایط خاص. متن ماده ۱۱ بدین شرح اســـت: «چنانچه ملک مسکونی در ازای مطالبات مؤسسه اعتباری ناشـــی از اعطا/ ایجاد تسهیلات و تعهدات، تملک شده است، مؤسسه اعتباری مجاز اســـت در صورت ارائه درخواست کتبی مالک قبلی، ملک مسکونی را در چارچوب شـــرایط ذیل، در قالب «اقاله» به وی مسترد کند.» درخصوص این دستورالعمل و ماده ۱۱ آن، چند نکته قابل طرح است:

اول؛ قالب حقوقی تعیین شده از سوی بانک مرکزی برای واگذاری املاک تملیکی مسکونی، نهاد «اقاله» است. از نظر شرعی و مقررات قانونی، «اقاله» متکی و مستند به توافق طرفین معامله اســـت. پس جز بـــا حکم قضایی و مصوبه مجلس (یعنی با آیین‌نامه و بخشـــنامه و دستورالعمل) نمی‌توان حتی دستگاه‌های دولتی را ناچار یا مکلف به انجام «اقاله» کرد؛ زیرا تکلیف در این زمینه با ذات حقوقی «اقاله» مغایر اســـت. شاید برای دوری از این اشـــکال قانونی و شرعی در کاربرد «اقاله» است که بانک مرکزی در مصوبه خود، این موضوع را با اســـتفاده از فعل «مجاز اســـت» حل کرده اســـت: «مؤسسه اعتباری مجاز اســـت در صورت ارائه درخواست کتبی مالک قبلی، ملک مســـکونی را در چارچوب شـــرایط ذیل، در قالب «اقاله» به وی مسترد کند.»

دوم؛ پس از نظر حقوقی، وقتی اســـترداد املاک مسکونی تملیک شده براساس مصوبه بانک مرکزی مبتنی بر «اقاله»، آن هم به قید «مجاز اســـت» شـــکل گرفته باشـــد، در نتیجه بانک‌ها قانونا ملزم به «اقاله» موردنظر بانک مرکزی نخواهند بود؛ زیرا بانک مرکزی گفته اســـت که بانک‌ها مجاز هستند، پس الزام به «اقاله» ندارند. براســـاس این واقعیت حقوقی، هیچ مرجع قضایی نمی‌تواند از نظر حقوقی، حکم به الـــزام بانک به «اقاله» املاک تملیکی صادر نماید؛ زیرا «اقاله» ذاتا بر توافق طرفین معامله بنا شده است و با الزام قانونی، توافق حاصل نمی‌شود.

سوم؛ همانطور که گفته شد، «اقاله» بین طرفین معامله انجام می‌شود. حال سوال این است که آیا در تملک املاک مسکونی، بین بانک و مالک اولیه واقعا معامله انجام شده است؟ پاسخ این پرسش قطعا منفی است. مالکیت بانک‌ها در املاک تملیکی، حاصل انجام معامله نیســـت بلکه بانک طلبکار اســـت و به‌حکم قانون با استفاده از مقررات ثبتی، املاک را تملک می‌کند. پس در مصوبه بانک مرکزی، استفاده از واژه «اقاله» از نظر مبانی حقوقی، چندان صحیح نیست و بهتر بود که برای این فرآیند از نهاد حقوقی دیگری استفاده می‌کردند.

چهارم؛ عدم تعیین تکلیف ورثه مالک سابق در استفاده از حق اقاله برای استرداد ملک مسکونی تملیک شده، از دیگر نقایص «دستورالعمل نحوه واگذاری اموال مازاد مؤسسات اعتباری» است.

پنجم؛ از نظر حقوقی و شرعی، بانک‌ها پس از تملک قانونی، مالک اموال و املاک تملیکی محسوب می‌شـــوند. پس با توجه به اصول قانون اساسی و موازین شرعی، نمی‌توان بدون مصوبه مجلس و یا احکام مراجع قضایی، مالک را از حقوق قانونی‌اش محروم کرد و او را ناچار ســـاخت که ملک خـــود را به کمتر از قیمت واقعی واگذار نماید. نمی‌دانم دیدگاه شورای فقهی بانک مرکزی در مورد «اقاله» و «دستورالعمل نحوه واگذاری اموال مازاد مؤسسات اعتباری» چیست؟

ششـــم؛ هیـــأت تخصصـــی دیـــوان عدالـــت اداری (طـــی رأی شـــماره ۱۴۰۳۳۱۳۹۰۰۰۰۱۶۲۹۴۶ مورخ ۲۷ فروردین ماه ۱۴۰۳) در مورد «اقاله» چنین رأی داده است: «نظر به اینکه جهت ابطال مصوبات معترض عنه که توسط شاکی در دادخواست تقدیمی و در جلسه هیأت تخصصی ابراز شده است... لیکن از آنجایی که مقررات معترض عنه (هرچند از جهات دیگری می‌تواند قابل تأمل باشد) از این جهاتی که شـــاکی بیان نموده است، مخالفت و مغایرت با قانون خاصی ندارند و در راســـتای اختیارات عام و اولیه بانک مرکزی و شـــورای پول و اعتبار می‌باشد، فلذا به اســـتناد بند ب ماده ۸۴ از قانون دیـــوان عدالت اداری مصوب ۱۴۰۲ رأی به رد شکایت صادر می‌نماید. رأی یادشـــده ظرف ۲۰ روز پس از صدور قابل اعتراض از ســـوی ریاســـت معزز دیوان عدالت اداری یا ۱۰ نفر از قضات گرانقدر دیوان عدالت اداری می‌باشد.»

هفتم؛ یکی از نکات بحث‌برانگیز مصوبه موردنظر، ماده ۱۴ آن است که می گوید: «موسسه اعتباری می تواند در صورت عدم امکان واگذاری در مزایده اول، با کاهش حداکثر ۱۰ درصد در قیمت پایه اولیه، مجددا نســـبت بـــه برگزاری مزایده اموال مذکور اقدام نماید. در صورتی که مال به فروش نرســـد، مؤسسه اعتباری می تواند مال مازاد را تا ۲۰ درصد کمتر از قیمت پایه اولیه به فروش گذارد.» این مطلب بدان معناست که اگر ملک تملیکی در مزایده اولیه به فروش نرسد، می‌توان همین رویه را ادامـــه داد تا قانونا بتوان مال یا ملک مورد مزایده را با ۳۰ درصد زیر قیمت پایه فروخت. این قاعده می‌تواند زمینه ساز فساد و رانت باشد.

گفتار پایانی آنکه «اقاله» با خصوصیات موردنظر بانک مرکزی، «اقاله» به مفهوم دقیق شرعی و قانونی نیست و نوعی واگذاری الزامی املاک مسکونی تملیک شده به مالک قبلی است. بنابراین پدیده‌ای به نام «اقاله» را که شرع و قانون، آن را مبتنی بر توافق قرار داده اســـت، نمی‌توان با آیین‌نامه و بخشـــنامه الزامی کرد. پیشـــنهاد می کنم بانک مرکزی برای رفع مشـــکلات حقوقی «اقاله»، از نهاد حقوقی دیگری استفاده کند، اما در مورد «دشواری فروش اموال تملیکی بانک ها» براساس تجارب شغلی معتقدم که پس از تملک نهایی، تازه مشکلات اجرایی بانک‌ها آغاز می شود. در فروش این‌گونه اموال و املاک و به ویژه فروش واحدهای تولیدی تملیک شـــده، شناسایی خریداران مناسب و دارای توان مالی و فنی، یکی از مهمترین چالش ها و شاید مهمترین چالش است. واحد تولیدی را نمی‌توان به هر کسی فروخت و خریدار آن باید اهل فن و از اهالی تولید باشد. علاوه بر آن، نظارت کامل هیأت مدیره بانک بر عملکرد کمیسیون مأمور فروش اموال تملیکی، امری ضروری است تا هیچ گونه سوءاســـتفاده‌ای صورت نگیرد و از انحراف و فساد در این گونه معاملات، جلوگیری به عمل آید. نگهداری امـــوال و املاک تملیکی بیش از مهلت قانونی، نوعی فریز و انجمادسازی دارایی های راکد بانک هاست. اگرچه بانک ها از تاثیر تورم در افزایش قیمت این گونه اموال، سود بسیاری می برند، اما در نهایت از استفاده از این دارایی ها برای تسهیلات دهی و گردش عملیات بانکی، محروم خواهند شد.

با روند صعودی تورم، هدف گذاری بانک مرکزی، دور از دسترس به نظر می رسد

«آموزش» و «مسکن» در قله تورمی آبان

آنطور که مرکز آمار گزارش داده اســـت، نرخ تورم نقطه‌ای در آبان به ۳۲٫۵ درصد، تورم ماهانه به ۲٫۸ درصد و تورم ســـالانه به ۳۳٫۱ درصد رســـیده و «آموزش» و «مسکن» در قله تورمی این ماه قرار داشته اند. بـــا روند صعودی تورم در میانه پاییز، هدف گذاری تورمی بانک مرکزی (تـــورم زیر ۳۰ درصد) دور از دســـترس به نظر می رســـد. تورم ماهانه آمـــوزش در آبان به ۴٫۲ درصد رســـید که در میـــان گروه‌های اصلی، بیشترین افزایش را نسبت به مهر نشان می دهد. از نظر تورم نقطه‌ای، «مســـکن، آب، برق و گاز» بیشـــترین افزایش قیمت را در مقایســـه با آبان سال گذشته داشـــته و تورمی ۳۹ درصدی را ثبت کرده‌اند. تورم نقطه‌ای «آموزش» نیز در رتبه دوم ایستاد. کمترین تورم ماهانه نیز به گروه «بهداشت و درمان» و کمترین تورم نقطه‌ای به گروه «دخانیات» اختصاص داشـــت. تورم ماهانه، یعنی یک سبد معین از کالا و خدمات نســـبت به ماه گذشته چند درصد افزایش قیمت را تجربه کرده و تورم نقطه‌ای نیز افزایش قیمت در مقایســـه با مدت مشـــابه سال گذشته را نشان می‌دهد.

تورم ماهانه کشور در آبان ماه ۲٫۸ درصد به ثبت رسید. سه گروه در این ماه، تورمی بیشتر از تورم ماهانه کل را تجربه کرده‌اند؛ «آموزش»، «خوراکی و آشـــامیدنی‌ها» و «مسکن، آب، برق و گاز» تورمی بالاتر از ۲٫۸ درصد داشـــته اند. «آموزش» بالاترین تورم ماهانه را به ثبت رساند و قیمت اقلام این گروه در مقایســـه با مهرماه ۴٫۲ درصد افزایش یافت. تورم «خوراکی و آشامیدنی‌ها» و «مسکن، آب، برق و گاز» نیز به ترتیب ۳٫۶ درصد و ۳٫۱ درصد بود. کمترین تورم ماهانه هم به «بهداشـــت و درمان» با رقم ۱٫۱ درصد تعلق گرفت.

همچنین تورم نقطه‌ای کشور در آبان امسال ۳۲٫۵ درصد ثبت شد و تنها دو گروه از میان گروه‌های اصلی، تورمی بالاتر از این رقم داشتند؛ به طوری که تورم گروه «مســـکن، آب، بـــرق و گاز» ۳۹ درصد و تورم گروه «آموزش» ۳۴٫۴ درصد به ثبت رسید. البته منظور از تورم مسکن، تورم اجاره مسکن است. در نقطه مقابل، گروه «دخانیات» کمترین تورم نقطه‌ای را داشت و در مقایسه با آبان سال گذشته، ۲۳٫۹ درصد افزایش قیمت را تجربه کرد. گروه «خوراکی و آشـــامیدنی‌ها» نیز تورم نقطه‌ای ۲۹٫۳ درصد و گروه «بهداشت و درمان» تورم نقطه‌ای ۲۷٫۳ درصد را به ثبت رسانده‌اند که کمتر از تورم نقطه‌ای کل کشور بوده است.

نگـــــاه

ادامه خروج کاربران از شبکه ایکس با پیروزی ترامپ

بلواسکای چگونه گل کرد؟

شـــبکه اجتماعی بلواسکای (Bluesky) که شـــبکه اجتماعی رقیب ایکس (یا همان توئیتر ســـابق) محســـوب می‌شـــود، پس از پیروزی «دونالد ترامپ» در انتخابات ریاســـت جمهوری آمریکا و مشـــارکت «ایلان ماسک» در کمپین انتخاباتی او، شـــاهد پیوستن موج جدیدی از کاربران اســـت. بلواسکای، شبکه اجتماعی غیرمتمرکزی است که توسط «جک دورسی»، یکی از موسسان توئیتر راه‌اندازی شـــد. این شـــبکه اجتماعی در هفته بعد از انتخابات ریاست جمهوری آمریکا شاهد پیوستن بیش از ۷۰۰ هزار کاربر جدید بود و اکنون ۱۴٫۵ میلیون حساب کاربری دارد که بالاتر از ۱۰ میلیون حساب کاربری در ماه سپتامبر است

از زمان برگزاری انتخابات ریاست جمهوری آمریکا در پنجم نوامبر، پلتفرم‌های غیرمتمرکز مختلفی که در رســـانه‌های اجتماعی فعال هســـتند، با شمار رو به افزایش کاربران خود روبه‌رو شـــده‌اند که یکی از آنها، پلتفرم بلواســـکای است. در میان طرفداران بلواســـکای، جمع قابل توجهی از دانشگاهیان، روزنامه‌نگاران، سیاســـتمداران چپ‌گرا و افراد مشهور دیده می‌شوند که قصد دارند به پلتفرمی بپیوندند که بار دیگر توســـط «جک دورســـی» پایه‌گذاری شـــده است؛ یعنی مدیرعامل پیشین توئیتر که البته از هیأت مدیره بلواسکای نیز کناره‌گیری کرده است. در حال حاضر، «جی گرابر» مدیرعامل بلواسکای است. پلتفرم بلواسکای در پایان هفته گذشته اعلام کرد که روزانه یک میلیون کاربر جدید به آن می‌پیوندند و تعداد کل کاربران آن اکنون به ۱۹ میلیون کاربر رسیده است.

بلواسکای، یک پلتفرم غیرمتمرکز رسانه اجتماعی است که به عنوان یک ابتکار تحقیقاتی و بخشی از توئیتر در سال ۲۰۱۹ میلادی تاسیس شد. اگرچه در ابتدا تنها از مسیر «دعوت» می‌شد عضو این پلتفرم شد اما عضویت در آن از ماه فوریه برای همگان ممکن شده اســـت. بلواسکای براساس پروتکل AT ساخته شده و یک شبکه باز برای ساخت برنامه‌های اجتماعی است. این پلتفرم از سال گذشته، ویژگی‌های جدیدی مانند پیام‌رســـانی مستقیم و اشتراک‌گذاری ویدئو را نیز به خدمات خود اضافه کرده است.

همانطور که اشـــاره شد، اعضای جدید شـــبکه اجتماعی بلواسکای در واقع، ناامیدان از شـــبکه ایکس «ایلان ماسک» هستند. کاربران بلواسکای عمدتا پس از آغاز تبلیغات گســـترده «ایلان ماســـک» برای «دونالد ترامپ» در توئیتر و در جریـــان مبارزات انتخاباتی، تصمیم به ترک آن و عضویت در این پلتفرم نوظهور گرفتند. در سال ۲۰۲۲ میلادی بود که «ایلان ماسک»، شبکه اجتماعی توئیتر را خریداری کرد و چند تغییر عمده در نحوه تولید و انتشار محتوا در آن ایجاد نمود که چندان رضایت کاربرانش را جلب نکرد. «ایلان ماســـک» در جریان انتخابات ریاست جمهوری آمریکا در ســـال ۲۰۲۴ میلادی نیز از حامیان پرشور «دونالد ترامپ»، نامزد جمهوریخواهان بود و گزارش جدیدی که از ســـوی مرکز مقابله با نفرت دیجیتال (CCDH) قبل از برگزاری انتخابات ریاست جمهوری آمریکا منتشـــر شده است، نشان می دهد ادعاهای نادرســـت یا گمراه کننده «ماسک» که در توئیتر منتشـــر شـــده، نزدیک به ۲ میلیارد بار دیده شده است. قرار است این میلیـــاردر آمریکایی و مدیرعامل تسلا در دولت جدید ترامپ به عنوان وزیر بهینه‌ســـازی یا کارآمدی دولت فعالیت کند. روزنامه‌هایی همانند «گاردین» در بریتانیا و «لا وانگواردیا» در اســـپانیا، پس از انتخابات ریاســـت‌جمهوری آمریکا اعلام کردند که توئیتر را تـــرک می‌کنند. گاردین حتی اعلام کرد که دلیل این کار، «محتواهای اغلب آزاردهنده‌ای است که در این پلتفرم تبلیغ یافت می‌شود.» «ایلان ماسک» که متولد آفریقای جنوبی است، در سال ۲۰۰۲ میلادی، شهروند آمریکا شد و در سال‌های اخیر به جناح راست روی آورد؛ تا جایی که در جریان انتخابات ریاست جمهوری آمریکا علنا از نامزدی «دونالد ترامپ» حمایت کرد.

در این میان، برخی از کاربران، هم در توئیتر و هم در بلواسکای عضو هستند تا از خدمات هر دو شـــبکه اجتماعی بهره‌مند شـــوند. در همین زمینه، «کنت راث»، مدیر اجرایی پیشـــین دیده‌بان حقوق بشـــر در پیامی توئیتری نوشت که ترک توئیتر «اشتباه» است». او نوشت که اگرچه موافق سیاست‌ها و تغییرات این شبکه اجتماعی پس از ریاست «ایلان ماسک» بر آن نیست، اما هنوز هیچ فضایی مانند توئیتر برای بحث درباره مهمتریـــن تحولات جهان وجود ندارد و «فرار از توئیتر» باعث می‌شـــود که این شـــبکه اجتماعی به طور کامل در اختیار راست افراطی قرار بگیرد. البته این اولین باری نیست که شمار کاربران بلواسکای به طور قابل توجهی افزایش پیدا کرده است. این پلتفرم در هفته پس از ممنوعیت توئیتر در برزیل در ماه اوت، تعداد ۲٫۶ میلیون کاربر جدید به دست آورد که ۸۵ درصد از آنها از برزیل بودند. همچنین حدود ۵۰۰ هزار کاربر جدید در یک روز در ماه اکتبر در این پلتفرم ثبت نام کردند؛ یعنی زمانی که توئیتر اعلام کرد که صاحبان حساب‌های مسدودشده نیز می‌توانند پست‌های عمومی کاربران را ببینند. در این زمینه، «امیلی لی»، سخنگوی بلواســـکای گفته است: «این سریع‌ترین افزایش کاربران جدید نیست که بلواسکای تجربه می‌کند. این شبکه اجتماعی در مدت سه روز پس از مسدودشـــدن ایکس در برزیل، پذیرای یک میلیون کاربر جدید شـــد، اما اکثر کاربران جدید بلواســـکای از آمریکا هستند که ممکن است توجه بیشتری را جلب کند.»

براســـاس این گزارش، البته تنها پلتفرم بلواسکای نیست که از خروج کاربران شبکه ایکس یا توئیتر سابق ســـود می‌برد. علاوه بر بلواسکای، شبکه اجتماعی تردز نیز پس از پیروزی «دونالد ترامپ» در انتخابات ریاســـت‌جمهوری آمریکا با اســـتقبال قابل توجهی روبه‌رو شد. با این حال، شکل و شمایل مشابه بلواسکای در ترغیـــب کاربران توئیتر به ورود به این پلتفرم نوظهور بی تاثیر نبوده اســـت. همانطور که اشاره شد، شبکه اجتماعی تردز شرکت متا نیز در صدر پردانلودترین اپلیکیشن‌های فروشگاه برنامه اپ‌استور اپل قرار گرفته است. بلواسکای، هفتمین اپلیکیشن محبوب در فهرست اپلیکیشن‌های رایگان است و بالاتر از اینستاگرام، فیس‌بوک و ایکس قرار گرفته است.

هفته نامه «اکونومیست» در ویژه نامه سال جدید میلادی بررسی کرد

جهان پیش رو در سال ۲۰۲۵

فرصت امروز: «اکونومیســـت» در ویژه‌نامه ســـال ۲۰۲۵ بـــه روندهای مهم حوزه کسب‌وکار در ســـال آینده پرداخته و از وضعیت صنایع و بخش‌های مختلف در سال جدید میلادی گزارش داده اســـت. طبق ارزیابی «اکونومیســـت»، حتی اگر در سال ۲۰۲۵، مناقشـــه سیاســـی جدیدی روی ندهد، همین تنش‌های فعلی، اقتصاد جهان را به اندازه کافی تحت فشـــار قرار خواهد داد و پیش‌بینی می‌شود که تولید ناخالص داخلی جهان تنها به اندازه ۲٫۵ درصد رشـــد کند. هرچند اروپا در سال جدید شاهد رشـــد اقتصادی خواهد بود، اما اقتصادهای در حال ظهور به دلیل تعرفه‌های تجاری، تغییرات اقلیمی و مشـــکلات تکنولوژیک درجا خواهند زد. روند تورم و نرخ بهره نیز کاهش خواهد یافت و انباشت بدهی عمومی و افزایش بودجه نظامی، توانایی دولت‌ها برای هزینه‌کرد را پایین خواهد آورد. در ســـال ۲۰۲۵ همچنین شـــاهد تلاش بیشتر دولت‌ها برای پیشـــبرد برنامه‌های سبز و تولید انرژی‌های تجدیدپذیر خواهیم بود، اما این موضوع جلوی اســـتفاده بیشتر از ســـوخت‌های فسیلی را نخواهد گرفت و انتظار می‌رود ســـوخت‌های فســـیلی همچنان بیش از چهار پنجم نیازهای انرژی جهان را پوشـــش دهند. خودروسازان نیز بیش از پیش به تولید خودروهای برقی روی خواهند آورد و پیش‌بینی می‌شـــود که تولید خودروهای برقی تا ۲۵ درصد در سال پیش رو افزایش یابد. کاهش نرخ بهره از ســـوی بانک‌هـــای مرکزی همچنین موجب افزایش تقاضا در بازار مسکن و تقویت این بازار خواهد شد. با این وجود، به دلیل تغییر الگوهای کاری پس از پاندمی کرونا ممکن است مراکز شهرها از رونق کمتری نسبت به گذشته برخوردار باشند. از سوی دیگر، به کارگیری سیاست‌های سبز، حمل‌ونقل بین‌المللی را تحت‌الشعاع قرار خواهد داد و برآورد می‌شود حدود ۴۰ درصد از انتشار کربن در این بخش تحت تاثیر سیستم تجارت انتشار (آلایندگی) اتحادیه اروپا قرار گیرد. تنش‌های ژئوپلیتیک نیز از دیگر مواردی است که این حوزه را متأثر خواهد کرد.

بازار خودرو جان دوباره می گیرد

پس از رکود سال ۲۰۲۴، بازار خودرو در سال جدید، جان دوباره می گیرد و به رشد ۲ درصدی می‌رســـد. خودروهای برقی نیز با افزایش ۲۵ درصدی حجم فروش مواجه خواهند شـــد. با این حال، نگرانی‌ها درباره محدودیت مسافت قابل پیمایش و قیمت بالای این خودروها، بســـیاری از خریداران را به سمت خودروهای بنزینی سنتی سوق می‌دهد. نـــروژ هدف بلندپروازانه‌ای را در پیش گرفته و می خواهد تمامی خودروهای نو (البته منهای ون‌ها) در این کشـــور تا ســـال ۲۰۲۵ بدون آلایندگی باشند. استرالیا که تاکنون در کاهش انتشار گازهای گلخانه‌ای عملکرد خوبی نداشته، تصمیم گرفته اســـتانداردهای مصرف ســـوخت را برای خودروها وضع کند. در مقابل، اتحادیه اروپا اجرای اســـتانداردهای سختگیرانه یورو۷ را تا سال ۲۰۲۸ به تعویق انداخته است. این استانداردها قرار بود به کاهش آلودگی هوا ناشی از خودروها کمک کنند. با این حال، خودروهای بنزینی و دیزلی با محدودیت‌های بیشـــتری روبه‌رو خواهند شد. بسیاری از شـــهرها، مناطق خاصـــی را برای خودروهای برقی در نظـــر می‌گیرند و اجازه ورود خودروهای آلوده‌کننده را به این مناطق نخواهند داد. استکهلم در سوئد، اولین شهری اســـت که در سال آینده به‌طور کامل خودروهای بنزینی و دیزلی پرمصرف را از مرکز شهر خود حذف می‌کند.

از ســـوی دیگر، چین به زودی به بزرگ‌تریـــن تولیدکننده خودروهای برقی جهان تبدیل خواهد شـــد و نیمـــی از خودروهای برقی دنیا را تولید می‌کند. خودروســـازان چینی در این زمینه پیشـــرفت چشمگیری داشـــته‌اند و به سرعت در حال گسترش فعالیت‌های خود در بازارهای جهان هســـتند. یکـــی از مهمترین بازیگران این عرصه، «شرکت BYD» اســـت که به‌عنوان بزرگ‌ترین تولیدکننده خودروهای برقی جهان شناخته شده و قصد دارد تا یک میلیون خودرو را به کشورهای دیگر صادر کند. بازار خودروهای برقی به میدان نبردی جذاب تبدیل شده و شرکت‌های خودروسازی جهان با تمام توان در این میدان به رقابت می‌پردازند. وین‌فســـت، غول خودروسازی ویتنام، نگاه خود را به هند و اندونزی دوخته تا سهم بیشتری از این بازار پرسود ببرد. غول‌های خودروســـازی غربی نیز بیکار ننشسته‌اند و فولکس‌واگن و تسلا در تلاشند تا با تولید خودروهای برقی مقرون به صرفه‌تر، ســـهم بیشتری از بازار را به خود اختصاص دهند. تویوتـــا نیز با معرفی یک خودروی برقی خـــودران در چین، گام مهمی در این رقابت برداشته است. با این وجود، تعرفه بالای واردات خودروهای برقی چین، از موانع مهمی است که برنامه‌های توسعه خودروهای سبز را دچار پیچیدگی کرده است.

تولید مواد غذایی بیشتر می‌شود

با افزایش تولید مواد غذایی در ســـال ۲۰۲۵، قیمت‌هـــا به‌طور قابل‌توجهی کاهش خواهند یافت. طبق پیش‌بینی‌ها، شاخص قیمت مواد غذایی، خوراک دام و نوشیدنی‌ها حدود ۲۵ درصد نسبت به اوج خود در سال ۲۰۲۲ کاهش پیدا می‌کند. در این میان، قیمت نوشـــیدنی‌ها و شکر، بیشترین کاهش را تجربه خواهند کرد؛ درحالی‌که قیمت دانه‌های روغنی و غلات نســـبتا ثابت باقی می‌ماند. «اکونومیست» پیش‌بینی می کند که با وجود مشـــکلات اوکراین به عنوان یکی از تولیدکننـــدگان بزرگ گندم، تولید جهانی گندم در ســـال جدید افزایش یابد. هند نیز بـــه عنوان یکی از صادرکنندگان بـــزرگ برنج، محدودیت‌های صادراتی خود را کاهـــش خواهد داد و در نتیجه قیمت جهانی برنج پایین می‌آید. دوســـتداران شکلات نیز در سال ۲۰۲۵ خوشحال خواهند شد و قیمت کاکائو که در سال‌های اخیر به شدت افزایش یافته بود، حدود ۲۵ درصد کاهش خواهد یافت. همچنین شرکت‌هایی که روغن پالم تولید می‌کنند و افرادی که قهوه می‌فروشند، یک سال بیشـــتر فرصت خواهند داشت تا خودشان را برای قوانین جدیـــد اتحادیه اروپا آماده کنند. این قوانین برای جلوگیری از قطع درختان اســـت. به‌طور مشابه، صنایع نوشیدنی در ایالات متحده نیز موفق به کسب مهلت اضافی برای دستیابی به اهداف کاهش مصرف پلاستیک شده‌اند.

اتحادیه اروپا با تمرکز بر اقتصاد چرخشی، بر توسعه زیرساخت‌های کمپوست‌سازی و بازیافت پلاستیک تاکید خواهد کرد. چین و ژاپن نیز با اعمال مقررات سخت‌گیرانه‌تر بر مواد افزودنی غذایی و بسته‌بندی، به دنبال ارتقای ایمنی غذایی هستند. بریتانیا نیز با تمدید مشوق‌های کشاورزی پایدار، به حمایت از تولید محصولات کشاورزی با کمترین آسیب به محیط‌زیست ادامه خواهد داد. با این حال، بودجه تخصیص یافته برای اجرای کنوانســـیون تنوع زیستی جهانی، ناکافی به نظر می‌رسد. در همین راستا، دولت‌ها به منظور کاهش مصـــرف محصولات مضر برای سلامتی، تمایل بـــه افزایش مالیات بر دخانیات، الکل و محصولات پرکالری دارند. آلمان نیز ممکن است با اعمال مالیات بر مصرف گوشت، به کاهش تقاضا برای این محصول و بهبود وضعیت محیط‌زیست کمک کند. پیش‌بینی‌ها نشان می دهد در سال ۲۰۲۵، هزینه‌های جهانی مواد غذایی به رقم قابل‌توجه ۱۱٫۵ تریلیون دلار خواهد رسید که نمایانگر رشد تقریبا ۶ درصدی نسبت به سال ۲۰۲۴ است. با وجود افزایش رو به رشد تقاضا برای محصولات غذایی گیاهی، همچنان شـــاهد تداوم روند مصرف بالای گوشـــت و ماهی در ســـبد غذایی خانوارها هستیم. با این حال، به‌رغم افزایش فروش محصولات غذایی، حاشیه سود شرکت‌های فعال در این صنعت نسبت به سال‌های گذشته، کاهش خواهد یافت.

از رشد تقاضای مسکن تا تنگنای لجستیک

کاهـــش نرخ بهره در ســـال جدید موجب افزایش تقاضا در بازار مســـکن و تقویت این بازار خواهد شـــد. با این حال، به‌دلیل تغییر الگوهای کاری پس از پاندمی کرونا، مراکز شـــهرها ممکن است همچنان از رونق کمتری نسبت به قبل برخوردار باشند. با افزایش رویکرد بـــه مدل‌های کاری ترکیبی، تقاضا برای فضاهای اداری افزایش یافته و به دنبال آن، نرخ اجاره دفتر کار نیز بالا خواهد رفت اما با کاهش روند رو به رشـــد تجـــارت الکترونیک، نیاز به فضاهای انباری کاهـــش یافته و نرخ اجاره این فضاها نیز پایین خواهد آمد. شـــهرهای توریســـتی همچنان مقاصد محبوب مسافران هستند و تقاضا برای فضاهای اقامتی در این مناطق بالاســـت. با این حال، به جز مناطق خلیج فارس و هند، ساخت هتل در سایر مناطق جهان با کندی صورت خواهد گرفت. کاهش نرخ بهره و افزایش دسترســـی به تسهیلات مسکن، تقاضا برای خرید مسکن را بیشتر خواهد کرد. با این حال، کمبود عرضه مسکن موجب افزایش قابل‌توجه قیمت مسکن و اجاره خواهد شد. بنابراین دولت‌ها به‌ویژه در اروپا، سیاست‌های حمایتی ساخت‌وساز را در پیش خواهند گرفت. بریتانیا با تغییر کاربری بخشـــی از اراضی کشاورزی تلاش می کند به هدف ساخت ۱٫۵ میلیون واحد مسکونی جدید دست یابد. هلند و اسپانیا نیز برنامه‌هایی برای افزایش عرضه مسکن دارند.

از ســـوی دیگر، تنش‌های خاورمیانه، تردد کشـــتی‌ها را در کانال سوئز (کوتاه‌ترین مســـیر آبی آسیا و اروپا) شـــدیدا مختل خواهد کرد. با ادامه تنش‌ها در سال ۲۰۲۵، شرکت‌های کشتیرانی ناگزیر به استفاده از مسیرهای طولانی‌تر و پرهزینه خواهند شد که نه تنها زمان ســـفر را افزایش می‌دهد، بلکـــه اقتصاد مصر را تحت‌تاثیر قرار داده و موجب کاهش درآمدهای کانال سوئز خواهد شد. همچنین احتمال اعتصابات کارگری در بنادر مختلف جهان، می‌تواند مشـــکلات را دوچندان کند و زنجیره تامین جهانی را با چالش جدیدی مواجه ســـازد. صنعت حمل‌ونقل دریایی در آستانه تحول بزرگی قرار دارد و شرکت‌های کشتیرانی از سال ۲۰۲۵ مجبورند به ازای هر تن آلایندگی که تولید می‌کنند، جریمه ســـنگینی بپردازند. این جریمه‌ها تا سال ۲۰۲۷ به‌طور مداوم افزایش خواهد یافت و هزینه عملیاتی شـــرکت‌ها را تـــا ۴۰ درصد بالا خواهد برد. در نتیجه، قیمت کالاهای وارداتی و صادراتی افزایش خواهد یافت. از سوی دیگر، صنعت کامیون‌داری با پیچیدگی‌های جدیدی روبه‌رو شـــده و شرایط کاری سخت و کمبود رانندگان باتجربه، این صنعت را با چالش مواجه خواهد ساخت.

توجه جهانی به ساخت‌وسازهای سبز

از منظر «اکونومیســـت»، ســـال ۲۰۲۵ ســـالی اســـت که توجه جهانی به سمت ساخت‌وسازهای ســـازگار با محیط‌زیست جلب می‌شود. سیاست‌های سبز باعث شده اســـت تا سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌ها به شـــدت افزایش یابد و به ۲۸ تریلیون دلار برســـد، یعنی تقریبا یک‌چهارم تولید ناخالص داخلی جهـــان. آمریکا، اروپا و چین از جمله کشورهایی هستند که بیشترین سرمایه‌گذاری را در این زمینه انجام می‌دهند. البته در آمریکا اگرچه یارانه‌های دولتی، هزینه‌های ساخت‌وساز را کاهش داده است، اما هنوز هم نیازهای زیرساختی کاملا برطرف نشده است. سرمایه‌های هنگفتی از منابع مختلف از جمله دولت‌ها و شرکت‌های بزرگ، به سمت انرژی‌های پاک و فناوری‌های نوین سرازیر می‌شود. این ســـرمایه‌گذاری‌ها باعث رشد سریع فناوری‌های دیجیتال و گسترش شبکه‌های ۵G خواهد شد.

اما در کنار این پیشـــرفت‌ها، چالش‌هایی هم وجود دارد؛ مثل افزایش اســـتفاده از مراکز داده که فشـــار زیادی به شبکه برق وارد می‌کند. با وجود اینکه تمامی کشورها کم و بیش به سمت استفاده از وسایل نقلیه پاک و سبز حرکت می‌کنند، اما پیشرفت زیرساخت‌های حمل‌ونقل به اندازه کافی سریع نخواهد بود. همچنین چین با گسترش بنادر خود در قاره آفریقا و آمریکای لاتین، نفوذ اقتصادی‌اش را در سطح جهان هرچه بیشتر افزایش داده و به یکی از بازیگران اصلی تجارت جهانی تبدیل خواهد شد.

اگر تولید درست شود، قیمت بازار کاهش می‌یابد

دفاع خودروسازان از قیمت های جدید

در ابتدای هفته گذشـــته بود که با شوک شبانه به بازار خودرو، قیمت خودروهای داخلی تا ۳۰ درصد افزایش یافت و باعث حیرت متقاضیان شد. البته خودروسازان به دنبال افزایش ۷۰ تا ۸۰ درصدی قیمت محصولات تولیدی خود بودند که در نهایت به افزایش ۳۰ درصدی قیمت‌ها رضایت دادند. بامداد دوشـــنبه ۲۶ آبان ماه بود که دو شـــرکت بزرگ خودروساز یعنی ایران خودرو و سایپا با صدور اطلاعیه‌های جداگانه‌ای اعلام کردند که براساس «دستورالعمل تنظیم بازار شورای رقابت»، قیمت محصولات خـــود را «اصلاح کرده‌اند.» بدین ترتیب، بهـــای دولتی تحویل کارخانه این دو شـــرکت خودروســـاز تا ۳۰ درصد افزایش پیدا کرد. البته دولت سیزدهم در آخرین روزهای فعالیت خود با افزایش قیمت چند محصول خودروســـازان موافقت کرده بود، اما با جابه‌جایی ناگهانی دولت و بنا به ســـنت همیشـــگی تغییر و تحولات دولت‌ها، این مصوبه مشمول «لغو موقتـــی» دولت چهاردهم قرار گرفته بود، اما حالا به نظر می رســـد پس از سه ماه، مصوبه خودرویی دولت سیزدهم به مرحله اجرا درآمده است.

امـــا پس از آنکه قیمت جدید خودروهای داخلی با حیرت و شـــگفتی افکار عمومی روبه‌رو شد، خودروسازان در مقام دفاع از خود برآمده‌اند و با توجه به صورت‌های مالی و زیان انباشته خود در صدد توجیه منطقی این اتفاق هستند. در همین زمینه، «محمدرضا نجفی منش»، رئیس انجمن قطعه‌سازان بر این باور اســـت که نرخ‌گذاری کنونی برای خودرو، گرانی نیست و این محصول صرفا اندکی به قیمت واقعی خود نزدیک شده است! او با تاکید بر اینکه گران‌شـــدن خودرو، عبارت غلطی است و قیمت‌های اعلامـــی هنوز با قیمت واقعی خودرو فاصلـــه دارد، به «رادیو گفت‌وگو» گفت: تولید در کارخانه با زیان اتفاق می‌افتد و نرخ خودرو با قیمت تعیین شده در بازار متفاوت است. بحث بر سر قیمت بازار نیست؛ ولی اگر وضع تولید درست شود، قیمت بازار هم کاهش می‌یابد.

رئیس انجمن قطعه‌ســـازان با اشـــاره به اینکه صنعت خودرو در حال سرکوب‌شدن است، ادامه داد: قیمت تمام شده خودروسازی‌ها حدود ۱۰ تومان است؛ ولی ما اصرار داریم محصول نهایی ۵ تومان به فروش برسد و دلیل این کار را هم نمی‌دانم! بسیاری از مقامات فشار می‌آورند که راهکار ما تولید اســـت؛ ولی عده‌ای دقیقا با تولید تقابل دارند. بحث کنونی هم بحث تقابل با تولید است. قیمت خودرو را پایین نگه داشته بودند و هنوز هم فقـــط اندکی این رقم را بالا آوردند که به نظر ما، کاچی به از هیچی است. به گفته «نجفی منش»، قیمت در بازار تعیین می‌شود و نرخ خودرو از سوی نهادی تعیین نمی‌شـــود. با وجود آنکه همه اقلام و کالاها گران شده ولی قیمت خودرو طی دو سال گذشته تغییری نداشته است.

او که با «رادیو گفت‌وگو» مصاحبه می کرد، با تاکید بر اینکه اگر تولید درست شود، قیمت بازار کاهش می‌یابد، افزود: اگر قیمت خودرو در بازار افزایش یابد، قابل‌بحث اســـت؛ ولی هم اینک یـــک رانت به وجود آمده است که مســـاوی با ۵۰۰ همت است و شامل اختلاف قیمت کارخانه و بازار اســـت. اکثر کسانی که برای خرید خودرو صف می‌کشند، به‌واقع به محصول نیاز ندارند و صرفا می‌خواهند خودرویی را خریداری کرده و در بازار به فروش برسانند.

همچنین «اســـماعیل شجاعی» از کارشناســـان اقتصاد خودرو و دبیر ســـابق اتحادیه واردکنندگان خودرو درباره افزایش اخیر قیمت‌ها گفت: وقتی درباره گران‌شـــدن صحبت می‌کنیم، یعنـــی نرخ تعیینی از قیمت متعادل بیشتر است. ولی مشـــکل ما در صنعت خودرو این نیست؛ بلکه گرفتار سیستم حکمرانی پرمداخله در اقتصاد هستیم. تا زمانی که نحوه دخالت‌های بیجا، غیرکارشناسی و رانت‌جویانه در سیستم اقتصاد و خاصه در بازار خودرو برقرار است، از این وضعیت نجات پیدا نمی‌کنیم. به گفته «شجاعی»، امروز قطعه‌ساز، خودروســـاز و مردم ناراضی هستند و صرفا دلال‌ها راضی هســـتند؛ در حالی‌که حکمرانی در بخش خودرو فقط برای دلال‌ها کار می‌کند و وقتی سامانه یکپارچه خودرو را طراحی کردیم، در فروش و هم تولید دخالت صورت گرفت.

دبیر سابق اتحادیه واردکنندگان خودرو، اشکال دیگر را متوجه رسانه‌ها دانســـت و افزود: ما خودروساز را حلبی‌ســـاز می‌دانیم؛ ولی دولت مصون از انتقادات اســـت. بنابراین مردم باید به یاد داشته باشند که شعار سال براساس «جهش تولید» است؛ ولی مجلس یک‌قدم برای رفع موانع تولید برنداشـــته است. پس بحث بر ســـر گرانی خودرو، صحت ندارد و صنعت خودرویی که در حال نابودی بود، قدری با تزریق مالی روبه‌رو شـــده تا به مرگ کشیده نشود.

آگهی موضوع ماده ۳ قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

برابر آراء صادره هیئات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی دهگلان استان کردستان تصرفات مالکانه وبلا معارض متقاضیان محرز گردیده است. لذا در اجرای ماده ۳ قانون تعیین تکلیف و ضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی و ماده ۱۳ آیین نامه قانون مذکور مشخصات متقاضیان و املاک مورد تقاضا به شرح ذیل به منظور اطلاع عموم در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی میشود در صورتیکه اشخاص ذینفع به آراء اعلام شده اعتراض داشته باشند باید از تاریخ انتشار آگهی تا دوماه اعتراض خود را به اداره ثبت اسناد و املاک شهرستان دهگلان تسلیم و رسید اخذ نمایند. معترض باید ظرف یک ماه از تاریخ اعتراضی مبادرت به تقدیم دادخواست به دادگاه عمومی و گواهی تقدیم دادخواست را به این اداره تحویل نماید. بدیهیست در صورت عدم وصول اعتراض یا عدم ارائه گواهی تقدیم دادخواست به دادگاه عمومی در مهلت قانونی طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد ((مرحله ۳۳۲ بخش ۴))

۱- خالد بهمنی به شماره ملی ۳۷۳۲۶۰۴۱۵۲ فرزند عبدالرحیم در شش دانگ شش قطعه زمین مزروعی به مساحت ۴۸۶۶ و ۵۳۲۸ و ۲۱۰۲۱٫۰۱ و ۵۰۰۵ و ۲۲۸۳۶٫۸۵ و ۱۱۹۰۶ مترمربع قسمتی از پلاک -اصلی واقع در بخش ؛ ییلاق کردستان روستای بهمن آباد خریداری از مالک رسمی آقای محمد رحیم بهمنی

۲- علی اکبر بهمنی به شماره ملی ۵۵۸۹۷۸۹۳۱۱ فرزند احمد در شش دانگ یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۱۲۴۳ متر مربع قسمتی از پلاک ۵- اصلی واقع در بخش ؛ ییلاق کردستان روستای بهمن آباد خریداری از مالک رسمی آقای محمد حسین بهمنی

۳ -معصومه عزیزی شماره ملی ۳۸۰۱۳۵۹۵۲۲ فرزند مولود و محمد شریف محمدی به شماره ملی ۵۵۸۹۷۰۲۴۵۳ در یک دانگ قطعه زمین مزروعی به مساحت ۳۳۹۷۱٫۰۷ متر مربع قسمتی از پلاک: ۲۴ اصلی واقع در بخش ۴ ییلاق کردستان روستای تازه آباد چراغ آباد خریداری از مالک به رسمی آقای رحمت اله محمدی

۴ - محمد شریف محمدی شماره ملی ۵۵۸۹۲۸۲۳۴۹ فرزند عبدالحمید در یک شش دانگ قطعه زمین مزروعی به مساحت ۷۲۰۸۲ متر مربع قسمتی از پلاک ۲۸ اصلی واقع بخش ۴ ییلاق کردستان روستای بلبان آباد خریداری از مالک به رسمی آقای ابوالحسن محمدی

۵- محمد سیفی شماره ملی ۵۵۸۰۲۳۴۳۲۵ فرزند اردشیر در شش دانگ یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۲۶۹۱۶٫۷۲ متر مربع قسمتی از پلاک ۳۷-اصلی واقع بخش ۴ ییلاق کردستان روستای نبی آباد خریداری از مالک به رسمی آقای محمد و محمد امین و رمضان سیفی

۶ -رامیار سیف پناهی شماره ملی ۵۵۸۹۹۵۹۴۹۷ فرزند در شش دانگ یک باب ساختمان به مساحت ۱۷۹٫۵۸ متر مربع قسمتی از پلاک۵۴- اصلی واقع بخش ۴ ییلاق کردستان دهگلان جنب آموزش و پرورش خریداری از مالک رسمی آقای محمد غفوری

۷- افشین رحیمی شماره ملی ۵۵۸۹۳۵۰۷۶۱ فرزند احمد در شش دانگ یک قطعه زمین مزروعی دیم به مساحت ۵۹۹۱۲٫۷۰ متر مربع قسمتی از پلاک ۵۴- اصلی واقع بخش۴ ییلاق کردستان راضی دهگلان خریداری از مالک به رسمی آقای علی صادقی

۸- آمنه قبادی شماره ملی ۵۰۸۹۷۸۵۱۰۳ فرزند قادر در ششدانگ یک باب خانه به مساحت ۷۰٫۰۶ متر مربع قسمتی از پلاک ۵۴- اصلی واقع بخش ۴ ییلاق کردستان دهگلان خیابان امام محمد غزالی خریداری از مالک به رسمی آقای محمد صادق و محمدصدیق و محمد صالح رحیمی

۹ - دانیال خسروی شماره ملی ۳۷۹۰۰۷۵۱۷۵ فرزند یدالله در شش دانگ یک باب خانه به مساحت ۱۰۶٫۰۷ متر مربع قسمتی از پلاک ۵۴- اصلی واقع بخش ۴ ییلاق کردستان دهگلان میدان لیلاخ کوچه شهید علیزاده خریداری از مالک به رسمی آقای محمد غفوری

۱۰ - اثمر رحیمی دهگلان شماره ملی ۵۵۸۹۳۴۷۵۱۳ فرزند خانعلی و اقبال رحیمی دهگلان به شماره ملی ۵۵۸۹۳۴۷۷۸۵ فرزند محمد علی شش دانگ شش قطعه زمین مزروعی به مساحت ۶۵۶۰۰ و ۹۰۹٫۹۷ و ۱۲۲۲ و ۸۰۲۶ و ۶۵۲۶۵ و ۱۳۲۶۳ متر مربع قسمتی از پلاک ۵۴- اصلی واقع بخش ۴ ییلاق کردستان اراضی دهگلان خریداری از مالک به رسمی آقای خانعلی رحیمی

۱۱ - اثمر رحیمی دهگلان شماره ملی ۵۵۸۹۳۴۷۵۱۳ فرزند خانعلی و اقبال رحیمی دهگلان به شماره ملی ۵۵۸۹۳۴۷۷۸۵ فرزند محمد علی در شش دانگ دو قطعه زمین مزروعی به مساحت ۶۲۶۴ و ۲۵۰۶۹ متر مربع قسمتی از پلاک ۵ اصلی واقع بخش ۴ ییلاق کردستان اراضی دهگلان خریداری از مالک به رسمی آقای محمد علی رحیمی

۱۲ - احمد و خالد و اقبال شهرت رحیمی دهگلان شماره ملی ۵۵۸۹۸۶۵۴۸۴ و ۵۵۸۹۳۴۶۵۴ و ۵۵۸۹۳۴۷۷۸۵ فرزندان محمد علی در شش دانگ یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۱۱۱۸۱٫۵ متر مربع قسمتی از پلاک ۵۴ اصلی واقع بخش ۴ ییلاق کردستان اراضی دهگلان خریداری از مالک به رسمی آقای محمد علی رحیمی دهگلان

۱۳- اقبال رحیمی دهگلان به شماره ملی ۵۵۸۹۳۴۷۷۸۵ فرزند محمد علی در شش دانگ یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۹۶۸۸ متر مربع قسمتی از پلاک -۵۴ اصلی واقع بخش ۴ ییلاق کردستان اراضی دهگلان خریداری از مالک به رسمی آقای محمد علی رحیمی

۱۴ خالد مبارکی شماره ملی ۵۵۸۹۵۸۶۴۲۹ فرزند محمد در شش دانگ دو قطعه زمین مزروعی به مساحت ۱۶۷۰۰۰ و ۱۷۰۹۴٫۶ متر مربع قسمتی از پلاک ۵۴ اصلی واقع بخش ۴ ییلاق کردستان اراضی دهگلان خریداری از مالک به رسمی آقای محمد مبارکی

۱۵ احمد رشیدی زاغه شماره ملی ۵۵۸۹۸۱۹۰۶۷ فرزند محمد سید در شش دانگ یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۲۱۸۷۳ متر مربع قسمتی از پلاک ۴ اصلی واقع بخش ۴ ییلاق کردستان روستای زاغه خریداری از مالک به رسمی آقای محمد سعید رشیدی

۱۶ - رامین اله مرادی شماره ملی ۳۷۲۰۴۹۴۷۶۴ فرزند جلال در شش دانگ یک باب ساختمان به مساحت ۱۱۷٫۱۷ متر مربع قسمتی از پلاک ۵۴- اص

درآمد ایرانیان در ۱۳ سال گذشته ۲۰ درصد کمتر شد

فشار تحریم به درآمد سرانه

ایمان ولی پور
ایمیل: IvanKaramazof@yahoo.com

گزارش جدید مرکز آمار ایران نشـــان می دهد که میزان درآمد خالص سرانه ایرانیان در ۱۳ سال گذشته (۱۳۹۰ تا ۱۴۰۲) تا حدود ۲۰ درصد کاهش یافته اســـت. البته این رقم در برخی از سال ها، فراز و فرود داشته و تحت تاثیر تحولات سیاسی، کم یا زیاد شده است؛ مثلا در سال ۱۳۹۶ با اجرای توافق برجام، درآمد سرانه به شکل قابل توجهی بالا رفت و حتی به نزدیکی سال ۱۳۹۰ رسید، اما در ادامه با خروج آمریکا از برجام، میزان درآمد سرانه کاهش یافت و این روند نزولی تا سال ۱۳۹۹ ادامه پیدا کرد. ســـپس با پایان ریاســـت جمهوری ترامپ و روی کار آمدن بایدن اگرچه به دلیل کاهش فشـــار تحریمی، وضعیت اندکی بهتر شد اما هنوز فاصله زیادی تا ابتدای دهه ۱۳۹۰ وجود دارد.

درآمد خالص ملی سرانه، از جمله شاخص‌های اقتصادی است که برای سنجش سطح رفاه کشورها استفاده می‌شود. این شاخص نشان می‌دهد که اگر کیک اقتصاد (آنچه توســـط مردم یک کشـــور تولید شده است) بین جمعیت آن کشور تقســـیم شود، سهم هر شهروند به طور میانگین چقدر می‌شود. درآمد خالص ملی سرانه، از تقسیم تولید ناخالص ملی بر جمعیت کشـــور در هر سال به دســـت می آید. مرکز آمار ایران به تازگی در گزارشـــی، درآمد خالص ملی ســـرانه را از سال ۱۳۹۰ تا سال ۱۴۰۲ محاسبه کرده اســـت. یافته های این گزارش نشان می‌دهد که اگر سهم تورم از این شـــاخص کم شـــود، درآمد ســـرانه ایرانیان از سال ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۴، روند نزولی داشـــته و ســـپس با توافق برجام یک شوک مثبت را تجربه کرده اســـت. با اینکه آثار مثبت این رخداد تا حدود دو سال ادامه داشـــت، اما با خروج ترامپ از برجام مجددا درآمد ســـرانه ایرانیان رو به کاهش گذاشـــت. با وجود افزایش مقطعی این شـــاخص در سال ۱۴۰۰، متاســـفانه دوباره وضعیت این شـــاخص تا پایان ســـال ۱۴۰۲ به سمت «وضعیت نامطلوب» حرکت کرده است. در مجموع، اگر درآمد هر ایرانی در طول ۱۳ ســـال گذشته به قیمت‌های ســـال ۱۴۰۰ بازگردانده شود، درآمد سالانه هر ایرانی در سال ۱۳۹۰ حدودا ۲۲ میلیون تومان بیشتر از درآمد سال ۱۴۰۲ می‌شود.

درآمد خالص ملی سرانه یعنی چه؟

درآمد خالص ملی ســـرانه، از تقســـیم تولید ناخالص ملی بر جمعیت کشور به دست می آید. اگر ارزش تمام کالاها و خدماتی که توسط اعضای یک ملت تولید شده با هم جمع شود، تولید ناخالص ملی به دست می‌آید. موضوع مهم در این شـــاخص، ملیت افراد است و نه مرزهای جغرافیایی؛ یعنی اگر یک ایرانی در خارج از مرزهای کشورمان زندگی کند اما خدمت یا کالایی تولید کرده باشـــد، ارزش آن در تولید ناخالص ملی محاســـبه می‌شود. حال اگر برخی ملاحظات اقتصادی دیگر در این شاخص لحاظ شـــود، تولید خالص ملی به دست می‌آید. با تقسیم کردن این شاخص به جمعیت هر کشور می‌توان درآمد خالص ملی سرانه را به دست آورد. در واقع، درآمد ملی ســـرانه ایران نشان می‌دهد که درآمد هر ایرانی به طور متوســـط در هر سال چقدر بوده است. به عبارت دیگر، اگر کیک اقتصاد ملی بین ایرانیان تقسیم شود، چقدر از آن به هر ایرانی می‌رسد. بنابراین این شاخص می‌تواند نماگر مناســـبی از وضعیت رفاهی در اقتصاد ایران باشـــد. افزایش درآمد ســـرانه به عنوان سیگنالی از بالارفتن سطح رفاه و کاهش آن به عنوان نشانه‌ای از کمتر شدن رفاه عمل می‌کند. البته از آنجا که در اقتصاد ایران، تورم به شکل مزمن و در سطوح بالا قرار دارد، ارزش کالاها و خدمات تولید شده نیز دائما در حال بالارفتن است. بنابراین برای آنکه مشخص شود چقدر از این افزایش ارزش به صورت حقیقی و چقدر از آن ناشی از تورم بوده، می‌توان درآمد سرانه را به قیمت‌های یک سال مشخص بازگرداند تا اثر تورم از آن حذف شود. حال مرکز آمار در گزارش خود، درآمد ملی سرانه را به قیمت‌های سال ۱۴۰۰ بازگردانده است و با این کار می‌توان متوجه شد که درآمد سرانه ایرانیان مثلا در سال ۱۳۹۰ اگر به سال ۱۴۰۰ بازگردد، چه ارزشی پیدا می‌کند.

روند نزولی درآمد در سایه تحریم ها

یافته های مرکز آمار ایران نشـــان می‌دهد که از ســـال ۱۳۹۰ تا سال ۱۴۰۲، درآمد ســـرانه ایرانیـــان رو به افزایش بوده، امـــا زمانی که این شـــاخص به قیمت‌های سال ۱۴۰۰ بازگردانده شده و تورم از آن حذف می‌شـــود، نتیجه به شـــکل قابل‌توجهی تغییر می‌کند. براساس آمارها، ســـهم هر ایرانی از کیک ملی اقتصاد در ســـال ۱۳۹۰ حدود ۸ میلیون تومان بوده اســـت که معادل ۱۱۰ میلیون و ۵۰۰ هزار تومان در ســـال ۱۴۰۰ اســـت؛ یعنی درآمد ســـرانه ۸ میلیون تومانی ایرانیان در سال ۱۳۹۰ به اندازه ۱۱۰ میلیون تومان در سال ۱۴۰۰ ارزش داشته است. در طول ۱۳ ســـال گذشـــته، این رقم بالاترین سطح درآمد ملی سرانه ایرانیان بوده اســـت. ســـپس با شروع تحریم‌های هســـته‌ای غرب علیه ایران (تحریم نفتی، بانک مرکزی، کشـــتیرانی و...)، درآمد خالص ملی سرانه ایرانیان در سال ۱۳۹۱ با اُفت شدیدی روبه‌رو می‌شود و از ۱۱۰ میلیون تومان به ۹۲ میلیون تومان کاهش می‌یابد. با اینکه این شاخص تقریبا بـــه اندازه یک میلیون تومان در ســـال ۱۳۹۲ بهبود می‌یابد اما در ســـال های ۱۳۹۳ و ۱۳۹۴ با سرعت به سمت «وضعیت نامطلوب» حرکت کرده و به کمتر از ۸۵ میلیون تومان رسیده است. بدین ترتیب، ســـهم هر ایرانی از کیک ملی اقتصاد که در سال ۱۳۹۰ (به قیمت‌های ثابت ۱۴۰۰) برابر با ۱۱۰ میلیون تومان بوده، در عرض چهار ســـال به اندازه ۲۵ میلیون تومان کمتر شده و به ۸۴ میلیون تومان رسیده است. این رقم، کمترین ســـطح درآمد خالص ملی سرانه ایرانیان در طول ۱۳ سال گذشته است.

تاثیر مثبت برجام بر درآمد سرانه

با این حال، به نظر می‌رســـد توافق برجام در ســـال ۱۳۹۴، آثار مثبت خود را در ســـال‌های بعد نمایان کرده است. این بهبود درآمد سرانه ملی به قدری مشهود است که نمی‌توان وجود آن را کتمان کرد. درآمد خالص ملی ســـرانه به قیمت‌های ثابت ســـال ۱۴۰۰ در سال ۱۳۹۵ و یک سال بعد از حاصل شدن برجام از سطحی کمتر از ۸۵ میلیون تومان به بالای ۹۶ میلیون تومان رســـیده است. با تداوم شـــرایط مثبت اقتصادی، این شاخص تا رقم ۱۰۰ میلیون و ۶۰۰ هزار تومان در سال ۱۳۹۶ نیز صعود کرده است. به نظر می‌رسد برجام تا حد زیادی توانسته بود آثار نامطلوب تحریم‌های هســـته‌ای در اوایل دهه ۱۳۹۰ را در سال دوم پس از اجرایی شـــدن آن جبران کند؛ به طوری که درآمد ملی ســـرانه در سال ۱۳۹۶ (یعنی سال دوم اجرای برجام) تنها ۱۰ میلیون تومان کمتر از سال ۱۳۹۰ و قبل از شروع تحریم‌ها بوده است.

اما درســـت در زمانی که اقتصاد ایران در حال شتاب‌گرفتن به واسطه گشـــایش‌های اقتصادی برجام بود، دونالد ترامپ در آمریکا روی کار آمد و بـــا «مضر خواندن برجام»، به صـــورت یک‌طرفه آمریکا را از این توافق بین‌المللی خارج کرد. در ســـال ۱۳۹۷ که همزمان بـــا خروج آمریکا از برجـــام بود، درآمد خالص ملی ســـرانه ایرانیان به قیمت‌های ثابت تا ۹۱ میلیون تومان اُفت کرد. یک ســـال بعد و با تشدید تحریم‌های نفتی، این شاخص تا ۸۹ میلیون و ۷۰۰ تومان نیز کاهش یافت. در سال ۱۴۰۰ اما تا حدودی وضعیت فروش نفت ایران بهبود یافت و به نظر می‌رســـد یکی از نتایج مثبت گشایش در فروش نفت، افزایش درآمد خالص ملی سرانه در این سال به ۹۰ میلیون تومان باشد.

درآمد سرانه ۱۴۰۲، پایین تر از ۱۳۹۰

با این وجود، این وضعیت بهبود ادامه نیافت و این شاخص در سال‌های ۱۴۰۱ و ۱۴۰۲ رونـــد نزولی به خود گرفت. در ســـال ۱۴۰۱، تخصیص ارز ترجیحی ۴ هزار و ۲۰۰ تومانی به واردات کالای اساســـی متوقف شد که در نتیجه آن، تورم ماهانه دورقمی در اواخر بهار این ســـال ثبت شد. درآمد خالص ملی ســـرانه نیز در همین سال به ۸۹ میلیون و ۲۰۰ هزار تومان کاهش یافت. در ســـال گذشـــته نیز این شاخص به ۸۸ میلیون و ۴۰۰ هزار تومان رسید که کمترین سطح در طول سه سال گذشته است. بنابراین در طول ۱۳ ســـال گذشته، درآمد سرانه ایرانیان و سهم آنان از کیک اقتصاد به شـــکل قابل توجهی کاهش یافته است. به طور خلاصه، اگر درآمد هر ایرانی در طول ۱۳ سال گذشته به قیمت‌های سال ۱۴۰۰ بازگردانده شود، درآمد سالانه هر ایرانی در سال ۱۳۹۰ حدودا ۲۲ میلیون تومان بیشـــتر از درآمد سال ۱۴۰۲ می‌شود. به نظر می رسد «تحریم‌ها» و «تنش‌های اقتصادی»، دو عامل اصلی اُفت شدید درآمد سرانه ایرانیان است.

دماسنج اصلی تالار شیشه‌ای ۲۴ هزار واحد صعود کرد

سبزپوشی بورس در آغاز آذرماه

اکثر شـــاخص‌های بازار ســـرمایه در اولین روز معاملاتی آذرماه، مثبت شـــدند و شـــاخص کل بورس تهران با رشـــد بیش از ۲۴ هزار واحدی و ایستادن در ارتفاع ۲ میلیون و ۲۸۱ هزار واحد به کار خود پایان داد. بدین ترتیب، بازار سرمایه پس از یک روز کاری افت (در روز چهارشنبه ۳۰ آبان ماه) مجددا به روند صعودی بازگشت و معاملات آذرماه را سبزپوش آغاز کرد. این دهمین روز سبز بازار سرمایه در ۱۱ روز کاری گذشته است.

شـــاخص کل بورس تهران در سومین روز از سومین ماه پاییز بیش از ۲۴ هزار واحد بالا آمد و به رقم ۲ میلیون و ۲۸۲ هزار واحد رســـید. در روز یکشـــنبه هفته گذشته، بازار ســـرمایه پس از حدود چهار ماه کانال ۲,۲ میلیون واحدی را پس گرفت و حال با سبزپوشـــی بورس در اولین روز معاملاتـــی آذرماه، این بازار برای دهمین بار طی ۱۱ روز کاری اخیر مثبت شـــد. در جریان معاملات روز شنبه ۳ آذرماه، شاخص کل بورس و اوراق بهادار تهران با ۲۴ هزار و ۴۴۳ واحد افزایش به ســـطح ۲ میلیون و ۲۸۲ هزار و ۵۷ واحد رسید. شاخص کل هم‌وزن نیز ۷ هزار و ۸۰۹ واحد افزایش داشت و در تراز ۷۲۷ هزار و ۶۳۵ واحد ایستاد. در اولین روز هفته تعداد ســـهام مثبت بورس ۲۸۷ عدد و سهام منفی ۵۷ عدد بود. به طور کلی، بورس در این روز ۱,۰۸ درصد افزایش داشت. همچنین حدود ۳۶۹ هزار فقره معامله به ارزش حدود ۹۸۰۰ میلیارد تومان در تالار شیشه‌ای انجام شـــد. نمادهای فارس، وبملت و تاپیکو با بیشـــترین تاثیر مثبت بر شاخص بورس همراه شدند. از نمادهای پرتراکنش نیز می‌توان به خودرو، وبملت و ذوب اشـــاره کرد. در آن ســـوی بازار ســـرمایه نیز شاخص کل فرابورس ایران ۱۵۰ واحد افزایش را تجربه کرد و به سطح ۲۲ هزار و ۴۶۷ واحد رسید. تعداد معاملات فرابورس در این روز ۲۱۰ هزار فقره و ارزش آن بیش از ۳۵ هزار میلیارد تومان بود. نمادهای وســـپهر و فزر بیشترین تاثیر مثبت را بر شـــاخص کل فرابورس داشتند اما بپاس اثر منفی ایجاد کرد. خاور، کرمان و فزر هم از جمله نمادهای پرتراکنش این بازار بودند.

بـــازار بورس بعد از نوســـانات ماه‌های اخیر از دو هفته گذشـــته روند صعودی به خود گرفت، به طوری که شاخص کل بورس در روز شنبه ۱۹ آبان ۳۶ هزار واحد رشـــد کرد. در روز یکشنبه نیز ۳۵ هزار واحد افزایش یافت. روز دوشـــنبه ۲۱ آبان هم شاخص کل بورس و اوراق بهادار تهران به رشـــد ۳۶ هزار واحد رسید. شاخص کل در روز سه‌شنبه نیز با افزایش ۷ هزار و ۳۴۰ واحدی مواجه شد و در روز چهارشنبه هم ۱۳ واحد رشد کرد. نهایتا در روز شنبه هفته گذشته، شاخص کل ۴۵ هزار واحد افزایش یافت. در روز یکشـــنبه ۲۷ آبان هم شاخص کل ۱۹ هزار واحد بالا رفت. در روز دوشنبه نیز شاخص کل با رشد ۴۳ هزار واحدی و در روز سه‌شنبه با رشـــد ۱۴ هزار واحدی روبه‌رو شد. شـــاخص کل بورس نهایتا در روز چهارشـــنبه ۳۰ آبان با کاهش ۱۲ هزار واحدی مواجه شد تا آخرین روز این ماه را قرمزپوش به پایان برساند.

با این وجود، شـــاخص کل در آبان ماه موفق به ثبت بازدهی مثبت ۱۲ درصدی شـــد و رکورد بازدهی ماهانه را از فروردین ماه ۱۴۰۲ شکست. شاخص هم‌وزن نیز با ثبت بازدهی مثبت ۸,۱ درصدی، رکورد خود را از آذر همان ســـال جابهجا کرد. میانگین ارزش معاملات ماهانه هم ۵ هزار و ۴۸ میلیارد تومان ثبت شـــد که بیشترین مقدار از اسفند سال گذشته بود و هزار و ۹۸۱ میلیارد تومان نقدینگی حقیقی نیز وارد معاملات خرد (ســـهام، حق تقدم و صندوق‌های سهامی) شد که این میزان ورود ماهانه از فروردین ماه ۱۴۰۲ سابقه نداشته است.

بورس تهران در آبان امسال شاهد رشد تمام شاخص‌های صنایع بورسی بود. شاخص صنعت عرضه برق و گاز با ۲۳ درصد بیشترین افزایش را به ثبت رساند و در بین صنایع سنگین‌تر بازار سهام، شاخص صنعت خودرو و ســـاخت قطعات و شاخص صنعت محصولات شیمیایی بیشترین رشد تراز را تجربه کردند. بورس تهران در مهرماه شاهد روند ریزشی قیمت‌ها و رکود معاملاتی شـــدیدی بود. شاخص کل بورس تهران در انتهای مهر تا تراز ۲ میلیون واحدی کوتاه آمده بود و تراز شاخص کل هم‌وزن نیز به سطح ۶۵۰ هزار واحدی رسیده بود. بازار سرمایه، آبان‌ماه را در تداوم روند نزولی آخر مهر آغاز کرد و حتی حمایت ۲ میلیون واحدی شـــاخص کل در روزهای ابتدای آبان شکسته شد.

اولین هفته معاملاتی آبان ماه با مثبت شدن خالص جریان پول حقیقی در موقعیت‌های سهامی همراه بود و فروکش تنش‌های سیاسی و نظامی خاورمیانه موجب شد تا شاخص کل بورس تهران تا میانه کانال ۲ میلیون و ۱۰۰ هزار واحدی بالا بیاید. از طرفی انتخابات ریاست جمهوری آمریکا که در میانه آبان‌ماه برگزار شد؛ عدم اطمینان را در بازارهای مالی جهان بالا برد و در چند روز معاملاتی قبل از ۱۵ آبان شاهد رشد شدید ریسک سیســـتماتیک بورس تهران بودیم که به کاهش تراز شاخص‌ها و تشدید رکود معاملاتی منجر شـــد. پس از نهایی شـــدن نتیجه انتخابات آمریکا، موج جریان پول حقیقی به سمت موقعیت‌های سهامی بازگشت و سومین هفته آبان را با فتح مقاومت ۲ میلیون و ۱۰۰ هزار واحدی و رشد ارزش معاملات خرد تا نزدیک ســـطح ۸ همتی پشت سر گذاشتیم. در آخرین هفته آبان نیز جریان پول حقیقی به ســـمت موقعیت‌های سهامی مثبت بود و شـــاخص کل تا نزدیکی تراز ۲ میلیون و ۲۷۰ هزار واحدی بالا آمد و ارزش معاملات خرد نیز تا نزدیکی سطح ۱۱ همتی رسید. این درحالی بود که در تمام روزهای معاملاتی آبان ماه، دامنه نوسان قیمتی به مثبت و منفی ۳ درصد محدود بود.

شاخص صنایع بورسی در این ماه با رشد قابل توجهی همراه شدند. در بین ۳۰ صنعت اصلی بورس تهران، شـــاخص هر ۳۰ صنعت در آبان ماه افزایش تراز داشـــتند؛ در حالی که در مهرماه ۲۵ شاخص صنعت ریزش داشـــتند. با توجه به رشـــد ۱۲,۵ درصدی شـــاخص کل و ۸,۱ درصدی شاخص هم‌وزن بورس تهران در آبان ماه، بازدهی شاخص ۹ صنعت بهتر از شـــاخص کل بوده و ۱۱ صنعت بازدهی متوســـطی نسبت به عملکرد شـــاخص کل و هم‌وزن داشتند. از ســـوی دیگر نیز شاخص ۱۰ صنعت بازدهی کمتری نســـبت به شاخص کل هم‌وزن داشتند. شاخص صنعت تأمین برق و گاز که با ۵,۸ درصد رشد بهترین بازدهی مهرماه را به ثبت رســـانده بود؛ در آبان ماه نیز ۲۲,۸ درصد رشـــد تراز داشت و صدرنشین بازدهی شد. شـــاخص صنایع خودرو و ساخت قطعات، فنی و مهندسی و محصولات شـــیمیایی در رتبه‌های بعدی قرار گرفتند. از ســـوی دیگر، شـــاخص صنعت انبوه‌سازی با ۲,۴ درصد رشد تراز، ضعیف‌ترین عملکرد را در آبان ماه امســـال داشـــت و صنایع ســـرمایه‌گذاری‌ها، قند و شکر، محصولات غذایی و کاشی و سرامیک در رتبه‌های بعدی قرار گرفتند.

اخبـــــار

در ۷ ماهه نخست امسال

بیش از ۴۵ میلیون بیمه نامه صادر شد

براســـاس گزارش اخیر بیمه مرکزی از عملکرد بازار بیمه در هفت ماهه نخســـت امســـال، ۴۵.۳ میلیون فقره بیمه‌نامه به ارزش ۲۵۱ هزار میلیارد تومان در این مدت صادر شـــد. بیمه مرکزی جمهوری اسلامی ایران اخیرا آمار هفت ماهه صنعت بیمه در ســـال ۱۴۰۳ را منتشر کرده که براساس آن بیش از ۴۵.۳ میلیون فقره بیمه‌نامه به ارزش ۲۵۱.۳ هزار میلیارد تومان صادر شده که حاکی از رشد ۵۷.۷ درصـــدی در حق بیمه تولیدی و ۱۷.۱ درصدی در تعداد خســـارات پرداختی طی این بازه زمانی دارد. براســـاس داده‌های بیمه مرکزی، طی هفت ماهه نخست سال جاری ۴۵.۳ میلیون فقره بیمه‌نامه صادر شـــده است که در قیاس با مدت مشابه در سال ۱۴۰۲ به میزان ۷.۴ درصد رشد داشته اســـت. همچنین حق بیمه تولیدی یا ارزش این بیمه‌نامه‌هـــا در مجموع ۲۵۱.۳ همت (هـــزار میلیارد تومان) برآورد شـــده است که نسبت به مدت مشـــابه در سال گذشته ۵۷.۷ درصد رشـــد داشته است. تعداد خسارت پرداختی در این مدت ۴۸ میلیون مورد بوده اســـت که ۱۷.۱ درصد رشـــد را نسبت به مدت مشابه در سال ۱۴۰۲ نشـــان می‌دهد. همچنین مبلغ خسارات پرداختی فوق حدود ۱۲۱.۶ همت اســـت که ۵۶.۸ درصد رشـــد را نسبت به هفت ماهه نخست سال گذشته نشان می‌دهد. نسبت خسارات در این مدت ۴۸.۴ درصد اســـت که در قیاس با هفت ماهه نخست سال گذشته ۰.۳ واحد درصد کاهش داشـــته است. در مجموع، در هفت ماه ماهه نخســـت امسال، بیمه درمان ۴۲.۳ درصد از حق بیمه تولیدی، بیمه شـــخص ثالث و مازاد ۲۳.۱ درصد، بیمه زندگی (عمر) ۱۳ درصد و بیمه بدنه اتومبیل ۵.۱ درصد از حق بیمه تولیدی بازار بیمه کشـــور را در هفت ماهه نخســـت امثال به خـــود اختصاص داده و در جایگاه اول تا چهارم رشته بیمه‌های برتر در حق بیمه تولیدی قرار گرفته‌اند

از ابتدای سال تاکنون

۹.۷ میلیارد دلار ارز واردات تامین شد

بانـــک مرکـــزی از اول فروردین ماه تا امـــروز، ۴۶ میلیارد و ۲۲۵ میلیون دلار ارز برای واردات کالاهای اساسی، دارو، کالاهای تجاری و بازرگانی، واردات در مقابل صادرات و خدمات تامین کرده که سهم تامین ارز کالاهای اساســـی و دارو به ۹.۷ میلیارد دلار می‌رسد. طبق اعلام بانک مرکزی، از اول فروردین ماه سال جاری تا روز سوم آذرماه، ۴۶ میلیـــارد و ۲۲۵ میلیون دلار ارز برای واردات کالاهای اساســـی، دارو، کالاهای تجاری و بازرگانی، واردات در مقابل صادرات و خدمات تامین شـــده است که برای کالاهای اساسی و دارو ۹ میلیارد و ۷۶۸ میلیـــون دلار، برای کالاهای تجـــاری و بازرگانی مبلغ ۲۵ میلیارد و ۳۴۴ میلیون دلار، برای خدمـــات ۹۷۴ میلیون دلار و برای واردات در مقابـــل صادرات ۱۰ میلیارد و ۱۳۹ میلیون دلار تامین ارز صورت گرفته است.

براساس این گزارش، بانک مرکزی برای واردات کالاهای اساسی و کشاورزی شامل گندم، دانه‌های روغنی و نهاده‌های دامی ۷ میلیارد و ۷۳۵ میلیون دلار و برای دارو، مواد اولیه دارویی و تجهیزات پزشکی ۲ میلیـــارد و ۳۳ میلیون دلار ارز تامین کرده اســـت و در مجموع ۹ میلیارد و ۷۶۸ میلیون دلار برای کالاهای اساســـی و کشـــاورزی و دارو و تجهیزات پزشـــکی را با نرخ ۲۸۵۰۰ تومان و با هدف حمایت از مصرف‌کنندگان و دسترسی اقشـــار جامعه به کالاهای ضروری با قیمت ارزان تر تامین شده است.

گفتنی اســـت؛ «تخصیـــص و تامین ارز کالاهای اساســـی با نرخ ترجیحی الزام قانونی اســـت (قانون بودجه) که بانک مرکزی مکلف به اجرای این بند قانونی اســـت. مطابق تبصره (۴) بند (الف) قانون بودجه ســـال۱۴۰۳، «دولت و دســـتگاه‌های موضوع ماده (۵) قانون مدیریت خدمات کشوری مصوب ۱۳۸۶/۰۷/۰۸از جمله بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، مجاز هســـتند، ۱۳ میلیارد و ۶۰۰ میلیون یـــورو (معادل حدودا ۱۵ میلیارد دلار) بـــرای واردات صرفا کالاهای اساســـی کشاورزی، دارو و مواد اولیه آن و تجهیزات مصرفی پزشکی که فهرست آن به تصویب هیأت وزیران می‌رسد به تخصیص، فروش، تهاتـــر یا مبادله منابع ارزی حاصل از صـــادرات نفت، گاز و میعانات گازی، به نرخ ترجیحی اقدام کنند. این بدان معناست که پرداخت ارز ترجیحی تکلیف قانون بودجه است که بانک مرکزی هم به امر قانون مکلف به پرداخت آن است.»

در بخـــش اول لایحه بودجه ۱۴۰۴ نیز بانک مرکزی در راســـتای اجرای تبصـــره (۴) بند (الف) قانون بودجـــه مکلف به پرداخت ۱۱ میلیارد یورو ارز برای واردات صرفا کالاهای اساسی کشاورزی، دارو و مواد اولیه آن و تجهیزات مصرفی پزشکی که فهرست آن به تصویب هیأت وزیران می‌رسد، است.

همچنین در این بازه زمانی برای کالاهای تجاری و بازرگانی مبلغ ۲۵ میلیـــارد و ۳۴۴ میلیون دلار و بـــرای واردات در مقابل صادرات مبلـــغ ۱۰ میلیارد و ۱۳۹ میلیـــون دلار و در مجموع ۳۵ میلیارد و ۴۸۳ میلیـــون دلار تامین ارز صنایع صورت گرفته اســـت. تامین ارز نیمایی بـــرای «صنایع حمل و نقل و خودرو» معـــادل ۳ میلیارد و ۹۵۰ میلیون دلار، «ماشین آلات و تجهیزات تولید» معادل ۲ میلیارد و ۴۵۹ میلیون دلار، «صنایـــع معدنی» یک میلیارد و ۹۵۰ میلیون دلار، «صنایع شـــیمیایی و پلیمری» ۲ میلیارد و ۸۴۸ میلیون دلار، «صنایع و تجهیـــزات برق و الکترونیک» معـــادل ۳ میلیارد و ۳۰۶ میلیون دلار، «منســـوجات و پوشـــاک» معادل یک میلیارد و ۳۰۳ میلیون دلار صورت گرفته اســـت. این گروه های صنایع همچنین به ترتیب ۲ میلیارد و ۳۶۷ میلیـــون دلار، یک میلیارد و ۸۳۵ میلیون دلار، ۲ میلیـــارد و ۳ میلیون دلار، ۸۳۰ میلیون دلار، ۳۲۱ میلیون دلار، ۶۵ میلیون دلار ارز توافقی یا واردات در مقابل صادرات تا پایان روز ۳ آذرماه سال جاری دریافت کرده‌اند.

همچنین تا تاریخ ســـوم آذرماه، ســـایر صنایـــع ۹ میلیارد و ۵۲۸ میلیون دلار ارز نیمایی و ۲ میلیارد و ۷۱۸ میلیون دلار ارز توافقی یا واردات در مقابل صادرات دریافت کرده‌اند. گفتنی است در روز سوم آذرماه در تالار اســـکناس ارز مرکز مبادله ایران، دلار با نرخ ۵۲ هزار و ۷۳۵ تومـــان، یورو با نرخ ۵۴ هزار و ۸۳۵ تومان و درهم با نرخ ۱۴ هزار و ۳۵۹ تومان مورد مبادله قرار گرفت. همچنین تالار حواله ارز، شاهد مبادله دلار با نرخ ۵۱ هزار و ۲۹۹ تومان، مبادله یورو با نرخ ۵۳ هزار و ۳۴۱ تومان و مبادله درهم با نرخ ۱۳ هزار و ۹۶۸ تومان بود.

جزییات موارد ابطال گارانتی خودرو اعلام شد

مدیرکل دفتر خدمات فنی و مهندسی وزارت صمت به ۲۴ مورد از مواردی که شامل ضمانت (گارانتی)، خدمات رایگان خودرو نمی‌شود، اشاره کرد و گفت: خودروســـازان فقط می‌توانند موارد ابلاغ شده را برای مشتری اعمال کنند. «حمید محله‌ای»، مدیرکل دفتر خدمات فنی و مهندسی وزارت صمت با اشاره به جزییات موارد ابطال گارانتی خودرو گفت: خودروســـازان فقط می‌توانند موارد ابلاغ شده را برای مشتری اعمال کنند و هیچ خودروسازی حق تفسیر را ندارد، چراکه همه موارد به صورت شـــفاف آمده است. به گفته «محله‌ای»، ایجاد تغییـــر در یکی از قطعات خودرو که باعث به وجود آمدن نقص فنی شود گارانتی همان قطعه را باطل می‌کند و ابطال گارانتی شامل کل خودرو نمی‌شـــود. این موارد در سامانه جامع خدمات پس از فروش قابل مشاهده برای عموم مردم می‌شود و اگر خودروسازان این موارد را رعایت نکنند مردم می‌توانند به آدرس www.irangs.ir مراجعه و از خودروسازان شکایت کنند.

خبرنامه

مدیرعامل شرکت گاز چهارمحال و بختیاری مطرح کرد

راههای مصرف بهینه گاز طبیعی

استان چهارمحال و بختیاری با ویژگی‌های خاص اقلیمی خود، از جمله هوای سرد در زمستان و گرمای تابستان، به عنوان یکی از مناطق با پتانسیل بالای کشاورزی در کشور شناخته می‌شود. به گزارش «فرصت امروز»، توسعه کشاورزی در این استان تحت شرایط مختلف جوی و آب‌وهوایی می‌تواند بهبود یابد، اما بهینه‌سازی مصرف انرژی، به‌ویژه گاز طبیعی، به عنوان یکی از منابع اصلی تأمین انرژی در بخش کشاورزی، امری ضروری به نظر می‌رسد. استفاده از پوشش‌های مناسب و فنی در گلخانه‌ها می‌تواند به‌طور قابل توجهی در کاهش مصرف گاز طبیعی و در نتیجه افزایش بهره‌وری کشاورزی و حفظ منابع انرژی کمک کند. جهانبخش سلیمیان مدیرعامل شرکت گاز استان چهار محال و بختیاری میگوید: کشاورزی گلخانه‌ای به‌عنوان یکی از روش‌های نوین کشاورزی در جهان، قادر است در محیط‌های کنترل‌شده، محصولاتی با کیفیت بالا و در دوره‌های زمانی کوتاه‌تر تولید کند.

این نوع کشاورزی به دلیل نیاز به تأمین شرایط مناسب دمایی، رطوبتی و نور، به مصرف انرژی بالا وابسته است. در ایران و به‌ویژه در استان چهارمحال و بختیاری، که دارای زمستان‌های سرد و تابستان‌های گرم است، تأمین گرمای مورد نیاز در فصل سرد سال معمولا از طریق مصرف گاز طبیعی صورت می‌گیرد. در این راستا، بهینه‌سازی مصرف انرژی در گلخانه‌ها می‌تواند نقشی کلیدی در کاهش هزینه‌ها و افزایش بهره‌وری کشاورزی ایفا کند. وی ادامه میدهد: پوشش گلخانه‌ها، به‌ویژه در فصول سرد، نقش مهمی در حفظ دمای مطلوب داخل گلخانه و کاهش نیاز به گرمایش ایفا می‌کند.

انتخاب پوشش مناسب می‌تواند باعث کاهش تبادل حرارت و افزایش راندمان سیستم‌های گرمایشی و سرمایشی در گلخانه‌ها شود. انواع مختلف پوشش‌ها از جمله پلاستیک‌ها و شیشه‌ها با ویژگی‌های خاصی چون ضریب انتقال حرارتی پایین، مقاومت در برابر شرایط جوی و قابلیت عبور نور مناسب می‌توانند شرایط مناسبی را برای رشد گیاهان فراهم کنند.

در همین زمینه، «جهانبخش سلیمیان»، مدیرعامل شرکت گاز استان چهارمحال و بختیاری به «فرصت امروز» گفت: در استان چهارمحال و بختیاری که زمستان‌های سخت و سردی دارد، استفاده از پوشش‌های دو جداره یا پوشش‌های چندلایه برای گلخانه‌ها می‌تواند تأثیر بسزایی در کاهش مصرف گاز طبیعی داشته باشد. این پوشش‌ها به‌طور مؤثری از هدررفت حرارت جلوگیری کرده و در نتیجه نیاز به تأمین گرما از طریق سوخت‌های فسیلی را کاهش می‌دهند. به گفته «سلیمیان»، انتخاب نوع پوشش گلخانه‌ای نه‌تنها بر شرایط رشد گیاهان و کیفیت محصول تأثیر می‌گذارد، بلکه به‌طور مستقیم بر میزان انرژی مورد نیاز برای کنترل دما و رطوبت نیز مؤثر است. در استان چهارمحال و بختیاری، به دلیل شرایط جغرافیایی خاص و دمای پایین در فصول سرد، استفاده از پوشش‌های عایق‌دار مانند پوشش‌های پلی‌کربنات دوجداره می‌تواند به کاهش چشمگیر مصرف گاز طبیعی کمک کند. این پوشش‌ها به دلیل ساختار چندلایه خود، به‌خوبی حرارت را حفظ کرده و از اتلاف آن جلوگیری می‌کنند. همچنین استفاده از پوشش‌های با ضریب انتقال حرارتی پایین، مانند پلی‌اتیلن مخصوص گلخانه‌ها، به‌طور مؤثری از ورود هوای سرد به داخل گلخانه جلوگیری کرده و نیاز به گرمایش را کاهش می‌دهند. این اقدام می‌تواند به کاهش هزینه‌های گاز طبیعی که عمدتاً برای تأمین گرما در فصول سرد مصرف می‌شود، منجر شود. مدیرعامل شرکت گاز چهارمحال و بختیاری با تاکید بر دیگر راههای مصرف بهینه گاز طبیعی، افزود: علاوه بر انتخاب پوشش مناسب، استفاده از سیستم‌های گرمایشی بهینه و فناوری‌های نوین نیز می‌تواند به کاهش مصرف انرژی کمک کند. استفاده از سیستم‌های گرمایشی مبتنی بر انرژی‌های تجدیدپذیر مانند انرژی خورشیدی یا بیوگاز در گلخانه‌ها می‌تواند وابستگی به گاز طبیعی را کاهش دهد و از نظر اقتصادی و زیست‌محیطی مقرون به صرفه باشد. در این راستا، ترکیب سیستم‌های گرمایشی مبتنی بر انرژی‌های تجدیدپذیر با پوشش‌های عایق و فنی گلخانه‌ها می‌تواند به تأمین دمای مناسب برای گیاهان بدون نیاز به مصرف زیاد گاز طبیعی کمک کند. همچنین نصب سیستم‌های کنترل دما و رطوبت پیشرفته می‌تواند از مصرف انرژی اضافی جلوگیری کرده و شرایط بهینه‌تری را برای رشد گیاهان فراهم آورد.

به گفته «سلیمیان»، بهینه‌سازی مصرف گاز طبیعی در گلخانه‌ها نه‌تنها به صرفه‌جویی در هزینه‌های انرژی کمک می‌کند، بلکه می‌تواند اثرات مثبتی بر سطح اشتغال و تولیدات کشاورزی استان چهارمحال و بختیاری داشته باشد. کاهش مصرف انرژی به معنای کاهش هزینه‌های عملیاتی گلخانه‌ها است که این امر می‌تواند به‌طور مستقیم به افزایش سودآوری کشاورزان منجر شود.

مدیرعامل شرکت پخش فرآورده‌های نفتی خبر داد

نصب ۶ هزار دستگاه پرداخت در جایگاه‌های سوخت

مدیرعامل شرکت ملی پخش فرآورده‌های نفتی ایران از نصب ۶ هزار دستگاه پرداخت الکترونیکی بهای سوخت در جایگاه‌ها توسط بانک ملی ایران خبر داد و گفت به‌منظور رقابتی کردن فرآیند پرداخت الکترونیکی بهای سوخت در جایگاه‌ها و جلوگیری از انحصار، رضایتمندی مردم، افزایش ضریب پایداری عملیات سوخت‌رسانی، تسریع در پرداخت بهای سوخت در جایگاه‌ها، تفاهم‌نامه‌ای با بانک ملی برای ساخت و نصب ۶ هزار دستگاه پرداخت الکترونیکی بهای سوخت امضا شده است.

«کرامت ویس‌کرمی»، مدیرعامل شرکت ملی پخش فرآورده‌های نفتی ایران در گفت‌وگو با خبرنگار «فرصت امروز»، ادامه داد: با توجه به تکرار بروز نقص فنی در سامانه فعلی پرداخت الکترونیکی بهای سوخت در جایگاه‌ها، شرکت ملی پخش فرآورده‌های نفتی برای ایجاد رقابت در این حوزه (پرداخت الکترونیکی بانکی) و ارائه خدمات مطلوب‌تر، همچنین رضایتمندی مشتریان و البته افزایش ضریب پایداری سامانه پرداخت الکترونیکی بهای سوخت، با دیگر بانک‌ها وارد مذاکره شده (از طریق ارسال دعوت‌نامه برای تمامی بانک‌ها) تا در صورت تمایل، دستگاه پرداخت الکترونیکی بهای سوخت مطابق با استانداردهای شرکت را تهیه و در جایگاه‌های عرضه سوخت نصب کنند. به گفته « ویس‌کرمی»، یکی از این بانک‌ها، بانک ملی است که تفاهم‌نامه‌ای با این بانک منعقد شده و مسئولان این بانک بیان کرده‌اند مطابق با استانداردی که ارائه شده، ۶ هزار دستگاه از سوی این بانک ساخته و در جایگاه‌ها نصب می‌شود. مدیرعامل شرکت ملی پخش فرآورده‌های نفتی با بیان اینکه قرار است نخستین سری این دستگاه‌ها طی دو هفته آینده در جایگاه‌های عرضه سوخت نصب شوند، تصریح کرد: از این رو جایگاه‌ها به دو سامانه مجهز می‌شوند، یکی سامانه پرداخت الکترونیکی بانک ملت که تاکنون موجود بوده و دیگری پرداخت الکترونیکی بانک ملی که در صورت بروز اختلال در یکی، دیگری به مشتریان خدمات ارائه میدهند.

آیا اقتصاد ایران دچار نفرین منابع شده است؟

افسون نفرین نفت

فرصت امروز: بالاخره نفت برای اقتصاد یک موهبت است یا نفرین؟ این پرسش از سالها قبل با عنوان فرضیه «نفرین منابع طبیعی» از سوی اندیشمندان زیادی بررسی شده است. فرضیه «نفرین منابع» از نظریات پیچیده‌ای است که بر اندیشه ابطالگرایی «کارل پوپر» در علم اقتصاد بنا شده، اما تجربیات متناقض در کورهای مختلف عملا مانع از تبدیل این فرضیه به قانون و حتی تئوری شده است. نگرانی درباره اثر منفی منابع طبیعی بر اقتصاد، اولین بار در میان اقتصاددانان توسعه در دهه ۱۹۵۰ مطرح شد. سپس در دهه ۱۹۷۰ به دنبال شوک اول نفتی، توجه از حوزه صادرات مواد اولیه به تجربیات صادرکنندگان نفت معطوف شد و مشکلات کشورهای نفتی باعث پیدایش این دیدگاه شد که درآمدهای سرشار نفتی، اثر بدی بر چشمانداز توسعه خواهد داشت. در سال ۱۹۹۴ میلادی بود که برای اولین بار فرضیه «بلای منابع» مطرح شد. منظور از «بلا» در این فرضیه، آن است که همه کشورهای دارای منابع طبیعی دارای عملکرد خوبی از نظر رشد و پیشرفت اقتصادی نیستند. با این حال، این فرضیه بارها مورد نقد و بررسی قرار گرفت و از سوی منتقدان مختلفی رد شد. اقتصاددانان میگویند انقلاب صنعتی در انگلستان و آلمان، تنها به دلیل وجود ذخیره زیاد سنگ معدن و زغال سنگ امکان یافته و همچنین کشورهای مالزی، نروژ و آمریکا با اتکا به ذخایر منابع طبیعی خود توانستهاند به توسعه دست یابند. حال سوال این است که آیا این فرضیه درباره اقتصاد ایران جواب میدهد؟ آیا نفرینِ نفت واقعی است و آیا اقتصاد ایران دچار نفرین منابع شده است؟

«نفرین منابع» و «بلای نفت» حقیقت دارد؟

شاید بارها اصطلاح «نفرین منابع» و یا «بلای نفت» به گوشتان خورده است. ترکیب عجیب و متناقضی که در ادبیات اقتصادی کشورهای دارای منابع طبیعی سرشار به ویژه نفت، بسامد بالایی دارد و در اشاره به وضعیتی به کار میرود که نفت به عنوان یک منبع درآمدی سرشار و ثروت خدادادی در برخی از کشورها به یک مانع توسعه تبدیل می‌شود، اما چه سازوکاری باعث می‌شود که یک منبع درآمدیِ خدادادی به‌جای موهبت به نفرین بدل می‌شود؟ مگر نه آنکه این درآمدهای سرشار نفتی باید کاتالیزور رشد و توسعه کشورها باشند؟ آیا منابع طبیعی فی‌نفسه مانع رشد و توسعه اقتصادی هستند و بر انباشت سرمایه اجتماعی تاثیر منفی می‌گذارند؟ یا آنکه شیوه مدیریت این منابع از سوی دولتهاست که منابع را به بلا تبدیل می‌کند؟ بالاخره نفت علیه اقتصادها کار کرده است و یا به نفع آنها؟

پژوهشگران در سالها و دههای گذشته تلاش کردهاند با بررسی اثرگذاری نفت بر رشد اقتصادی کشورها به این سوالات پاسخ دهند. نخستین بار نگرانیها درباره اثر منفی منابع طبیعی بر اقتصاد کشورهای تولیدکننده در دههای ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰ در بین اقتصاددانان توسعه مطرح شد. نتایج بررسیها نشان میداد صادرکنندگان مواد اولیه در تجارت با کشورهای صنعتی به علت بدتر شدن رابطه مبادله، مزیتهای خود را از دست میدهند. سپس اقتصاددانان دیگری هم به اثر منفی و محدود پیوندهای صادرات مواد اولیه در مقایسه با صنعت پی بردند. در دهه ۱۹۷۰ به دنبال شوک اول نفتی، توجه از حوزه صادرات مواد اولیه به مسائل و تجربیات صادرکنندگان نفت معطوف شد و مشکلات کشورهای نفتی باعث پیدایش این دیدگاه شد که درآمدهای فراوان حاصل از نفت، اثر بدی بر چشمانداز توسعه اقتصادی صادرکنندگان نفتی خواهد داشت.

در سال ۱۹۹۴ برای اولین بار فرضیه «بلای منابع» مطرح شد. منظور از «بلا» در این فرضیه این است که همه کشورهای دارای منابع طبیعی دارای عملکرد خوبی از نظر رشد و پیشرفت اقتصادی نیستند، اما این

فرضیه موردنقد قرار گرفت و از سوی منتقدان و اقتصاددانان رد شد؛ چراکه انقلاب صنعتی در انگلستان و آلمان تنها به دلیل وجود ذخیره زیاد سنگ معدن و زغال سنگ امکان یافت و همچنین کشورهای مالزی، اندونزی، نروژ و آمریکا با اتکا به ذخایر منابع طبیعی خود توانستند اقتصاد خود را پیش ببرند. نکته کلیدی در این میان، مدیریت صحیح منابع و جریان ورودی درآمدهای حاصل از منابع طبیعی است که به پیشرفت اقتصادهای دارنده آن کمک میکند.

درآمد نفتی با ساختار اقتصاد چه میکند؟

این نکته کلیدی از نظر پژوهشگران، حلقه مفقوده اقتصاد ایران است و به دلیل فقدان آن، درآمدهای حاصل از فروش منابع طبیعی مثل نفت باعث افزایش نابرابری و سرکوب مالی و کاهش رشد اقتصادی شده است. مطالعات علمی نشان میدهد درآمدهای نفتی به تنهایی برای رشد اقتصادها مضر نیست و اثر مستقیم بر رشد اقتصاد دارد، اما زمانی که درآمدهای نفتی بر عواملی مثل سرمایهگذاری فیزیکی، درجه باز بودن اقتصاد، رابطه مبادله و سرمایه انسانی اثر میگذارد و آن را تغییر میدهد، اثر کلی درآمدهای نفتی بر رشد اقتصادی به شدت کاهش پیدا میکند و به کمتر از اندازه اولیه میرسد.

این موضوع در مطالعهای با عنوان «مسیرهای اثرگذاری درآمدهای نفتی بر رشد اقتصادی ایران از دیدگاه نفرین منابع طبیعی» در فصلنامه «سیاستهای راهبردی و کلان» (وابسته به مجمع تشخیص مصلحت نظام) موشکافی شده است. در این مطالعه، کانالهای اثرگذاری درآمدهای نفتی بر رشد اقتصادی ایران در فاصله سالهای ۱۳۵۷ تا ۱۳۹۵ (با استفاده از مدل ساکس و وارنر) بررسی شده و یافتهها نشان میدهد که درآمدهای نفتی به تنهایی برای رشد اقتصادی مضر نیستند و اثر مستقیم مثبتی بر رشد اقتصادی ایران دارند؛ اما هنگامی که (طبق مدل پیشنهادی ساکس و وارنر) متغیرهای دیگری نظیر سرمایهگذاری فیزیکی، درجه باز بودن اقتصاد، رابطه مبادله و سرمایه انسانی به عنوان کانالهای اثرگذاری وارد مدل میشوند، به دلیل اثر درآمدهای نفتی بر این متغیرها و سپس اثرگذاری منفی غیرمستقیم بر رشد اقتصادی، اثر کل درآمدهای نفتی بر رشد به شدت کاهش مییابد و بسیار کمتر از مقدار اولیه میشود. در این پژوهش، اثر درآمد نفت بر رشد اقتصاد ایران به دو قسمت مستقیم و غیرمستقیم تقسیم شد و نهایتا مشخص گشت که اثر مستقیم درآمدهای نفتی بر رشد اقتصادی در دوره زمانی مورد بررسی، مثبت (۵۴,۷) اما اثر غیرمستقیم آن منفی (۳۰,۲-) است. هرچند یافتههای پژوهش حاکی از مقدار تأثیر مثبت و مستقیم درآمدهای نفتی بیش از تأثیر منفی و غیرمستقیم آن بر رشد اقتصادی ایران است. نتایج نشان داد که کانالهای اثرگذاری بیش از ۵۵ درصد (که از تقسیم ۳۰,۲- بر ۵۴,۷ به دست میآید) اثر مثبت درآمدهای نفتی را خنثی میکنند و اثر مستقیم آن بر رشد اقتصادی را به شدت کاهش میدهند

اثر غیرمستقیم نفت؛ مانع رشد اقتصادی

سرمایهگذاری فیزیکی نیز از عوامل دیگر و مؤثر بر رشد اقتصادی است. نتایج این پژوهش، تأثیر مثبت سرمایهگذاری را بر رشد اقتصادی ایران نمایان میکند؛ تا حدی که تأثیر سرمایهگذاری بیش از تأثیر کلی درآمدهای نفتی است و همچنین افزایش حجم درآمد نفت در اقتصاد، میزان سرمایهگذاری نسبت به تولید ناخالص داخلی را کاهش میدهد. کانال سرمایهگذاری، مهمترین کانال اثرگذاری است، زیرا همانطور که تخمین زده شد، ۴۷ درصد از اثر منفی و غیرمستقیم درآمدهای نفتی بر رشد را شامل میشود. از سوی دیگر، رابطه مثبتی بین درجه باز بودن اقتصاد و رشد اقتصادی ایران وجود دارد، به طوری که درآمدهای نفتی باعث بسته شدن اقتصاد ایران و کاهش درجه باز بودن اقتصاد ایران شده است. بنابراین این کانال نیز ۲۰ درصد از تأثیر منفی غیرمستقیم درآمد نفت بر رشد اقتصادی ایران را توضیح میدهد.

همچنین نتایج این مطالعه، نشانگر تأثیر منفی رابطه مبادله بر رشد اقتصادی ایران است. تأثیر رشد قیمت صادرات به قیمت واردات در دوره زمانی ۱۳۵۷ تا ۱۳۹۵ بر رشد اقتصادی ایران منفی برآورد شده است. از طرف دیگر، افزایش درآمدهای نفتی باعث میشود شاخص رابطه مبادله برای ایران افزایش یابد. درنتیجه درآمد نفت از این کانال تأثیر منفی و قابل توجهی بر رشد اقتصادی ایران داشته است؛ به طوری که ۳۳ درصد از اثر منفی غیرمستقیم درآمدهای نفتی بر رشد اقتصادی ایران مربوط به این کانال است. بر این اساس، اهمیت رابطه مبادله بیش از درجه باز بودن اقتصاد بوده و رشد اقتصادی ایران با تهدید بیشتری از طرف این کانال بینالمللی مواجه است. به طور کلی، افزایش درآمدهای نفتی، اثر مثبتی بر رشد اقتصادی ایران دارد، اما کانالهای اثرگذاری که همان اثر درآمدهای نفتی بر سایر عوامل مؤثر بر رشد است، باعث کاهش چشمگیر تأثیر مثبت درآمدهای نفتی بر رشد اقتصادی شده است. این یعنی درآمدهای نفتی برای اقتصاد ایران «بلا» نبودهاند، اما آنطور که باید و شاید نتوانستهایم از این موهبت الهی به مثابه نعمتی مغتنم و به درستی استفاده کنیم.

در پی بحران انرژی و کاهش سودآوری پروژه‌های تجدیدپذیر

غول‌های نفتی به اصل خود برگشتند

شوک انرژی مرتبط با جنگ روسیه در اوکراین و کاهش سودآوری بسیاری از پروژه‌های انرژی‌های تجدیدپذیر، شرکت‌های بزرگ نفتی اروپایی را ترغیب کرده است به توسعه جدید نفت و گاز بپردازند. تقریبا پنج سال پیش، شرکت بریتیش پترولیوم (BP) تلاشی بلندپروازانه برای تبدیل خود از یک شرکت نفتی به یک کسب و کار متمرکز بر انرژی کم کربن آغاز کرد. این شرکت انگلیسی اکنون برای رقابت با رقبا، تقویت قیمت سهام خود و رفع نگرانی‌های سرمایه‌گذاران در مورد سودهای آتی، در تلاش است تا به ریشه‌های خود به‌عنوان یک بازیگر بزرگ نفت و گاز با پتانسیل رشد، بازگردد. همچنین شرکت شِل و اکوئینور که تحت کنترل دولت نروژ است، برنامه‌های گذار انرژی را که در اوایل دهه جاری تنظیم شده بودند، کاهش داده‌اند. تغییر جهت آنها منعکسکننده دو تحول بزرگ است که یکی شوک انرژی ناشی از جنگ روسیه در اوکراین و دیگری، کاهش سودآوری بسیاری از پروژه‌های انرژی‌های تجدیدپذیر، به خصوص بادی فراساحلی، به دلیل هزینه‌های فزاینده، مسائل زنجیره تامین و مشکلات فنی است. «موری آچینکلاس»، مدیرعامل شرکت بریتیش پترولیوم، در تلاش برای بهبود عملکرد و افزایش سوددهی، قصد دارد میلیاردها دلار برای توسعه جدید نفت و گاز، از جمله در منطقه گلف کاست آمریکا و خاورمیانه، سرمایه‌گذاری کند. بریتیش پترولیوم همچنین فعالیت‌های کم کربن را آهسته کرده است و ۱۸ پروژه هیدروژنی را که در مراحل اولیه بودند، متوقف کرده و برنامه‌هایی برای فروش فعالیت‌های بادی و خورشیدی اعلام کرده است. منابع این شرکت به «رویترز» گفتند: به تازگی، نیمی از تیم هیدروژن خود در لندن را تعدیل کرده و شمار آن را به ۴۰ نفر کاهش داده است.

«وائل ساوان»، مدیرعامل شل وعده داده است که رویکردی بی‌محابا برای بهبود عملکرد و بازدهی و کاهش شکاف ارزش‌گذاری با رقبای آمریکایی بزرگ‌تر شامل اکسون موبیل و شورون در پیش بگیرد. این شرکت فعالیت‌های کم کربن از جمله پروژه‌های بادی و هیدروژن دریایی شناور را کاهش داده، از بازارهای برق اروپا و چین عقب‌نشینی کرده، پالایشگاه‌ها را فروخته و هدف کاهش کربن در سال ۲۰۳۰ را پایین برده است. به گفته منابع آگاه، شرکت شل به دنبال خریدارانی برای شرکت استرالیایی «سلکت کربن» است که در سال ۲۰۲۰ خریداری کرد و در توسعه پروژه‌های کشاورزی برای جبران انتشار کربن متخصص است.

به گزارش «رویترز»، برخی از کارمندان بریتیش پترولیوم در این فکر هستند که آیا این شرکت کارکنان کافی با تجربه و مهارت‌های لازم برای معرفی مجدد خود به عنوان یک شرکت بزرگ نفت و گاز دارد یا خیر. چهار کارمند این شرکت به «رویترز» گفتند: کارمندان در یک جلسه آنلاین که اواخر اکتبر با مدیرعامل برگزار کردند، موری آچینکلاس را که برخی از جزییات برنامه‌های خود برای تغییر مسیر شرکت را شرح میداد، در این باره سوالپیچ کردند. وی به آنها گفت: بریتیش پترولیوم برخلاف استراتژی برنارد لونی، مدیرعامل سابق این شرکت، برای ایجاد دارایی‌های تولید تجدیدپذیر، تولید نفت و گاز جدید را توسعه خواهد داد. برخی از کارمندان در گفت و گو با «رویترز»، گفتند: تردید دارند که بریتیش پترولیوم پس از تعدیل صدها کارمند بخش بالادستی از سال ۲۰۲۰، مهندسان کافی برای شروع رشد تولید نفت و گاز داشته باشد.

شرکت اکوئینور که تامین‌کننده اصلی گاز طبیعی برای اروپا از سال ۲۰۲۲ است، بازنگری کسب‌وکار کم کربن خود را آغاز کرده است که شامل حذف چندین پروژه اولیه برای تمرکز بر پروژه‌های بادی پیشرفته‌تر فراساحلی است. هنگامی که از اکوئینور خواسته شد در این باره توضیح دهد، اعلام کرد این شرکت با واقعیت‌های بازار تطبیق می‌یابد. هدف تقویت رقابت‌پذیری و رقابت موثر در زمانی که است صنعت پس از چرخه نزولی فعلی، بهبود می‌یابد.

اما این شرکت‌ها سرمایهگذاری در انرژی کم کربن را به طور کلی رها نکرده‌اند. بلکه مدیران آنها گفتند: بر روی حوزه‌هایی مانند سوخت‌های زیستی تمرکز می‌کنند که مطمئن هستند می‌توانند به سرعت سودآوری کنند. شرکت‌های شل، بریتیش پترولیوم و اکوئینور همچنین به توسعه برخی از پروژه‌های بادی فراساحلی در دست ساخت، ادامه داده و می‌گویند در صورت رقابتی بودن بازده، می‌توانند بیشتر سرمایه‌گذاری کنند. آنها همچنین در حال توسعه پروژه‌های هیدروژن هستند تا از آنها برای کاهش ردپای کربن فعالیت‌های پالایشی خود استفاده کنند. در این بین، شرکت توتال انرژی فرانسه متمایز مانده و به سرمایه گذاری در فعالیت‌های کم کربن ادامه می‌دهد و از ظرفیت انرژی‌های تجدیدپذیر شل و بریتیش پترولیوم با قدرت پیشی گرفته است.

براساس این گزارش، کندی برنامه‌های گذار انرژی این شرکت‌ها با این هشدارها مصادف شده است که جهان به هدف مورد حمایت سازمان ملل برای محدود کردن گرمایش جهانی به ۱.۵ درجه سانتی‌گراد تا پایان قرن و جلوگیری از تاثیر فاجعه‌بار تغییرات آب و هوایی، نخواهد رسید و در حالی که مدیران صنعت بر افزایش بازدهی کوتاهمدت از طریق صرف هزینه بیشتر در نفت و گاز تمرکز می‌کنند، چشمانداز مصرف سوخت فسیلی به میزان فزاینده‌ای نامعلوم است. در همین زمینه، آژانس بین‌المللی انرژی در ماه گذشته اعلام کردکه با رشد فروش خودروهای برقی، انتظار دارد تقاضای جهانی برای نفت تا پایان دهه جاری، به اوج خود برسد. براساس گزارش «رویترز»، سرمایه‌گذاران همچنان در مورد توانایی غول‌های نفتی اروپایی برای حفظ سود تردید دارند. حتی در شرایطی که سرمایه‌گذاران متمرکز بر آب و هوا، از عقبگرد این شرکت‌ها از انرژی‌های تجدیدپذیر ابراز تأسف کردهاند، سهام آنها نسبت به رقبای آمریکایی عملکرد ضعیف‌تری داشته است.

تجدید مناقصه عمومی خرید، حمل و پخش مکانیکی ۹۰۰۰ تن آسفالت گرم جهت آسفالت ریزی معابر سطح شهر فامنین

شهرداری فامنین در نظر دارد نسبت به واگذاری پروژه ذیل به پیمانکاران / شرکتهای حقیقی و حقوقی واجد شرایط از طریق مناقصه عمومی اقدام نماید لذا کلیه متقاضیان می توانند جهت دریافت اسناد مناقصه به سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (ستاد) مراجعه نمایند.

شماره مناقصه در سامانه ستاد (۲۰۰۳۰۵۰۱۲۲۰۰۰۰۰۵)

۱- کلیه مراحل برگزاری فراخوان از دریافت و تحویل اسناد فراخوان تا بازگشایی پاکت‌ها از طریق درگاه سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (ستاد) به آدرس www.setadiran.ir انجام خواهد شد.
۲- متقاضیان شرکت در فراخوان در صورت عدم عضویت در سامانه، نسبت به ثبت نام و دریافت گواهی امضای الکترونیکی (به صورت برخط) برای کلیه صاحبان امضای مجاز و مهر سازمانی اقدام لازم را به عمل آورند.
۳- شرکت کنندگان می بایست ۵ درصد قیمت پایه را به صورت ضمانت نامه بانکی سه ماهه و یا واریز نقدی به حساب شماره ۰۱۰۵۷۵۵۰۴۶۰۰۷ بانک ملی به نام شهرداری فامنین به عنوان سپرده شرکت در مناقصه ارائه نمایند.
۴- سپرده نفرات اول تا سوم تا انجام تشریفات قانونی مناقصه و عقد قرارداد مسترد نخواهد شد و هر گاه حاضر به انعقاد قرارداد نشوند سپرده آنها به ترتیب ضبط خواهد شد.
۵- کلیه کسورات قانونی اعم از (بیمه و مالیات) و غیره بر عهده پیمانکار می باشد.
۶- کلیه هزینه های نشر آگهی بر عهده برنده مناقصه می باشد.
۷- شهرداری در رد یا قبول هر یک از پیشنهادات مختار است.
۸- قرارداد این مناقصه مشمول تعدیل نمی گردد.
۹- تاریخ انتشار آگهی ۱۴۰۳/۰۸/۲۸ و مهلت دریافت اسناد از سامانه ستاد تا تاریخ ۱۴۰۳/۰۹/۰۵ . ارسال اسناد مناقصه تا تاریخ (۱۴۰۳/۰۹/۱۷) می باشد .
۱۰- به پیشنهاد هایی که بعد از مهلت مقرر تحویل داده شود ترتیب اثر داده نخواهد شد.
۱۱- رعایت قانون منع مداخله کارکنان دولت در معاملات الزامی می باشد.
۱۲- به پیشنهادات قلم خورده ، مبهم و فاقد سپرده ترتیب اثر داده نخواهد شد.
۱۳- مقدار ۱۰٪ پیمان به عنوان تضمین حسن انجام تعهدات به صورت ضمانتنامه بانکی در زمان عقد قرارداد اخذ خواهد شد.
۱۴- در صورت مشاهده هر گونه تبانی ، مناقصه باطل اعلام میگردد.
۱۵- برنده مناقصه موظف است حداکثر ظرف مدت ۷روز کاری پس از اعلام شهرداری نسبت به عقد قرارداد اقدام نماید در غیر اینصورت شهرداری میتواند سپرده واریزی را به نفع شهرداری ضبط و با رعایت مقررات با نفر دوم قرارداد منعقد خواهد شد.
۱۶- کمیسیون معاملات شهرداری در مورخ ۱۴۰۳/۰۹/۱۸ ساعت ۹ صبح در دفتر شهردار تشکیل خواهد شد.
۱۷- سایر اطلاعات و جزئیات مربوطه در اسناد مناقصه که در سامانه ستاد بارگذاری شده است ، مندرج می باشد .
۱۸- برای دریافت اطلاعات بیشتر با شماره تلفن های ۳-۳۶۸۲۲۰۲۰ -۰۸۱ با واحد عمران شهرداری تماس حاصل فرمایید.

ردیف	نام پروژه	جمع کل پروژه (ریال)	مبلغ تضمین شرکت در مناقصه (ریال)
۱	خرید ، حمل و پخش مکانیکی ۹۰۰۰ تن آسفالت گرم جهت آسفالت ریزی معابر سطح شهر فامنین	۱۸۰,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰	۹,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰

روابط عمومی شهرداری فامنین
۶۱۵

فراخوان مناقصه عمومی یک مرحله‌ای واگذاری امور حمل و نقل شبکه بهداشت و درمان خنداب

دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی اراک

دانشگاه علوم پزشکی اراک در نظر دارد مناقصه عمومی یک مرحله ای واگذاری امور حمل و نقل شبکه بهداشت و درمان خنداب را از طریق سامانه تدارکات الکترونیکی دولت به نشانی www.setadiran.ir با شماره فراخوان ۲۰۰۳۰۰۰۲۸۸۰۰۰۰۳۴ برگزار نماید.
تاریخ انتشار اسناد مناقصه در سامانه روز چهارشنبه ۱۴۰۳/۰۸/۳۰
مهلت دریافت اسناد مناقصه از سایت تا روز شنبه تاریخ ۱۴۰۳/۰۹/۰۳
مهلت زمان ارائه پیشنهادات و تکمیل و ارسال مستندات مناقصه روز سه شنبه تاریخ ۱۴۰۳/۰۹/۱۳
زمان بازگشایی پاکت های مناقصه ساعت ۱۰ صبح روز یکشنبه تاریخ ۱۴۰۳/۰۹/۱۴ می باشد.
نمایندگان شرکت کنندگان در مناقصه میتوانند در جلسه بازگشایی پاکت ها حضور بهم رسانند.
تضمین شرکت در فرایند ارجاع کار مناقصه عمومی یک مرحله ای واگذاری امور حمل و نقل شبکه بهداشت و درمان خنداب
طبق آخرین مصوبه هیات محترم وزیران: ۲,۶۰۰,۰۲۲,۸۰۰ ریال می باشد.

روابط عمومی دانشگاه علوم پزشکی اراک
۶۰۸

آگهی موضوع ماده ۳ قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

برابر آراء صادره هیئات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی دهگلان استان کردستان تصرفات مالکانه وبلامعارض متقاضیان محرز گردیده است. لذا در اجرای ماده ۳ قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی و ماده ۱۳ آیین نامه قانون مذکور مشخصات متقاضیان و املاک مورد تقاضا به شرح ذیل به منظور اطلاع عموم در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می شود در صورتیکه اشخاص ذینفع به آراء اعلام شده اعتراض داشته باشند باید از تاریخ انتشار آگهی تا دو ماه اعتراض خود را به اداره ثبت اسناد و املاک شهرستان دهگلان تسلیم و رسید اخذ نمایند. معترض باید ظرف یک ماه از تاریخ اعتراض مبادرت به تقدیم دادخواست به دادگاه عمومی و گواهی تقدیم دادخواست را به این اداره تحویل نماید ، بدیهیست در صورت عدم وصول اعتراض با عدم ارائه گواهی تقدیم دادخواست به دادگاه عمومی در مهلت قانونی طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.((مرحله ۳۲۹ بخش ۴))

۱ -علی اشرف و وریا و عبدالله و عباس زارعی فرزندان محمد شریف به شماره ملی ۵۵۸۰۰۲۸۹۹۷ در ششدانگ سه قطعه زمین مزروعی دیم به مساحت ۴۱۵۲ و ۲۰۹۲۹ و ۲۶۷۸۲ متر مربع از پلاک ۲۶ اصلی واقع در روستای کلکه خریداری از مالک رسمی آقای محمد زارعی

۲-علی اشرف و وریا و عبدالله و عباس زارعی فرزندان محمد شریف به شماره ملی ۵۵۸۰۰۲۸۹۹۷ در ششدانگ سه قطعه زمین مزروعی دیم به مساحت ۲۲۵۱۱ و ۳۸۲۰ و ۱۵۰۶ متر مربع از پلاک ۲۶ اصلی واقع در روستای کلکه خریداری از مالک رسمی آقای محمد زارعی

۳ -سیروس کریمی به شماره ملی ۵۵۸۹۹۷۳۸۹۹ فرزند محمود در شش دانگ یک قطعه زمن مزروعی بنه مساحت ۷۳۷۳۹.۷۶ متر مربع قسمتی از پلاک ۳۹ اصلی واقع در اراضی گرگانه خریداری از مالک رسمی آقای اسماعیل خاطری

۴-علی محمد صفری به شماره ملی ۵۵۸۹۵۱۹۸۸۸ فرزند ابراهیم در شش دانگ چهار قطعه زمین مزروعی به مساحت ۱۱۱۱.۷۴ و ۶۸۶۱.۴۶و ۲۰۱۹۳.۰۹ و ۷۷۳۷.۳۸ متر مربع قسمتی از پلاک ۳۹ اصلی واقع در اراضی روستای گرگانه خریداری از مالک آقای ابراهیم صفری رسمی

۵- علی محمد صفری به شماره ملی ۵۵۸۹۵۱۹۸۸۸ فرزند ابراهیم در شش دانگ پنج قطعه زمین مزروعی به مساحت ۴۰۹۲.۳۲ و ۱۱۵۵.۵۶ و ۲۷۶۴.۳۸ و ۹۲۰۹.۸۸ و ۲۲۶۹۲.۷۳ متر مربع قسمتی از پلاک ۳۹ اصلی واقع در اراضی روستای گرگانه خریداری از مالک رسمی آقای ابراهیم صفری

۶- یدالله صفری به شماره ملی ۵۵۸۹۷۸۲۲۱۱ فرزند در شش دانگ یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۵۰۳۱۳.۴۸ متر مربع قسمتی از پلاک ۳۹ اصلی واقع در اراضی گرگانه خرسداری از مالک رسمی آقای ابراهیم صفری .

۷-حبیب اله قادرمزی به شماره ملی ۵۵۸۹۴۷۲۰۰۸ فرزند فتح اله در شش دانگ سه قطعه زمین مزروعی به مساحت ۱۴۸۰.۱۸ و ۳۰۴۴.۶۶ و ۸۶۷۳.۶۱ متر مربع قسمتی از پلاک ۴۲ اصلی واقع در اراضی صادق آباد خریداری از مالک رسمی آقای فتح اله قادر مرزی .

۸-خدیجه و گلبهار و شاه جوان شهرت مفاخری به شماره ملی ۵۵۸۹۴۷۳۴۳۸ و ۵۵۸۹۴۷۳۴۴۶ و ۵۵۸۹۹۷۰۲۴۴۵ فرزند یدالله در شش دانگ یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۹۱۹۱.۲۶ متر مربع قسمتی. از پلاک ۴۲ اصلی واقع در اراضی صادق آباد خریداری از مالک رسمی آقای اسماعیلی و یداله مفاخری

۹ - اسمعیل خالدیان به شماره ملی ۵۵۸۹۴۷۳۲۲۵ فرزند محمد در شش دانگ سه قطعه زمین مزروعی دیم و ابی به مساحت ۲۸۸۵.۶۵ و ۱۲۳۷۰.۹۲ و ۳۴۲۶.۰۶ متر مربع قسمتی از پلاک ۴۲ اصلی واقع در اراضی صادق آباد خریداری از مالک رسمی آقای محبوبه و شرافت و لیمو و معصومه و ابراهیم و اسمعیل و حبیب اله خالدیان .

۱۰ -علی اکبر و عزیز مفاخری به شماره ملی ۵۵۸۹۴۷۴۱۸۳ و ۵۵۸۹۲۷۴۶۳۹ فرزند یداله در شش دانگ یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۲۶۶۳۶.۹۸ متر مربع قسمتی از پلاک ۴۲ اصلی واقع در اراضی صادق آباد خریداری از مالک رسمی آقای اسماعیل و یداله مفاخری

۱۱ -آمنه خالدیان به شماره ملی ۳۸۰۰۲۵۵۰۱۴ فرزند محمد در شش دانگ یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۴۲۰۹۵.۹۴ متر مربع قسمتی از پلاک ۴۲- اصلی واقع در اراضی صادق آباد خریداری از مالک آقای محمد مرادی .

۱۲ - قاسم مرادی به شماره ملی ۳۷۹۰۰۷۰۱۷۳ فرزند محمد در شش دانگ یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۲۵۳۳۵.۳۵ متر مربع قسمتی از پلاک ۴۲ اصلی واقع در اراضی صادق آباد خریداری از مالک رسمی آقای محمد مرادی

۱۳. - جمیل ظفری ظفر آباد به شماره ملی ۵۵۸۹۰۸۲۱۹۶ فرزند محمد در شش دانگ دو قطعه زمین مزروعی به مساحت ۱۶۲۴۸.۶۵ و ۴۳۵۶۰.۵۹ متر مربع قسمتی از پلاک ۶۲ اصلی واقع در اراضی ظفرآباد خریداری از مالک رسمی آقای میرزا محمد ظفری

۱۴ - قربان کرمی به شماره ملی ۵۵۸۸۹۳۵۳۸۱ فرزند شکراله در شش دانگ چهار قطعه زمین مزروعی به مساحت ۲۰۴۱.۸۸ و ۲۳۳.۷۲ و ۲۵۹۱.۸۷ و ۳۴۷۸.۴۴ متر مربع قسمتی از پلاک ۶۶ اصلی واقع در اراضی تیلکو خریداری از مالک رسمی آقای شکراله کرمی :

۱۵ قربان کرمی به شماره ملی ۵۵۸۸۹۳۵۳۸۱ فرزند شکراله در شش دانگ چهار قطعه زمین مزروعی بـه مساحت ۲۶۷.۱۱ و ۴۶۳۱۹.۶۴ و ۲۵۸۱.۹۲ و ۱۲۱۳۶.۳۹ متر مربع قسمتی از پلاک ۶۶ اصلی واقع در اراضی تیلکو خریداری از مالک رسمی آقای شکراله کرمی .

۱۶ - احمد سلیمی به شماره ملی ۵۵۸۹۰۶۵۷۳۹ فرزند عبدالله در شش دانگ یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۵۱۱۳۹.۳۸متر مربع قسمتی از پلاک ۶۸ اصلی واقع در اراضی شابلاغی خریداری از مالک رسمی آقای عبداله سلیمی .

۱۷-فردین و کریم صیدی به شماره ملی ۵۵۸۹۰۳۳۷۶۴ و ۵۵۸۹۰۳۴۱۶۷ فرزند فتح اله در شش دانگ دو قطعه زمین مزروعی به مساحت ۱۴۰۶.۴ و ۱۸۲۰۷.۶ متر مربع قسمتی از پلاک ۷۴ اصلی واقع در اراضی دولت آباد خریداری از مالک رسمی آقای علی محمد زندی .

۱۸ -فردین و کریم صیدی به شماره ملی ۵۵۸۹۰۳۳۷۶۴ و ۵۵۸۹۰۳۴۱۶۷ فرزند فتح اله در شش دانگ یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۴۲۰۶۴ متر مربع قسمتی از پلاک ۷۵ اصلی واقع در اراضی سی و سه مرده خریداری از مالک رسمی آقای رحیم مرادی

۱۹ - امجد و امیر و حشمت اله احمدی دهر شید به شماره ملی ۵۵۸۹۰۲۱۰۹۱ و۵۵۸۹۹۰۸۱۷۵ و ۵۵۸۹۷۵۸۱۱۴ فرزند محمد در شش دانگ یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۲۱۳۱۸.۰۴ متر مربع قسمتی از پلاک ۸۶ اصلی واقع در اراضی ده رشید خریداری از مالک رسمی آقای محمد عبداله و محمود امیری

۲۰ - خلیل اله کریمی به شماره ملی ۵۵۸۹۴۸۹۳۳۴ فرزند حسین در شش دانگ یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۲۶۱۴۸.۶۵ متر مربع قسمتی از پلاک ۹۲ اصلی واقع در اراضی کاکه جوب خریداری از مالک رسمی آقای میرزا قربانی

۲۱ - آسیه میرکی به شماره ملی ۵۵۸۹۸۱۳۱۱۵ فرزند فرج اله در شش دانگ یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۲۰۴۵۵.۲۸ متر مربع قسمتی از پلاک ۹۴ اصلی واقع در اراضی مبارک آباد کائی اهنگران خریداری از مالک رسمی آقای ملک محمد میرکی

۲۲ - سیف اله میره کی قوچم به شماره ملی ۵۵۸۹۸۰۵۹۶۱ فرزند در شش دانگ دو قطعه زمین مزروعی به ساحت ۱۷۹۶۱ و ۲۴۳۸۸.۲۶ متر مربع قسمتی از پلاک ۹۴ اصلی واقع در اراضی مبارک آباد کائی اهنگران خریداری از مالک رسمی آقای ملک محمد میرکی

۲۳ - مصطفی میرکی قوچم به شماره ملی ۵۵۸۹۵۹۱۶۴۳ فرزند فرج اله در شش دانگ سه قطعه زمـــن مزروعی به مساحت ۲۸۲۶۹.۴۳ و ۲۳۵۷۵.۸۱ و ۱۶۴۹۷.۰۳ متر مربع قسمتی از پلاک ۹۴ اصلی واقع در اراضی مبارک آباد کائی اهنگران خریداری از مالک رسمی آقای ملک محمد میرکی

۲۴ - طلیعه و سعدیه میرکی قرچم به شماره ملی ۵۵۸۹۵۹۰۶۸۱ و ۵۵۸۹۵۹۱۵۵۴ فرزند فرج اله در شش دانگ یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۳۰۰۴۸.۶۸ و ۷۱۱۸.۲۴ متر مربع قسمتی از پلاک ۹۴ اصلی واقع در اراضی مبارک آباد کائی اهنگران خریداری از مالک رسمی آقای ملک محمدمیرکی

۲۵ - عبداله میره کی قوچم به شماره ملی ۵۵۸۹۵۹۰۹۸۱ فرزند فرج اله در شش دانگ چهار قطعه زمین مزروعی به مساحت ۶۰۷۸.۰۳ و ۷۶۷۵.۸ و ۱۴۷۳.۲۴ و ۳۱۳۵۲.۸۳ متر مربع قسمتی از پلاک ۹۴ اصلی واقع در اراضی مبارک آباد کائی اهنگران خریداری از مالک رسمی آقای ملک محمدمیرکی

۲۶- کمال حسین پناهی به شماره ملی ۵۵۸۹۷۳۹۲۵۱ فرزند علی در شش دانگ یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۴۷۶۰.۳۸ متر مربع قسمتی از پلاک ۹۵ اصلی واقع در اراضی فروچای خریداری از مالک رسمی آقای شیر علی و میرزا علی و زرعلی حسین پناهی

۲۷ - محمد حسین پناهی به شماره ملی ۵۵۸۹۹۱۹۵۹۲ فرزند علی در شش دانگ دو قطعه زمین مزروعی به مساحت ۱۰۸۷۷.۳ و ۳۰۴۱۱.۳۹ متر مربع قسمتی از پلاک ۹۵ اصلی واقع در اراضی قروچای خریداری از مالک رسمی آقای شیر علی و میزاعلی و زرعلی حسین پناهی)

۲۸- ابراهیم حسین پناهی به شماره ملی ۵۵۸۸۹۴۵۰۴۲ فرزند حبیب اله در شش دانگ شش قطعه زمین مزروعی به مساحت ۱۱۰۷.۱ و ۲۳۰۰.۹۹ و ۲۰۹۵.۶۵ و ۵۳۵۹.۳۶ و ۱۹۰۶.۸۱ و ۲۹۱۶.۵۷ متر مربع قسمتی از پلاک ۹۸ اصلی واقع در اراضی تازه آباد قروچای خریداری از مالک رسمی آقای اسماعیل و محمد و احمد حسین پناهی

۲۹ - خالد ذوالفقاری به شماره ملی ۳۷۳۱۳۷۲۸۲ فرزند کریم و بدیع حسین پناهی فرزند احمد به شماره ملی ۵۵۸۹۷۴۷۵۸۹ در شش دانگ یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۲۴۸۸۲.۳۶ متر مربع قسمتی از پلاک۹۸- اصلی واقع در اراضی تازه آباد قروچای خریداری از مالک رسمی آقای صوفی علی صیدی

۳۰ - حبیب اله بلبان آباد به شماره ملی ۵۵۸۹۲۷۷۸۶۸ فرزند عبداله در شش دانگ یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۸۷۵۸.۳۹ متر مربع قسمتی از پلاک ۲۵ اصلی واقع در اراضی سرنجنانه خریداری از مالک رسمی آقای اسماعیل و میکائیل و عباس باقری و محمد محمدی

۳۱ - جمال احمدیان به شماره ملی ۶۴۶۹۹۷۴۴۷۳ فرزند جهانبخش در شش دانگ یک قطعه زمین مزروعی آبی به مساحت ۵۰۶۷.۳۹ متر مربع قسمتی از پلاک ۱۲۲ اصلی واقع در اراضی تازه آبا کائی گلزار خریداری از مالک رسمی آقای محمد رحیم احمدی

۳۲- جمیل مولودی به شماره ملی ۳۷۳۲۴۹۴۹۷۷ فرزند محمد و وریا خالدیان به شماره ملی ۵۵۸۹۸۸۲۶۳۱ فرزند عیسی در شش دانگ یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۸۶۵۱.۸ متر مربع قسمتی از پلاک ۵۰ اصلی واقع در اراضی غلام آباد خریداری از مالک رسمی آقای بار احمد غلامی

۳۳ - صدیق زندی قوچم به شماره ملی ۵۵۸۹۱۰۵۰۶۴ فرزند علی محمد در سه دانگ مشاع از شش دانگ یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۱۶۴۳۰.۱۱ متر مربع قسمتی از پلاک ۱۰۹ اصلی واقع در اراضی قوچم خریداری از مالک رسمی آقای شاه محمد و علی محمد زندی .

۳۴- محمد عارف میرکی به شماره ملی ۵۵۸۹۵۹۱۲۷۹ فرزند ابراهیم در سه دانگ مشاع از شش دانگ یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۶۱۸۸ متر مربع قسمتی از پلاک ۹۴ اصلی واقع در اراضی مبارک اباد کائی اهنگران خریداری از مالک رسمی آقای ملک محمد میرکی

۳۵- اسداله غزنوی به شماره ملی ۵۵۸۹۶۹۶۷۶۳ فرزند محمود در سه دانگ مشاع از شش دانگ یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۱۲۹۷.۱۵ متر مربع قسمتی از پلاک ۱۱۲ اصلی واقع در قلعه فولاد خریداری از مالک رسمی آقای محمود غزنوی

۳۶ - جهاندار حسین پناهی به شماره ملی ۵۵۸۹۱۳۴۱۵۳ فرزند علی در ۶۴.۲۸۸ شعیر مشاع از شش دانگ یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۲۷۲۴۵.۵۷ متر مربع قسمتی از پلاک ۹۵ اصلی واقع در اراضی فروچای خریداری از مالک رسمی آقای شیر علی و میزاعلی و زرعلی حسین پناهی

۳۷- کریم مبارکی به شماره ملی ۵۵۸۹۳۲۳۵۵۱ فرزند در شش دانگ سه قطعه زمین مزروعی ابی به مساحت ۷۶۶۶ و ۴۰۶۱ و ۲۹۳۳ متر مربع قسمتی از پلاک ۵۲ اصلی واقع در اراضی مبارک آباد خریداری از آقای شکر الله ناصری آبادی

۳۸ - صلاح الدین نادری کروندان به شماره ملی ۵۵۸۹۸۹۳۳۸۰ فرزند اقبال و خالد غریبی کائی پان به شماره ملی ۵۵۸۹۵۷۶۲۲۷ فرزند ابراهیم در شش دانگ یک باب مغازه به مساحت ۷۲.۸۹ متر مربع قسمتی از پلاک ۵۴ اصلی واقع در دهگلان خروجی جاده سنندج جنب تالار چهار فصل خریداری از مالک رسمی آقای نصرت اله غفوری

۳۹ - صلاح الدین نادری کروندان به شماره ملی ۵۵۸۹۸۹۳۳۸۰ فرزند اقبال در شش دانگ یک باب مغازه به مساحت ۷۱.۸۲ متر مربع قسمتی از پلاک ۵۴ اصلی واقع در دهگلان خروجی جاده سنندج جنب تالار چهار فصل خریداری از مالک رسمی آقای نصرت اله غفوری

۴۰ - پوریا سیدی به شماره ملی ۵۵۸۰۰۲۵۲۵۴ فرزند محمد حسن در شش دانگ یک قطعه زمین مزروعی دیم به مساحت ۶۰۱۳.۱۸ متر مربع قسمتی از پلاک -۲۵ اصلی واقع در روستای سرنجانه خریداری از مالک رسمی آقای کد خدا قربانعلی محمدی .

تاریخ انتشار نوبت اول : ۱۴۰۳/۰۸/۱۹ تاریخ انتشار نوبت دوم : ۱۴۰۳/۰۹/۰۴

عطا الله شاه نظری – رئیس اداره ثبت اسناد و املاک دهگلان

آگهی موضوع ماده ۳ قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

برابر آراء صادره هیئات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی دهگلان استان کردستان تصرفات مالکانه و بلا معارض متقاضیان محرز گردیده است. لذا در اجرای ماده ۳ قانون تعیین تکلیف و ضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی و ماده ۱۳ آیین نامه قانون مذکور مشخصات متقاضیان واملاک مورد تقاضا به شرح ذیل به منظور اطلاع عموم در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی میشود در صورتیکه اشخاص ذینفع به آراء اعلام شده اعتراض داشته باشند باید از تاریخ انتشار آگهی تا دوماه اعتراض خود را به اداره ثبت اسناد و املاک شهرستان دهگلان تسلیم و رسید اخذ نمایند - معترض باید ظرف یک ماه از تاریخ اعتراض مبادرت به تقدیم دادخواست به دادگاه عمومی و گواهی تقدیم دادخواست را به این اداره تحویل نماید، بدیهیست در صورت عدم وصول اعتراض یا عدم ارائه گواهی تقدیم دادخواست به دادگاه عمومی در مهلت قانونی طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.((مرحله ۳۳۳ بخش ۴))

۱ - شکراله شیخ احمدی به شماره ملی ۵۵۸۸۹۶۶۰۹۰ فرزند عبداله در شش دانگ سه قطعه زمین مزروعی به مساحت ۱۱۸۵۳۷.۹۲ و ۵۴۴۳۱.۳۳ و ۹۱۷۳.۵۱ متر مربع قسمتی از پلاک ۱۸ اصلی واقع در روستای چشمه در از خریداری از مالک آقای عبداله و لطف الله شیخ احمدی

۲ - زبیر امیری به شماره ملی ۵۵۸۸۹۳۹۸۱۰ فرزند در شش دانگ یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۱۰۳۵۰.۱۹ متر مزیع قسمتی از پلاک ۲۴ - اصلی واقع در روستای تازآباد چراغ آباد خریداری از مالک رسمی آقای محمد صدیق امیری

۳- شرافت سیدی به شماره ملی ۵۵۸۹۸۱۲۵۰۱ فرزند یدالله در شش دانگ یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۱۲۴۲۵.۳ متر مربع قسمتی از پلاک ۲۵-اصلی واقع در روستای سرنجیانه خریداری از مالک رسمی آقای محمود و محمد امین و محمد علی باقری

۴-فرهاد باقری به شماره ملی ۳۷۹۰۰۰۴۱۱۱ فرزند اسمعیل در شش دانگ ۱ قطعه زمین مزروعی به مساحت ۶۱۶۹.۲۸ متر مربع قسمتی از پلاک ۲۵-اصلی واقع در روستای سرنجیانه خریداری از مالک آقای محمود و محمد امین و محمد علی باقری

۵- هوشیار باقری به شماره ملی ۵۵۸۹۴۰۷۹۸۲ فرزند اسمعیل در شش دانگ ۱ قطعه زمین مزروعی به مساحت ۲۰۲۷۱.۹۲ متر مربع قسمتی از پلاک ۲۵- اصلی واقع در روستای سرنجیانه خریداری آقای محمود و محمد امین و محمد علی باقری

۶- صلاح باقری به شماره ملی ۵۵۸۹۸۵۹۰۱۸ فرزند اسمعیل در شش دانگ ۱ قطعه زمین مزروعی به مساحت ۱۷۴۲۷.۷ متر مربع قسمتی از پلاک ۲۵ -اصلی واقع در روستای سرنجیانه خریداری از مالک رسمی آقای محمود و محمد امین و محمد علی باقری

۷- فرهاد و صالح و هوشیار و صلاح شهرت باقری به شماره ملی ۵۵۸۹۸۵۹۰۱۸ و ۳۷۹۰۰۰۴۱۱۱ و ۵۵۸۹۹۶۱۶۲۹ و ۵۵۸۹۴۰۷۹۸۲ فرزندان اسمعیل در شش دانگ ۱ قطعه زمین مزروعی به مساحت ۸۱۰۶.۳۹ متر مربع قسمتی از پلاک ۲۵ اصلی واقع در روستای سرنجیانه خریداری از مالک رسمی آقای محمود و محمد امین و محمد علی باقری

۸- فرهاد و صالح باقری به شماره ملی ۳۷۹۰۰۰۴۱۱۱ و ۵۵۸۹۹۶۱۶۲۹ فرزند اسمعیل در شش دانگ ۱ قطعه زمین مزروعی به مساحت ۴۰۴۱۴.۶۲ مترمربع قسمتی از پلاک ۲۵ اصلی واقع در روستای سرنجیانه خریداری از مالک رسمی آقای محمود و محمد امین و محمد علی باقری

۹-خسرو امین پناه تاته رشید به شماره ملی ۳۷۹۰۰۶۴۵۱۳ فرزند ابراهیم در شش دانگ یک باب خانه به مساحت ۱۰۲.۱۹ متر مربع قسمتی از پلاک ۵۴- اصلی واقع در دهگلان پشت بیمارستان خریداری از مالک رسمی آقای محمد غفوری

۱۰- محمد صدیق محمدی بگه جان به شماره ملی ۵۵۸۹۶۸۷۹۵۰ فرزند نصر الله در شش دانگ چهار قطعه زمین مزروعی به مساحت ۳۴۱۸.۵۷ و ۶۰۱۵۶.۱۱ و ۱۵۱۵.۲۷ و ۱۲۷۷.۹۵ متر مربع قسمتی از پلاک ۵۶ اصلی واقع در روستای آرزند خریداری از مالک رسمی آقای نصرالله محمدی

۱۱- محمد صدیق محمدی بگه جان به شماره ملی ۵۵۸۹۶۸۷۹۵۰ فرزند نصر الله در شش دانگ چهار قطعه زمین مزروعی به مساحت ۵۳۲۶.۱۴ و ۱۵۶۳.۶۱ و ۵۸۱۴.۷۲ و ۳۳۶۵۲.۹ متر مربع قسمتی از پلاک ۵۶- اصلی واقع در روستای آرزند خریداری از مالک رسمی آقای نصرالله محمدی

۱۲-محمد توفیق محمدی بگه جان به شماره ملی ۳۸۰۱۳۴۱۷۴۷ فرزند نصراله در شش دانگ چهار قطعه زمین مزروعی به مساحت ۳۸۶۶۷.۶۵ و ۴۵۲۳.۳۷ و ۴۱۱۵.۷۵ و ۱۴۵۵۳.۹۴ متر مربع قسمتی از پلاک ۵۶ اصلی واقع در روستای ارزند خریداری از مالک رسمی آقای نصراله محمدی

۱۳ -محمد توفیق محمدی بگه جان به شماره ملی ۳۸۰۱۳۴۱۷۴۷ فرزند نصراله در شش دانگ پنج قطعه زمین مزروعی به مساحت ۱۳۵۱۹.۰۹ و ۳۷۲۷.۶۸و ۲۲۴۷.۱ و ۳۶۰۱.۳۱ و ۹۱۹۹.۴۱ متر مربع قسمتی از پلاک ۵۶- اصلی واقع در روستانی آرزند خریداری از مالک رسمی آقای نصراله محمدی

۱۴- حبیب اله سلیمی به شماره ملی ۵۵۸۹۶۱۷۵۲۹ فرزند عباس در شش دانگ شش قطعه زمین مزروعی به مساحت ۱۹۲۴.۶ و ۹۷۶۰.۴۳ و ۶۵۱۱.۰۱ و ۱۱۷۶۴.۵۲ و ۲۲۶۴۵.۴۸ و ۴۱۳۸۸.۸۸ متر مربع قسمتی از پلاک ۶۸ - اصلی واقع در روستای شابلاغی خریداری از مالک رسمی آقای عباس سلیمی

۱۵- حبیب اله سلیمی به شماره ملی ۵۵۸۹۶۱۷۵۲۹ فرزند عباس در شش دانگ پنج قطعه زمین مزروعی به مساحت ۵۰۲۷۵.۷۲ و۳۱۱۷۴.۵۴ و ۲۶۱۹.۳۳ و ۸۹۰۱.۷۷ و ۱۴۰۷۵.۵ متر مربع قسمتی از پلاک ۶۸- اصلی واقع در روستای شابلاغی خریداری از مالک رسمی آقای عباس سلیمی

۱۶ -نظام خانی به شماره ملی ۳۷۳۱۳۱۲۱۴۱ فرزند محمد صدیق در شش دانگ یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۵۵۷۲۳ متر مربع قسمتی از پلاک ۷۳ - اصلی واقع در روستای سراب شهرک خریداری از مالک رسمی آقای محمد صدیق خانی

۱۷- کاوه و محمد صدیق و غلامرضا و علیرضا شهرت فرهادی به شماره ملی ۵۵۸۹۹۲۵۷۸۹ و ۵۵۸۹۷۱۹۶۷۴ و ۵۵۸۰۰۶۰۷۰۱ و ۵۵۸۹۷۴۲۵۹۵ فرزندان باقی در شش دانگ سه قطعه زمین مزروعی به مساحت ۱۸۷۳۸۷ و ۳۶۷۰۲ و ۴۰۳۰۹ متر مربع قسمتی از پلاک ۸۸- اصلی واقع در روستای کروندان خریداری از مالک رسمی اسماعیل نادری

۱۸ - صباح و سلام الدین نادری به شماره ملی ۵۵۸۰۰۰۳۹۶۱ و ۲۸۰۰۰۴۴۸۶۲ فرزند ابراهیم در شش دانگ یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۱۸۵۵۰.۲۱ متر مربع قسمتی از پلاک ۸۸- صلی واقع در روستای کروندان خریداری از مالک آقایرحیم رحیمی کاکه جوب

۱۹ -اسعد و محمد صدیق حسین پناهی به شماره ملی ۵۵۸۹۱۷۱۴۲۳ و ۵۵۸۹۶۸۶۸۲۲ فرزند ابراهیم در شش دانگ یک قطعه زمین مزروعی به مساحت۶۷۲۱۴.۵۹ مترمربع قسمتی از پلاک ۸۸- اصلی واقع در روستای کروندان خریداری از مالک آقای اسماعیل حسین پناهی

۲۰- توفیق رحیمی کاکه جوب به شماره ملی ۵۵۸۹۴۸۸۶۴۸ فرزند علی محمد در شش دانگ چهار قطعه زمین مزروعی به مساحت ۱۹۴۴۶.۶۶ و ۴۴۶۸۲.۷۴ و ۲۰۱۷۷.۵۸ و ۴۲۴۵۵.۴۵ مترمربع قسمتی از پلاک ۹۲ اصلی واقع در روستای کاکه جوب خریداری از مالک رسمی آقای علی محمد رحیمی

۲۱ -محمد مراد حسین پناهی قروچای به شماره ملی ۵۵۸۹۶۶۹۱۲۱ فرزند محمدرشید در شش دانگ سه قطعه زمین مزروعی به مساحت ۳۴۹۹.۹۵ و ۴۳۴۲۶.۰۴ و ۲۶۱۴۷.۴۵ متر مربع قسمتی از پلاک ۹۵ - اصلی واقع در روستای قروچای خریداری از مالک آقای محمدرشید حسین پناهی

۲۲ - طالب قوامی سراب به شماره ملی ۵۵۸۹۷۴۹۶۷۰ فرزند علی اشرف در شش دانگ یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۱۳۸۱۶ متر مربع قسمتی از پلاک ۹۵- اصلی واقع در روستای قرو چای خریداری از مالک رسمی حسین حسین پناهی

۲۳ - یزدان حسین پناهی به شماره ملی ۳۷۲۰۸۳۱۹۷۳ فرزند امید و اشکان حسین پناهی فرزند محمد صدیق به شماره ملی ۵۵۸۰۱۸۵۷۱۵ رحمت و محمد حسین پناهی تازه آباد به شماره ملی ۵۵۸۹۹۰۰۱۴۱ و ۳۷۹۰۱۴۶۹۸۶ فرزندان محمد سعید در شش دانگ چهار قطعه زمین مزروعی به مساحت ۴۰۴۵۲.۵۱ و ۱۲۰۰۷.۵۲ و ۹۸۳۹۹.۹۶ و ۳۴۰۹.۶۳ مترمربع قسمتی از پلاک ۹۸ - اصلی واقع در روستای تازه آباد قروچای خریداری از مالک احمد و حبیب اله حسین پناهی

۲۴- یزدان حسین پناهی به شماره ملی ۳۷۲۰۸۳۱۹۷۳ فرزند امید و اشکان حسین پناهی فرزند محمد صدیق به شماره ملی ۵۵۸۰۱۸۵۷۱۵ رحمت و محمد حسین پناهی تازآباد به شماره ملی ۵۵۸۹۹۰۰۱۴۱ و ۳۷۹۰۱۴۶۹۸۶ فرزندان محمد سعید در شش دانگ پنج قطعه زمین مزروعی به مساحت ۶۱۰۴.۱۶ و ۳۸۶۶.۱۹ و ۴۰۵.۳۸و ۵۸۵۳۱.۱۵و ۴۴۴۱.۸۵مترمربع قسمتی از پلاک ۹۸ اصلی واقع در روستای تازه آباد قروچای خریداری از مالک رسمی آقای احمد و حبیب اله حسین پناهی

۲۵ - یزدان حسین پناهی به شماره ملی ۳۷۲۰۸۳۱۹۷۳ فرزند امید و اشکان حسین پناهی فرزند محمد صدیق به شماره ملی ۵۵۸۰۱۸۵۷۱۵ رحمت و محمد حسین پناهی تازآباد به شماره ملی ۵۵۸۹۹۰۰۱۴۱ و ۳۷۹۰۱۴۶۹۸۶ فرزندان محمد سعید در شش دانگ پنج قطعه زمین مزروعی به مساحت ۱۵۸۴۹.۵۱ و ۱۳۰۱.۰۴ و۱۲۲۹۰.۴۲ و ۱۳۱۵۳.۰۷ و ۹۰۴۲.۷۱ متر مربع قسمتی از پلاک ۹۸ اصلی واقع در روستای تازه آباد فروچای خریداری از مالک رسمی احمد و حبیب اله حسین پناهی

۲۶- عادل قادری به شماره ملی ۵۵۸۹۲۳۹۵۵۹ فرزند محمدامین و سیران احمدی فرزند محمد علی به شماره ملی ۳۸۰۱۸۰۴۸۱۱ در شش دانگ یک باب ساختمان به مساحت ۲۰۸.۴۹ متر مربع قسمتی از پلاک ۵۴ اصلی واقع در دهگلان خیابان کوچه ساغر ۳ خریداری از مالک رسمیمحمد اله مرادی

۲۷- جهانگیر حسین پناهی به شماره ملی ۵۵۸۹۱۲۹۷۷۱. فرزند علی در شش دانگ یک یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۴۱۸۱.۸۵ متر مربع قسمتی از پلاک ۹۵ -اصلی واقع در روستای قروچای خریداری از مالک رسمی آقای شیر علی زر میزاعلی و زر علی حسین پناهی

تاریخ انتشار نوبت اول : ۱۴۰۳/۰۸/۱۹ تاریخ انتشار نوبت دوم : ۱۴۰۳/۰۹/۰۴

عطاله شاه نظری رئیس اداره ثبت اسناد و املاک شهرستان دهگلان

اداره کل ثبت اسناد و املاک استان تهران
اداره ثبت اسناد و املاک حوزه ثبت ملک شهریار
هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

برابر رای شماره ۱۴۰۳۶۰۰۱۰۵۷۰۰۸۹۰۱ هیات اول موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک شهریار تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی آقای علی طاقتی حسین پور فرزند ناصر بشماره شناسنامه ۴۰۲۰۰۶۳۸۸۵ ششدانگ یک باب ساختمان به مساحت ۱۸۲ متر مربع پلاک ۴۱۳ فرعی از ۵۴ اصلی در شهریار خریداری از مالک رسمی آقای/ علی طاقتی حسین پور مالک مشاعی محرز گردیده است. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید، ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.

تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۳/۰۸/۱۹
تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۳/۰۹/۰۴
م الف ۱۱۷۲۱ **رئیس ثبت اسناد و املاک – مهدی ناصری**
۴۶۷

اداره کل ثبت اسناد و املاک استان همدان
اداره کل ثبت اسناد و املاک حوزه ثبت ملک کبودرآهنگ
هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

آگهی موضوع ماده

خریداران در شرایط تورم چطور رفتار می کنند؟

الگوی رفتار مشتریان در بازارهای تورمی

نویسنده: علی آل علی

تورم، این پدیده اقتصـــادی پیچیده و گاهی غیر قابل پیش بینی، به گونه ای عمیق در اقتصاد ریشـــه دوانده و تمامی ارکان آن، از کســـب وکارهای بـــزرگ گرفته تا خریدهای روزمره مـــردم را تحت تاثیر قرار می دهد. هنگامی که قیمت ها به سرعت افزایش می یابند، قدرت خرید مردم کاهـــش یافته و آنان به طور طبیعی در جســـت وجوی راه هایی برای مدیریت محدودیت های مالـــی خود می افتند. این وضعیت برای کســـب و کارها نیز روی می دهد. البته برندها در این میان بیشتر تحت تاثیر قرار خواهند گرفت؛ چراکه باید خودشـــان را با رفتار مشتریان نیز هماهنگ سازند.

چنین تغییراتی به شـــدت بر رفتار مصرف کننده اثر می گذارد. افراد در مواجهـــه با هزینه هـــای رو به افزایش مجبور می شـــوند خریدهای خـــود را اولویت بندی کـــرده و کالاهای غیرضروری را از ســـبد خرید خود حذف کنند. به بیان ســـاده تر، آنها به دنبال صرفه جویی هستند و به این ترتیب، بازاری که زمانی رونق داشـــت، به تدریج با افت تقاضا مواجه می شـــود. این الگوی رفتاری تاثیر مستقیمی بر عملکرد کسب و کارهـــا دارد. شـــرکت ها، چه بزرگ و چه کوچـــک، کاهش فروش را تجربه می کنند و ناچار به تجدیدنظر در استراتژی های خود می شوند. برخی برندها، برای حفظ ســـهم بـــازار خود، به کاهش قیمت ها یا ارائه تخفیف های ویژه متوســـل می شـــوند؛ در حالی که دیگران مجبور به تغییـــر ترکیب محصولات یا خدمات خود هســـتند تا با نیازهای جدید مشتریان هماهنگ شوند.

تـــورم همچنین به تغییر در شـــیوه های تبلیغـــات و بازاریابی منجر می شود. برندها دیگر نمی توانند تنها با تکیه بر جذابیت های بصری یا کیفیت محصولات مشتریان را جذب کنند. در عوض آنها باید به صورت شـــفاف ارزش افزوده ای که محصولات شان ارائه می دهد را به نمایش بگذارند. تبلیغات مبتنی بـــر صرفه جویی و کمک به مدیریت هزینه ها در ایـــن دوران، بیش از پیش مورد توجه قرار می گیرد. برای کســـب و کارهایـــی که در بازارهای تورمی فعالیـــت می کنند، حفظ تعادل میان هزینه های تولید و قیمت گذاری چالشـــی جدی اســـت. افزایش مداوم قیمت مواد اولیه و خدمات، فشـــار مضاعفی بر این کســـب وکارها وارد می کند. بســـیاری از آنها مجبور می شوند به استراتژی های کوتاه مدت روی آورند و از سرمایه گذاری های بلندمدت خود صرف نظر کنند.

به این ترتیب، بازارهای تورمی به یک میدان نبرد دشوار برای کسب وکارها تبدیل می شـــوند. در این شـــرایط، شـــناخت دقیق تر الگوهای رفتاری مشـــتریان می توانـــد به برندها کمک کند تـــا درک بهتری از چگونگی تعامل با این مخاطبان داشته باشند و استراتژی های مؤثرتری برای بقا و رشـــد خود تدوین کنند. ما در این مقاله قصد داریم شما را با الگوی رفتار مشـــتریان در شرایط تورمی آشنا کنیم. پس با ما همراه باشید تا برخی از مهمترین نکات در این رابطه را یاد بگیرید.

ویژگی های رفتاری مشتریان در بازارهای تورمی

خب حالا به بخشی رسیدیم که باید درباره رفتار خریداران در شرایط تورم حرف زد. بی شـــک همه ما تجربه هـــای مختلفی در رابطه با تورم داریم. با ایـــن حال نکته کلیدی در این میان تلاش برای اســـتفاده از رویکردی علمی برای بررســـی مسئله است. به طوری که نتایج آن قابل اندازه گیری و اجرا در عمل باشـــد. این همان هدفی است که ما در این بخش دنبال خواهیم کرد. پس با ما همراه باشید تا یکبار برای همیشه به طور علمی این موضوع را بررسی کنیم.

گرایش به خریدهای ضروری

در شرایط تورمی مشتریان تمایل بیشتری به خرید کالاها و خدمات ضروری پیدا می کنند. این نوع رفتار پاسخ طبیعی به فشار مالی ناشی از افزایش قیمت هاست. در این شـــرایط افراد به طور معمول کالاهای غیرضروری یا لوکس را از سبد خرید خود حذف کرده و تمرکز خود را بر نیازهای اساسی زندگی معطوف می کنند.

اجازه دهید یک سناریوی مناســـب را بررسی کنیم. به عنوان مثال، خرید لباس های جدیـــد، تفریحات گران قیمت یا لـــوازم الکترونیکی پیشرفته در چنین دوره هایی به تعویق می افتد. در مقابل، مواد غذایی، دارو و خدماتی مانند حمـــل و نقل و انرژی همچنان جایگاه مهمی در سبد خرید خانوارها دارند. این الگو فشار قابل توجهی به برندهای فعال در حـــوزه کالاهای لوکس وارد می کند. کســـب وکارهایی که در این حوزه ها فعالیت می کنند، برای بقا ناچار به تغییر اســـتراتژی های خود هســـتند. آنها ممکن اســـت به دنبال تولید محصولات ارزان تر یا ارائه طرح های پرداخت اقساطی باشـــند تا بتوانند همچنان مشتریان خود را حفظ کنند.

از ســـوی دیگر، برندهای فعال در حوزه کالاهای اساسی از این روند ســـود می برند. در حالی که میزان تقاضا برای آنها کاهش نمی یابد، اما آنهـــا نیز با چالش های دیگری مانند مدیریت هزینه های تولید و حفظ حاشیه سود مواجه اند. در نهایت، این الگوی رفتاری به شرکت ها نشان می دهد که باید بر تحلیل نیازهای مشـــتریان و تطبیق سریع با شرایط اقتصادی تمرکز کنند. درک عمیق این رفتارها به کســـب وکارها کمک می کند تا در بازارهای پرنوسان همچنان به رشد خود ادامه دهند.

تمایل به مقایسه قیمت ها

یکی از ویژگی های برجســـته مشـــتریان در دوران تورم حساســـیت بیشتر نسبت به قیمت هاســـت. افزایش سریع هزینه ها باعث می شود مشـــتریان زمان بیشتری را صرف مقایســـه قیمت ها در فروشگاه های مختلف یا پلتفرم های آنلاین کنند. مشـــتریانی که پیشـــتر به خرید از فروشگاه های خاص عادت داشتند، اکنون برای یافتن قیمت های بهتر به دنبال گزینه های متنوع تـــری می گردند. این تغییر رفتار به معنای رقابت شدیدتر میان برندهاست، زیرا مشـــتریان به دنبال بهینه سازی هزینه های خود هستند.

سایت های مقایسه قیمت و اپلیکیشـــن های موبایلی در این شرایط محبوب تر می شوند. این ابزارها به مشتریان کمک می کنند تا سریع تر و دقیق تـــر بهترین قیمت ها را پیدا کنند. برندهایی که از این کانال ها بهره برداری می کنند، می توانند شانس بیشتری برای جذب مشتریان داشته باشن، اما حساسیت به قیمت تنها به مقایسه محدود نمی شود؛ مشـــتریان حتی در زمان خرید، به دنبال بهره منـــدی از تخفیف ها و پیشنهادهای ویژه هســـتند. برندها با استفاده از این فرصت می توانند کمپین های تخفیفـــی طراحی کنند تا وفاداری مشـــتریان را افزایش دهند. این تغییر رفتار نشان می دهد که در دوران تورم، استراتژی های قیمت گذاری و تخفیف دهی به یک عامل حیاتی در حفظ ســـهم بازار تبدیل می شود.

افزایش حساسیت به کیفیت و ارزش

در بازارهای تورمی، مشتریان تنها به دنبال قیمت پایین نیستند؛ بلکه کیفیت و ارزش نیز برای آنها اهمیت بســـیاری پیدا می کند. این رفتار ناشی از تلاش مشتریان برای اطمینان از اینکه پولی که خرج می کنند، ارزش واقعی خود را دارد. به عبارتی، اگرچه قیمت پایین می تواند عامل جذب اولیه باشد، اما مشتریان به سرعت کیفیت محصول یا خدمات را ارزیابی می کنند. اگر محصولی ارزان اما بی کیفیت باشـــد، به سرعت از سبد خرید حذف می شود.

برندهایی که بتوانند ترکیبی از قیمت مناســـب و کیفیت بالا را ارائه دهند، در این شـــرایط موفق تر خواهند بود. برای مثال، یک برند مواد غذایی کـــه بتواند مواد اولیه باکیفیت را با قیمتـــی منطقی ارائه دهد، جایگاه خود را در سبد خرید مشتریان تثبیت خواهد کرد.

علاوه بر این، مشتریان در چنین شرایطی به نظرات دیگران نیز بیشتر توجه می کنند. بررسی های آنلاین و توصیه های دوستان و خانواده به معیارهای کلیدی در تصمیم گیری های خرید تبدیل می شوند. در این شـــرایط، برندها باید استراتژی های بازاریابی خود را به گونه ای تنظیم کننـــد که نه تنها به قیمت، بلکه به کیفیت و تجربه کلی مشـــتری نیز تأکید داشته باشند.

تمایل به خرید همراه با تخفیف

تورم، مشتریان را به سمت برندها و فروشگاه هایی سوق می دهد که تخفیف های ویژه ارائه می دهند. فروشـــگاه های زنجیره ای تخفیف دار و برندهایـــی که به طور منظم پیشـــنهادهای ویژه دارند، در این دوران از جایگاه بهتری برخوردار می شـــوند. برای مشتریان، این تخفیف ها نه تنها به معنای کاهش هزینه ها بلکه فرصتی برای خرید بیشتر با بودجه محدود اســـت. بنابراین، تخفیف های هدفمند می تواند تأثیر زیادی بر جذب و حفظ مشتریان داشته باشد.

برندهای کوچک تر کـــه توانایی رقابت در ارائه تخفیف های بزرگ را ندارند، ممکن اســـت در این شرایط بیشتر آســـیب ببینند. آنها باید به دنبال راه حل های جایگزین باشـــند، مانند ارائه محصولات باکیفیت تر یا خدمات پـــس از فروش بهتر. در این بـــازار، کمپین های تخفیفی و فروش هـــای ویژه می تواند عاملی کلیدی در جذب مشـــتریان باشـــد. مشـــتریانی که تجربه مثبتی از این کمپین ها کسب کنند، احتمالاً به برند وفادار خواهند ماند. این تغییر رفتار به برندها نشـــان می دهد که طراحی استراتژی های تخفیفی مؤثر و هدفمند، یکی از راه های حیاتی برای حفظ رقابت پذیری است.

گرایش به خرید آنلاین

تـــورم و افزایـــش هزینه های حمل و نقل، مشـــتریان را به ســـمت خریدهای آنلاین ســـوق می دهد. فروشـــگاه های آنلایـــن اغلب امکان مقایسه قیمت، بهره مندی از تخفیف های ویژه و صرفه جویی در زمان و هزینه را برای مشـــتریان فراهم می کنند. این تغییر رفتار به ویژه در میان نســـل های جوان تر و مشـــتریانی که به تکنولوژی آشنایی دارند، بیشـــتر دیده می شـــود. در بازارهای تورمی، خرید آنلاین به گزینه ای مقرون به صرفه تبدیل می شود، زیرا مشتریان می توانند با چند کلیک، بهترین قیمت ها را پیدا کنند.

علاوه بـــر این، برخی فروشـــگاه های آنلاین، امکاناتی مانند ارســـال رایـــگان یا تخفیف های ویژه برای خریدهـــای عمده ارائه می دهند که این خـــود انگیزه ای برای مشـــتریان برای افزایـــش خریدهای آنلاین اســـت. برندهایی که در فضای دیجیتال حضور فعال دارند، از این تغییر بهره مند می شوند. آنها می توانند از ابزارهایی مانند تبلیغات هدفمند، بازاریابی ایمیلی و رســـانه های اجتماعی برای جذب مشتریان جدید و تقویت ارتباط با مشتریان فعلی استفاده کنند.

این تغییر رفتار همچنین نشـــان دهنده فرصتی بزرگ برای کســـب وکارهاســـت تا از طریق توسعه کانال های فروش آنلاین هم هزینه های خود را کاهش دهند و هم به مشـــتریان بیشتری دسترسی پیدا کنند. با این حســـاب در شرایطی مثل کرونا توسعه کسب و کار آمازون دیگر نباید یک علامت ســـوال باشد. این نکته ای است که ریشه در تغییرات الگوی رفتار مشتریان در شرایط تورمی و بحرانی دارد.

سخن پایانی: حرکت هوشمندانه در دنیای تورمی

در شـــرایط تورمی برندها باید به الگوهای رفتاری جدید مشتریان توجه ویژه ای داشته باشند. درک این الگوها نه تنها به کسب وکارها کمک می کند تا بهتر با چالش ها روبه رو شـــوند، بلکه به آنها امکان می دهد تا با اســـتراتژی های مناســـب، از این شـــرایط به نفع خود بهره برداری کنند.

مشتریان به دنبال کیفیت، ارزش و صرفه جویی هستند. برندهایی که بتوانند به این نیازها پاســـخ دهند، در بازارهای تورمی موفق تر خواهند بود. اکنون زمان آن رســـیده اســـت که با تحلیـــل دقیق تر رفتارهای مشتریان، اســـتراتژی های بازاریابی و فروش خود را بازنگری کنید و از این تغییرات به عنوان فرصتی برای رشد استفاده کنید.

مـــن و همکارانم در روزنامه فرصت امـــروز امیدواریم نکات مورد بحث در این مقاله کمکی هرچند کوچک به شـــما برای آشـــنایی با منطق رفتاری مشتریان در بازارهای تورمی کرده باشد. مثل همیشه اگر سوالی در این رابطه داشـــتید، کارشناس های ما همیشه آماده کمک به شـــما هستند. پس تعارف را کنار گذاشته و با ما در ارتباط باشید.

منابع:

https://insights.som.yale.edu/insights/how-does-inflation-change-consumer-behavior

شناسه آگهی : ۱۸۳۱۶۲۷

فراخوان شناسایی علاقمندان
جهت مشارکت در صادرات گاز مایع به کشور ارمنستان

پرسی ایران گاز

شرکت پرسی ایران گاز در نظر دارد جهت همکاری در صادرات گاز مایع به کشور ارمنستان از اشخاص واجد شرایط به شرح ذیل دعوت به همکاری نمایند ، لذا علاقمندان می توانند با مراجعه به وب سایت شرکت به نشانی www.persiirangas.ir یا مراجعه حضوری به دفتر مرکزی شرکت به آدرس: تهران ، خیابان سپهبد قرنی ، خیابان شاداب غربی ، پلاک ۹ ، واحد صادرات و توسعه بازار نسبت به اخذ اوراق مربوطه اقدام نمایند .

۱- سابقه کار مفید و مرتبط در حوزه صادرات گاز مایع و سایر محصولات نفتی
۲- توان تامین از تمامی پالایشگاه های شرکت و توانمندی لازم جهت فروش تضمینی گاز مایع در کشور های هدف
۳- دارای تاسیسات توزیع و شارژ سیلندر گاز مایع و تاسیسات اداری مرتبط در کشور ارمنستان
۴- دارای شرکت ثبت شده در کشور ارمنستان با اجازه فعالیت در حوزه فرآورده های نفتی و گازی و تایید (رجیستر) شده در وزارت نفت ایران یا شرکت‌های تابعه آن

م الف ۲۰۲۲

روابط عمومی شرکت پرسی ایران گاز

شناسه آگهی : ۱۸۳۳۱۱۳ نوبت اول

آگهی تجدید مناقصه عمومی* یک مرحله‌ای* شماره ۱۴۰۳/۱۰
همراه با ارزیابی کیفی

شرکت ملی گاز ایران
شرکت گاز استان چهار محال و بختیاری
(سهامی خاص) شماره ثبت: ۵۵۰۰

۱- مناقصه گزار: شرکت گاز استان چهار محال و بختیاری
۲- موضوع مناقصه: اجرای خطوط ورودی وخروجی وحمل، بارگیری ،نصب و راه اندازی مکانیکال ،هیتر و ادرایزرایستگاه CGSدوم شهرکرد به ظرفیت ۱۰۰هزار متر مکعب برساعت
۳- شرکت گاز استان چهارمحال و بختیاری در نظر دارد: مناقصه موضوع فوق را از طریق سامانه تدارکات الکترونیکی دولت برگزار نماید.کلیه مراحل برگزاری مناقصه از دریافت اسناد مناقصه تا ارائه پیشنهاد مناقصه گران و بازگشایی پاکت ها از طریق درگاه سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (ستاد) به آدرس WWW.setadiran.ir انجام خواهد شد.
لازم به ذکر است کد فراخوان در پایگاه ملی مناقصات ۵۳۱۸۳۴۰۳ می باشد.
۴- تاریخ انتشار مناقصه در سامانه: ساعت ۱۲ روز یکشنبه تاریخ ۱۴۰۳/۰۹/۰۴ می باشد.
۵- مهلت زمانی دریافت اسناد مناقصه از سایت: تا ساعت ۱۸ روز شنبه تاریخ ۱۴۰۳/۰۹/۱۰ می باشد.
۶- مهلت زمانی ارائه پیشنهاد: تا ساعت ۱۸ روز شنبه تاریخ ۱۴۰۳/۰۹/۲۴ می باشد.
۷- تاریخ بازگشایی پاکت ارزیابی مناقصه: ساعت ۸صبح روزیکشنبه تاریخ ۱۴۰۳/۰۹/۲۵
۸- تاریخ بازگشایی پاکت پیشنهاد: ساعت۹ روز چهار شنبه تاریخ ۱۴۰۳/۰۹/۲۸
۹- نوع و مبلغ تضمین فرایند ارجاع کار: یکی ازتضامین معتبر درآیین نامه تضمین معاملات دولتی مصوبه شماره ۱۲۳۴۰۲/ت۵۰۶۵۹هـ مورخ ۹۴/۰۹/۲۲ هیات محترم وزیران به ۱,۳۴۰,۰۰۰,۰۰۰ (یک میلیارد و سیصد وچهل میلیون) ریال میباشد.
اطلاعات تماس دستگاه مناقصه گزار جهت دریافت اطلاعات بیشتر در خصوص اسناد مناقصه و ارائه پاکت های الف: آدرس شرکت گاز استان چهارمحال و بختیاری واقع در شهرکرد ـ خیابان فارابی شمالی به شماره تلفن ۴-۰۳۸-۳۳۳۳۹۰۰۲ (داخلی ۲۰۸۱)

تاریخ انتشار نوبت اول: روز یکشنبه ۱۴۰۳/۰۹/۰۴ تاریخ انتشار نوبت دوم: روز دوشنبه ۱۴۰۳/۰۹/۰۵

روابط عمومی شرکت گاز استان چهارمحال و بختیاری

مدیرکل صنعت، معدن و تجارت استان مرکزی:

۸۸۹ میلیون دلار انواع کالای غیرنفتی از استان مرکزی صادر شد

اراک- فرناز امیدی: مدیرکل صنعت، معدن و تجارت استان مرکزی گفت: ۸۸۹ میلیون دلار انواع کالای غیرنفتی امسال از این استان به نقاط مختلف جهان صادر شد.

علی جودکی افزود: وزن محموله‌های صادراتی استان مرکزی در سال جاری بیش از یک‌هزار و ۸۰ تن برآورد می‌شود.

وی بیان کرد: ۸۷ کشور از جمله عراق، افغانستان، ترکیه، پاکستان، روسیه، هند، ازبکستان، ترکمنستان و امارات متحده عربی مقصد محموله‌های صادراتی کشورمان در سال جاری بودند.

مدیرکل صنعت، معدن و تجارت استان مرکزی اظهار کرد: گاز مایع، سوخت جت، انواع هیدروکربن‌ها، گاز مایع خانگی، فرآورده‌های پتروشیمی، شمش آلومینیوم، انواع آبمیوه‌ها، مواد شیمیایی، انواع شیشه، مصنوعات ریخته‌گری، الیاف پلی استر، میلگرد آجدار، گل و گیاه، پلی‌اتیلن سنگینو سبک خطی، انواع روغن، سیمان سفید، کاشی و سرامیک و مایع ظرفشویی بیشترین کالاهای صادراتی این استان را در سال جاری شامل می‌شوند.

جودکی میزان واردات امسال استان مرکزی را ۵۴۶ میلیون دلار عنوان کرد و گفت: وزن کالاهای وارداتی استان ۱۸۷ هزار تن برآورد می‌شود.

وی تصریح کرد: بیشترین بازارهای مبداء وارداتی استان مرکزی در سال جاری، کشورهای چین، ترکیه، قطر، ایتالیا، تایلند، آلمان، هند، هنگ‌کنگ، ترکیه و سوئیس بوده است. مدیرکل صنعت معدن و تجارت استان مرکزی خاطرنشان کرد: شمش آلومینیوم، پوشک، موز، ورق فولادی، انواع طعم‌دهنده‌ها، بادام زمینی خام و پاکت آبمیوه از مهمترین کالاهایی است که امسال به استان وارد شده است.

جودکی بیان کرد: ارزش صادرات استان مرکزی در سال جاری نسبت به سال گذشته ۳۶ درصد و ارزش واردات استان نسبت به پارسال ۱۸ درصد رشد داشته است.

شهردار یزد خبر داد:

روشنایی ۴۰۰ کیلومتر باقیمانده از معابر شهری ساماندهی می شود

یزد – سید محمد جواد عرفان‌فر: شهردار یزد گفت: با تعویض و تقویت روشنایی ۴۰۰ کیلومتر باقیمانده از معابر اصلی و فرعی شهر، گام بلندی را در راستای کاهش مصرف برق و کیفیت بخشی به روشنایی سطح شهر برخواهیم داشت.

ابوالقاسم محی الدینی با اشاره به برگزاری نشست مشترک با سید مهدی طلایی مقدم معاون هماهنگی امور عمرانی استانداری در محل شهرداری یزد، گفت: در این نشست در خصوص تعویض چراغ های سطح شهر به منظور کاهش مصرف برق و همچنین کیفیت بخشی به نور و روشنایی سطح شهر بحث و تبادل نظر شد.

وی با عنوان برآورد ۲۰۰۰ میلیارد ریالی برای اجرای این پروژه تصریح کرد: این برآورد توسط کارشناسان متخصص این حوزه انجام شده و مدل های مختلفی هم برای سرمایه گذاری سرمایه گذاران پیش بینی شده است.

شهردار یزد اظهار امیدواری کرد: با تهیه گزارش توجیهی این پروژه و پذیرش مدل های سرمایه گذاری، انشاالله بتوانیم با شرکت توانیر و مشارکت بخش خصوصی نسبت به تعویض چراغ های سطح شهر، هم به منظور هم کیفیت بخشی به آنها هم مصرف انرژی آن به یک سوم اقدام کنیم.

محی الدینی گفت: با توجه به این که اقدامات انجام شده توسط شهرداری و شرکت توزیع برق استان از سال ۱۳۹۶ تاکنون، هم مورد رضایت و هم مورد درخواست مردم بوده است، مصمم شدیم هرچه سریعتر بخش باقیمانده از پروژه که شامل تعویض چراغ و اصلاح روشنایی حدود ۴۰۰ کیلومتر دیگر از معابر اصلی و فرعی سطح شهر است را انجام دهیم و کیفیت روشنایی بهتری را به مردم عزیزمان ارائه کنیم.

وی با بیان این که این طرح از سال ۱۳۹۶ تا پایان ۱۴۰۲ به طول تقریباً ۱۷۰ کیلومتر در سطح معابر شهری انجام شده است، گفت: از این مقدار در حدود ۱۲۰ کیلومتر با مشارکت شهرداری و شرکت توزیع نیروی برق و طول ۵۰ کیلومتر صرفاً توسط شهرداری انجام شده و انشاالله امیدواریم بتوانیم با مشارکت بخش خصوصی، تا ابتدای سال آینده روشنایی کل شهر را ساماندهی و تقویت کنیم

مدیرکل راهداری و حمل و نقل جاده ای آذربایجان شرقی:

بازنگهداشتن کریدورهای اصلی خط قرمز راهداری است

فرصت امروز – ماهان فلاح: مدیرکل راهداری و حمل و نقل جاده‌ای آذربایجان شرقی گفت: در بحث بازگشایی محورهای مواصلاتی استان چه در بحث راهداری زمستانی چه در بحث پدافند غیرعامل، باز نگهداشتن کریدورهای اصلی استان به عنوان بخشی از شاهراه حیاتی کشور ضرورت دارد.

اورجعلی علیزاده در جلسه کارگروه حمل و نقل و جابه‌جایی پدافند غیرعامل استان گفت: در بحث راهداری زمستانی جزیره‌ای عمل نمی‌کنیم و آماده تعامل با نهادهای مختلف همکار در این زمینه هستیم.

وی افزود: به راهداران استان سپرده شده که تا مرز استان‌های همسایه راه را باز کنند و اگر ادامه مسیر هنوز توسط راهداران آن استان باز نشده بود، به بازگشایی مسیر تا هر مسافت که لازم بود ادامه دهند تا شریان‌های حیاتی بسته نماند.

مدیرکل راهداری و حمل و نقل جاده‌ای آذربایجان شرقی افزود: در بحث ورود و خروجی‌های اتوبان شهید کسایی تبریز هم که از مسئولیت‌های شهرداری تبریز است، راهداران ما و عوامل شهرداری باید با همکاری همدیگر، در مواقع بحران اقدام به بازگشایی مسیر کرده و هر کجا لازم شد، در انجام مأموریت‌ها به همدیگر کمک کنند.

علیزاده با بیان این که در برخی محورهای مواصلاتی استان آنتن دهی تلفن همراه وجود ندارد، تصریح کرد: علاوه بر رفع مشکل آنتن دهی تلفن همراه، فرمانداران و بخشداران باید اسکان اضطراری را مورد توجه قرار داده و برنامه‌ریزی لازم و هماهنگی های مورد نیاز را برای اسکان اضطراری در مساجد و مدارس نزدیک‌ترین روستا به محورهای مواصلاتی، پایگاه های اورژانس و راهدارخانه‌ها انجام دهند.

در راستای عمل به مسئولیت اجتماعی صورت گرفت؛

کسب رتبه برتر در بهبود شاخص شدت مصرف انرژی کل توسط منطقه ۹ عملیات انتقال گاز ایران

ساری – دهقان : مدیر منطقه ۹ عملیات انتقال گاز از کسب رتبه برتر این منطقه عملیاتی در بهبود شاخص شدت مصرف انرژی کل در سال ۱۴۰۲ نسبت به سال ۱۴۰۱ در سطح شرکت انتقال گاز ایران خبر داد. به گزارش خبرنگار مازندران به نقل روابط عمومی منطقه ۹ عملیات انتقال گاز، محی‌الدین مفخمی با اعلام این خبر اظهار کرد: با تلاش همکاران منطقه ۹ عملیات انتقال گاز، شاخص شدت مصرف انرژی کل در سطح این منطقه در سال ۱۴۰۲ با کاهش ۷.۷ درصدی نسبت به سال ۱۴۰۱ دارای بیشترین میزان کاهش شدت مصرف انرژی کل در سطح مناطق عملیاتی بوده است. وی با بیان اینکه تحقق مأموریت بهره‌ور گاز طبیعی، با بهبود مداوم عملکرد انرژی قابل‌دستیابی است، خاطرنشان کرد: عملکرد انرژی نیز با پایش شاخص‌های شدت مصرف انرژی قابل پایش بوده و در سطح شرکت انتقال گاز، شاخص شدت مصرف انرژی کل در سطح کلان هر منطقه به علت دربرگرفتن تمامی حامل‌های انرژی شامل گاز طبیعی، برق، گازوئیل و بنزین، جامع‌ترین شاخص جهت پایش عملکرد انرژی است. مفخمی ضمن قدردانی از کارکنان منطقه در مصرف درست و بهره‌برداری بهینه از تجهیزات بارز انرژی، یادآور شد: منطقه ۹ عملیات انتقال گاز در سطح ۱۰ منطقه عملیاتی رتبه برتر بهبود شاخص شدت مصرف انرژی کل در سال ۱۴۰۲ را نسبت به سال ۱۴۰۱ به دست آورده و این امر نشان‌دهنده احساس مسئولیت کارکنان این منطقه عملیاتی نسبت به اقتصاد و محیط‌زیست کشور در راستای عمل به مسئولیت اجتماعی است.

با دریافت لوح تقدیر فرمانده سپاه عاشورا؛

مدیرکل امور مالیاتی آذربایجان شرقی فعال برتر خدمت جهادی معرفی شد

فرصت امروز – ماهان فلاح: مدیرکل امور مالیاتی آذربایجان شرقی فعال برتر برگزاری میزهای خدمت جهادی بسیج کارمندان استان شد.

مسئول سازمان بسیج کارمندی سپاه عاشورا در جلسه تبیین و ابلاغ برنامه‌های این سازمان، لوح تقدیر فرمانده سپاه عاشورا به مناسبت برگزاری میزهای خدمت جهادی را به مدیر کل امور مالیاتی استان اهدا کرد.

دکتر ریحانی خواه گفت: هفته بسیج بزرگداشت جان‌فشانی هایی است که برای سربلندی این سرزمین صورت گرفته است و کارمندان بسیجی موتور پیشران کار و خدمت در صحنه ادارات هستند.

وی با بیان اینکه بسیجی باید همیشه در صحنه باشد افزود: قطعا وقتی کارمند بسیجی باشد احساس مسئولیت و روحیه پاسخگویی در او به مراتب در حد بالاتری خواهد بود.

ریحانی خواه کارآمدسازی و سالم‌سازی ادارات را از وظایف بسیج عنوان کرد و اظهار داشت: سلامت اداری از ارکان اصلی نظام اداری است و کارآمدسازی یا کمک به کارآمدی نظام اداری از اصلی‌ترین برنامه‌های سازمان بسیج کارمندی آذربایجان شرقی است.

مسئول سازمان بسیج کارمندی سپاه عاشورا ضمن تاکید بر برگزاری منظم حلقه های صالحین توسط فرماندهان پایگاه های مقاومت بسیج در ادارات، خاطر نشان کرد: تکریم مراجعین به ادارات مختلف و برگزاری میزهای خدمت تحت عنوان میز خدمت جهادی، عاملی مهم و موثر در جهت تسکین آلام و مشکلات مردم مستضعف و اهتمام دولتمردان برای رفع مشکلات آنهاست.

عیسی اورج زاده، مدیرکل امور مالیاتی آذربایجان شرقی نیز در این جلسه ضمن تبریک فرارسیدن هفته بسیج و قدردانی از فرماندهی محترم سپاه عاشورا و بسیج کارمندی با ارائه گزارشی از عملکرد این اداره کل، رسالت اصلی نظام مالیاتی را تأمین درآمدهای پایدار کشور عنوان کرد و گفت: نظام مالیاتی با اتخاذ سیاست‌های لازم برای جلوگیری از فرار مالیاتی، توسعه مؤدی مداری با عدم ایجاد فشار بر مؤدیان خُرد، هوشمندسازی نظام مالیاتی، ساماندهی معافیت های مالیاتی و اجرای قانون پایانه‌های فروشگاهی و سامانه مودیان در مسیر تأمین درآمدهای پایدار دولت قدم بر می‌دارد.

وی عزت، استقلال و امنیت امروز کشور را مرهون ایثارگری، فداکاری و مقاومت بسیجیان و رزمندگان در هشت سال دفاع مقدس عنوان کرد و گفت: بایستی بیش از پیش قدردان این ایثارگری ها و دلاور مردی های خانواده معظم شهدا، جانبازان و آزادگان باشیم.

در پایان دیدار دکتر ریحانی خواه با اهدای لوح تقدیر با امضای فرمانده سپاه عاشورا، از مدیرکل امور مالیاتی آذربایجان شرقی به خاطر انتخاب به عنوان یکی از موثرین و فعالین برتر برگزاری میزهای خدمت جهادی بسیج کارمندان استان در سال‌های ۱۴۰۲ و ۱۴۰۳ قدردانی کرد.

شهردار کرج تاکید کرد:

استفاده از امکانات شهرداری برای حمایت از کاندیداها ممنوع است

کرج – اباصلت عابد: شهردار کرج تصریح کرد:استفاده از امکانات و ظرفیت‌های شهرداری برای هیچ انتخابات و حمایت از هیچ کاندیدایی شرعی و قانونی نیست و ما نیز در این مسیر، رهرو قانون هستیم.

به گزارش پایگاه خبری کرج امروز، مهرداد کیانی در جلسه شورای برنامه ریزی شهرداری که در باشگاه میلاد این دستگاه برگزار شد، گفت: قانون، زمان استعفای نیروها برای شرکت در انتخابات شورای اسلامی شهر را تعیین کرده و بر این اساس با استعفای هیچ کس پس از طی زمان قانونی موافقت نخواهد شد.

کیانی، پایان مهلت استعفای نیروها برای ثبت‌نام در انتخابات شورای شهر را پایان آبان‌ماه ذکر کرد و افزود: ما از حضور نیروهای پرتوان و متخصص شهرداری کرج در انتخابات شورای شهر استقبال می‌کنیم اما این به معنای تخطی از قانون نیست و بر این اساس اجازه استفاده از تجهیزات و امکانات شهرداری کرج برای معرفی و تبلیغ هیچ کس را نمی‌دهیم.

وی، همچنین به قرارگیری در سال پایانی دوره ششم مدیریت شهری اشاره و اذعان کرد: به یقین درباره ما نیز همچون دوره‌های گذشته پس از پایان دوران چهارساله و بر مجموع اقدامات انجام گرفته، قضاوت خواهند کرد. از این رو اگر در میانه راه موفقیت‌هایی نیز داشته‌ایم نباید از کنار نتایج بی‌تفاوت عبور کنیم. این مسئول تصریح کرد: در این دوره از نظر عمرانی اقدامات بسیار بزرگ و بی‌نظیری انجام شده اما اگر نتوانیم این پروژه‌ها را به سرانجام برسانیم، موفقیت چندانی حاصل نشده است.

وی ضمن تقدیر از همه نیروهای موثر در پیشرفت شهرداری کرج، تاکید کرد: از مدیران و همکاران در همه بخش‌های اقتصادی، عمرانی و سایر حوزه‌ها انتظار داریم با تلاش و پشتکار مضاعف، نسبت به تامین اعتبارات مورد نیاز و اجرای طرح‌های مصوب اقدام کنند.

مدیرکل بنیاد مسکن گیلان خبر داد:

برنامه بازنگری طرح‌های هادی برای بیش از ۷۰۰ روستای گیلان

رشت – زهرا رضازاده : مدیرکل بنیاد مسکن گیلان گفت: برای اجرای بازنگری طرح هادی ۷۸۰ روستای گیلان به بیش از ۳۰۰ میلیارد تومان اعتبار نیاز است.

به گزارش روابط عمومی بنیاد مسکن انقلاب اسلامی استان گیلان، مهندس حامد دائمی گفت: قرار است کار بازنگری طرح‌های هادی در ۷۸۰ روستای گیلان که بیش از ۱۰ سال از عمر اجرای طرح می‌گذرد انجام شود.

وی تغییرات اقلیمی، تغییر حدود زمین‌های کشاورزی، قانون خروج زمین‌های کشاورزی از طرح‌های هادی و تداخل مرزهای بین روستاها را از دلایل بازنگردی طرح‌های هادی روستایی دانست و افزود: پیش بینی می‌شود برای بازنگری این طرح‌ها به ۳۹۰ میلیارد تومان اعتبار نیاز است که باید از محل اعتبارات ملی و استانی تامین شود.

مدیرکل بنیاد مسکن گیلان با بیان اینکه تامین اعتبار لازم و بازنگری طرح‌های هادی برای همه این روستاها در مدت ۲ سال امکان پذیر نیست، گفت: طرح‌های هادی در تعدادی از این روستاها براساس اولویت، زودتر بازنگری می‌شوند.

حامد دائمی با اشاره به اینکه بازنگری طرح‌های هادی در هر روستا به طور میانگین به ۵۰۰ میلیون تومان اعتبار نیاز دارد افزود: ۱۴۰ میلیارد تومان اعتبار اولیه برای تهیه قیر لازم برای آسفالت معابر روستایی در نظر گرفته شده که در حال توزیع بین شهرستان‌ها است.

وی با اشاره به پیشنهاد افزایش سقف وام مسکن روستایی تا ۴۰۰ میلیون تومان در کشور، اضافه کرد: پس از تصویب هیئت وزیران هستیم، پرداخت تسهیلات مسکن روستایی در گیلان آغاز خواهد شد.

مدیرکل بنیاد مسکن گیلان گفت: گیلان ۲ هزار و ۶۰ روستای بالای ۲۰ خانوار دارد که از این تعداد ۲ هزار و ۲۰ روستا طرح هادی دارند.

اخبار

تکریم و تجلیل ازخانواده‌شهید حسین زینال زاده از شهدای امنیت

مشهد- حسین ابراهیم بای: مهندس شاهمیرزایی فرمانده بسیج وزارت نفت و رسول اسناوندی فرمانده بسیج شرکت ملی پالایش و پخش ضمن دیدار با خانواده معظم شهید مدافع امنیت مشهد از مقام شامخ ایشان تجلیل به عمل آوردند.در آستانه هفته بسیج و به منظور ارج نهادن به مقام والای شهیدان ، همزمان با سالروز شهادت مظلومانه شهید حسین زینال زاده از شهدای امنیت مشهد مقدس ، مهندس شاهمیرزایی فرمانده مرکز بسیج وزارت نفت ورسول اسناوندی فرمانده حوزه مقاومت بسیج شرکت ملی پالایش و پخش فرآورده‌های نفتی ایران وحمید رضا نوروزیان فرمانده پایگاه مقاومت بسیج شرکت ملی پخش فرآورده‌های نفتی منطقه خراسان رضوی به همراه تعدادی از بسیجیان منطقه خراسان رضوی ضمن دیدار با خانواده معظم شهید زینال زاده و گرامیداشت یاد ایشان از مقام شامخ این شهید والامقام تجلیل به عمل آوردند. شهید مدافع امنیت حسین زینال‌زاده یکی از بسیجیان فعال بود که بدست کوردلان آشوبگر در اغتشاشات مشهد به ضرب چاقو به فیض شهادت نایل آمد.

نشست هیئت اندیشه‌ورز بسیج اساتید استان و نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه ها و مراکز آموزش عالی استان سیستان و بلوچستان

زاهدان – حیدری‌نیا: به مناسبت آغاز هفته بسیج نشست مشترک اعضای شورای مرکزی سازمان بسیج اساتید استان، مسئولین کانونهای بسیج اساتید دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی شهرستان زاهدان، مسئولین دفاتر نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه ها و دبیران هم اندیشی نهاد با حضور مسئول نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی استان و مسئول سازمان بسیج اساتید استان در روز دوشنبه ۲۸ آبان به میزبانی دفتر نهاد برگزار گردید.

در این نشست پیرامون برنامه‌های مشترک دو مجموعه، نحوه ی تعامل در راستای اجرای برنامه ها خصوصاً برنامه‌های هفته بسیج گفتگو و تبادل نظر صورت پذیرفت.

در این جلسه مشترک ، پیرامون اجرای برنامه نشست محفل استادی دانشگاه محور بسیج اساتید که در روز یکشنبه چهارم آذرماه به صورت همزمان در هزار دانشگاه در سراسر کشور برگزار می‌شود تصمیمات لازم اتخاذ گردید.

معاونت رسانه و ارتباطات اجتماعی سازمان بسیج استان سیستان و بلوچستان

پیام تبریک سرپرست شرکت گاز مازندران به مناسبت هفته بسیج

ساری – دهقان : سرپرست شرکت گاز استان مازندران در پیامی فرا رسیدن هفته بسیج را به سلحشوران این عرصه تبریک گفت.

به گزارش خبرنگار مازندران به نقل روابط عمومی شرکت گاز استان مازندران، متن پیام مهندس هژبر جوادی بدین شرح است:

بسم الله الرحمن الرحیم

بسیج مدرسه عشق و مکتب شاهدان و شهیدان گمنامی است که پیروانش بر گلدسته های رفیع آن، اذان شهادت و رشادت سر داده اند. امام خمینی (ره)

بسیج به معنی حضور و آمادگی در همان نقطه‌ای است که اسلام و قرآن و امام زمان ارواحنافداه و این انقلاب مقدّس به آن نیازمنداست (مقام معظم رهبری)

بسیج حاصل دور اندیشی رهبر کبیر انقلاب اسلامی حضرت امام خمینی(ره) است و ریشه درخت پاکی است که با خون هزاران شهید در طول سالها آبیاری و به درختی تنومند وپرقدرت تبدیل شده است. حماسه آفرینی‌ها و فداکاری‌های این مجموعه انقلابی، تنها محدود به دوران دفاع مقدس نبود، بلکه در تمام دوران انقلاب اسلامی حضور این نهادِ ارزشمندِ مردمی مشهود است و بسیج در تمامی افتخارات نظام جمهوری اسلامی و عرصه‌های علمی و فکری سهیم بوده است.

اینجانب ضمن گرامیداشت یاد و خاطره شهدا و ایثارگران بسیجی، هفته بسیج و سالروز تاسیس این نهاد مقدس را به تمامی بسیجیان غیور و مخلص به ویژه همکاران محترم تبریک و تهنیت عرض نموده، از درگاه خداوند متعال برای همه همگان سعادت و سربلندی مسئلت می نمایم.

مدیر عامل نفت و گاز آغاجاری خبر داد:

افزایش ۲۴ هزار بشکه تولید نفت در شرکت آغاجاری محقق شد

اهواز – شبنم قجاوند: با انجام اقدامات اصلاحی موثری بر روی چاهها و میادین نفتی و تاسیسات عملیاتی ۲۴هزار بشکه در روز به تولید شرکت نفت و گاز آغاجاری افزوده شد. مهندس سید محسن دهبان پور مدیر عامل شرکت نفت و گاز آغاجاری با اعلام این خبر بیان کرد: در راستای اجرای تعهدات تولید در شرکت آغاجاری با انجام اقدامات اصلاحی درون چاهی، تزریق نیتروژن، استفاده از دستگاه فرآورش سیار MOS و تکمیل رینگ فراز آوری با گاز بیش از ۲۴ هزار بشکه در روز به تولید این شرکت افزوده شد.مهندس سید محسن دهبان پور تشریح کرد: با توجه به تاکید مدیر عامل شرکت ملی مناطق نفت‌خیز جنوب و اجرای تعهدات تولید بررسی آخرین وضعیت چاه ها در ۸ میدان تحت سرپرستی این شرکت مورد بررسی قرار گرفت و با تلاش شبانه روزی مهندسی تولید شرکت آغاجاری و تیم های پشتیبانی مناطق نفت‌خیز جنوب اقدامات اصلاحی انجام گرفت. مدیر عامل شرکت نفت و گاز آغاجاری افزود: در همین راستا با پیگیری مستمر مجموعه مدیریت فنی و عملیات شرکت و تعمیرات اساسی مناطق نفت‌خیز جنوب نیز تعمیرات اساسی پیش گرمکن H۱۰۰ واحد نمک‌زدایی رگ سفید ۱ با موفقیت انجام شد که با انجام این عملیات نیز امکان بازگشایی و فرآورش چاههای بسته با دبی ۱۶ هزار بشکه نفت نمکی درمیادین رگ سفید۱ و رامشیر فراهم شد.با انجام این اقدامات اصلاحی و استفاده از ظرفیت دستگاه فرآورش سیار mos و همچنین تعمیرات اساسی پیش گرمکن H۱۰۰ واحد نمک‌زدایی رگ سفید ۱ در مجموعه بیش از ۲۴هزار بشکه به تولید شرکت آغاجاری افزوده شد.

طهماسبی سکانداری استانداری گلستان را به دست گرفت

گرگان – خبرنگار فرصت امروز: علی‌اصغر طهماسبی استاندار جدید استان گلستان امروز با حضور وزیر کشور معرفی شد.در مراسمی با حضور وزیر کشور، نماینده ولی فقیه در استان و دیگر مدیران استانی، "علی اصغر طهماسبی" به عنوان استاندار جدید استان گلستان معرفی و از زحمات ۳۶ ماهه علی محمد زنگانه استاندار سابق قدردانی شد.علی‌اصغر طهماسبی استاندار جدید گلستان در مراسم معارفه خود به عنوان استاندار جدید گلستان که با حضور وزیر کشور برگزار شد، با قدردانی از تلاش استاندار قبلی اظهارکرد: این استان عقب‌ماندگی‌های تاریخی دارد و دولت‌ها و استانداران هرچه در توان داشتند، گذاشتند اما باید بیشتر تلاش کرد تا این مشکلات برطرف شود.استاندار گلستان با اشاره به اینکه گلستان سرزمین ۴ هزار شهید گلگون‌کفن است، گفت: این استان ۶۰۰ شهید اهل سنت تقدیم انقلاب اسلامی کرده است که نشان‌دهنده وفاق و وحدت مردم شیعه و سنی در این استان است.وی گلستان را سرزمین مفاخری همچون میرداماد تا مختومقلی فراغی و سرزمین برادری و نگارستان ایران اسلامی توصیف کرد و افزود: در سفر سال ۱۳۷۴ رهبر معظم انقلاب اسلامی به گرگان، ایشان تصریح کردند که زیر درختان سبز این منطقه محرومیت نهفته است و باید تلاش کنیم رشد و تعالی را در این استان ایجاد کنیم.طهماسبی خاطرنشان کرد: این اطمینان را به مردم می‌دهیم که همه توان و ظرفیت خود را برای توسعه و پیشرفت استان به‌کار خواهیم گرفت و پروژه‌های پیشران استان را دنبال خواهیم کرد و در آینده با رسانه‌ها، احزاب و گروه‌های مختلف و غیره این مسائل و موضوعات را مطرح می‌کنم.وی با بیان اینکه مهم‌ترین مشکل این استان در حوزه تأمین آب شرب است، گفت: با وجود همه تلاش‌هایی که صورت گرفته اما هنوز در استان با کمبود یکهزار و ۵۸۰ لیتر بر ثانیه آب شرب مواجه هستیم. در شهر گرگان مردم ۱۲ ساعت از شبانه روز آب ندارند. آزادسازی و تملک اراضی سد میرداماد باید خیلی زود انجام شود تا بتوان بخشی از آب شرب گرگان را تأمین کرد، اگر این اتفاق نیفتد در آینده در مرکز استان با بحران مواجه می‌شویم.استاندار گلستان به موضوع ناترازی برق هم اشاره و بیان کرد: امروز ما کشور به دلیل ناترازی برق دچار مشکل شده است که هزینه آن را دولت وفاق می‌پردازد. به این موضوع مردم ایراد و انتقاد دارند که چرا در پاییز و زمستان باید قطعی برق داشته باشیم در حالیکه اگر در دولت‌های گذشته برنامه‌ریزی و سرمایه‌گذاری می‌شد، امروز با این مشکلات مواجه نبودیم.

استاندار گلستان:

رفع مشکلات کم آبی و ناترازی برق از اولویت ها است

گرگان – خبرنگار فرصت امروز: استاندار گلستان گفت: برنامه داریم در حداکثر یک سال آینده مشکلاتی همچون کم آبی، ناترازی برق و پروژه‌های به اتمام نرسیده را رفع کنیم.علی اصغر طهماسبی در آئین تودیع و معارفه استاندار گلستان اظهار داشت: به گلستانی بودن افتخار دارم و با تیم فنی در رابطه ریشه کنی مشکلات موجود در این استان گام خواهیم برداشت.طهماسبی خاطر نشان کرد: زحمات و تلاش استانداران گلستان قابل تقدیر است و به وظایف خود عمل کرده اند.استاندار گلستان گفت: گلستان سرزمین ۴ هزار شهید بی ادعا است که ۶۰۰ شهید مربوط به اهل تسنن هستند.طهماسبی تاکید کرد: برنامه داریم در حداکثر یک سال آینده مشکلاتی همچون کم آبی، ناترازی برق و پروژه‌های به اتمام نرسیده را رفع کنیم.وی گفت: آزاد سازی اراضی مورد نیاز سد میرداماد و تکمیل پروژه‌های درمانی در اولویت برنامه‌های استان به شمار می‌روند.استاندار گلستان به استاندارد سازی محورهای مواصلاتی اشاره کرد و افزود: این محورها در شأن مردم گلستان و زائرین امام رضا (ع) نیست. وی رشد تولید و اشتغال را از اولویت‌ها دانست و افزود: تلاش داریم از منابع صندوق توسعه ملی در این راستا بهره مند شویم.

تکمیل ۵۰۰ پروژه نیمه‌کاره گلستان در دولت سیزدهم

گرگان – خبرنگار فرصت امروز: معاون عمرانی استاندار گلستان گفت: تکمیل ۵۰۰ پروژه از یک‌هزار و ۲۰۰ پروژه نیمه‌تمام در استان و تصویب ۲۵.۶ هزار میلیارد تومان اعتبار عمرانی در قالب ۲۸۵ مصوبه در دو سفر شهید جمهور به استان از اقدامات ماندگار دولت سیزدهم در استان بود.مهدی مهیایی در مراسم تکریم و معارفه استاندار گلستان با حضور وزیر کشور اظهارکرد: گلستان با جمعیت دو میلیون نفر و ۴۴۰ کیلومتر مرز آبی و خاکی دارای ظرفیت‌های بیشماری است. تامین ۳۶ روز از امنیت غذایی کشور توسط این استان یکی از مهم‌ترین ظرفیت‌های موجود است.معاون عمرانی استاندار گلستان افزود: با وجود همه مواهب اما این استان با مشکلاتی مواجه است که مهم‌ترین آن ناترازی انرژی در بخش‌های آب، برق و گاز است. این استان دومین استان در بروز بلایای طبیعی از جمله سیل، زلزله، زلزله و غیره است.وی با اشاره به اقداماتی که در ۳۶ ماه گذشته در استان انجام شد، گفت: در حوزه سیاسی کاهش ۱۰ ساله سن مدیریت استانی اتفاق افتاد و ۲۶۰ نفر از اقوام و مذاهب استان در مناصب مختلف به‌کارگیری شدند. اختصاص ۲۰ درصد ظرفیت مدیریت استان به بانوان نیز از دیگر اقدامات انجام شده در سه سال گذشته بوده است.وی خاطرنشان کرد: تکمیل ۵۰۰ پروژه از یک‌هزار و ۲۰۰ پروژه نیمه‌تمام در استان و تصویب ۲۵.۶ هزار میلیارد تومان اعتبار عمرانی در قالب ۲۸۵ مصوبه در دو سفر شهید جمهور به استان، افزایش سه برابری بودجه شهرداری‌ها، واریز هزار و ۴۵۰ میلیارد تومان به حساب دهیاری‌ها از دیگر اقدامات ماندگار دولت سیزدهم در استان بود.

شرکت توزیع نیروی برق یزد مشمول کسب مقام شایسته تقدیر ویژه شد

یزد – سید محمد جواد عرفان‌فر: شرکت توزیع نیروی برق استان یزد در بین شرکت های صنعت برق کشور و در ارزیابی شاخص های فرهنگی وزارت نیرو به مقام شایسته تقدیر ویژه دست یافت. در همایش آموزشی ائمه جماعات و مسئولین فرهنگی سراسر کشور که به میزبانی مشهد مقدس برگزار شد ، شرکت توزیع نیروی برق استان یزد با توجه به فعالیت های شاخص در زمینه اقامه نماز ، غنی سازی اوقات فراغت فرزندان همکار ، انعقاد تفاهم نامه های موثر فرهنگی ، فعالیت در حوزه جهاد تبیین ، فعالیت های عفاف و حجاب ف فرزندآوری و ازدواج ، مسابقات قرآنی و برگزاری گلگشت های فرهنگی برق بر اساس شاخص های ارزیابی وزارت نیرو ، امتیاز لازم را کسب نماید.

اقدامات شاخص در فرهنگ سازی مدیریت مصرف انرژی و تولید محتوا رسانه ای با بهره گیری از ظرفیت خوب ائمه جماعات و استفاده از پتانسیل رابطین فرهنگی در سطح مدیریت های برق در کسب این جایگاه موثر بوده است.

پسا کرونا، تحولات کاری و آینده دنیای کسب و کار

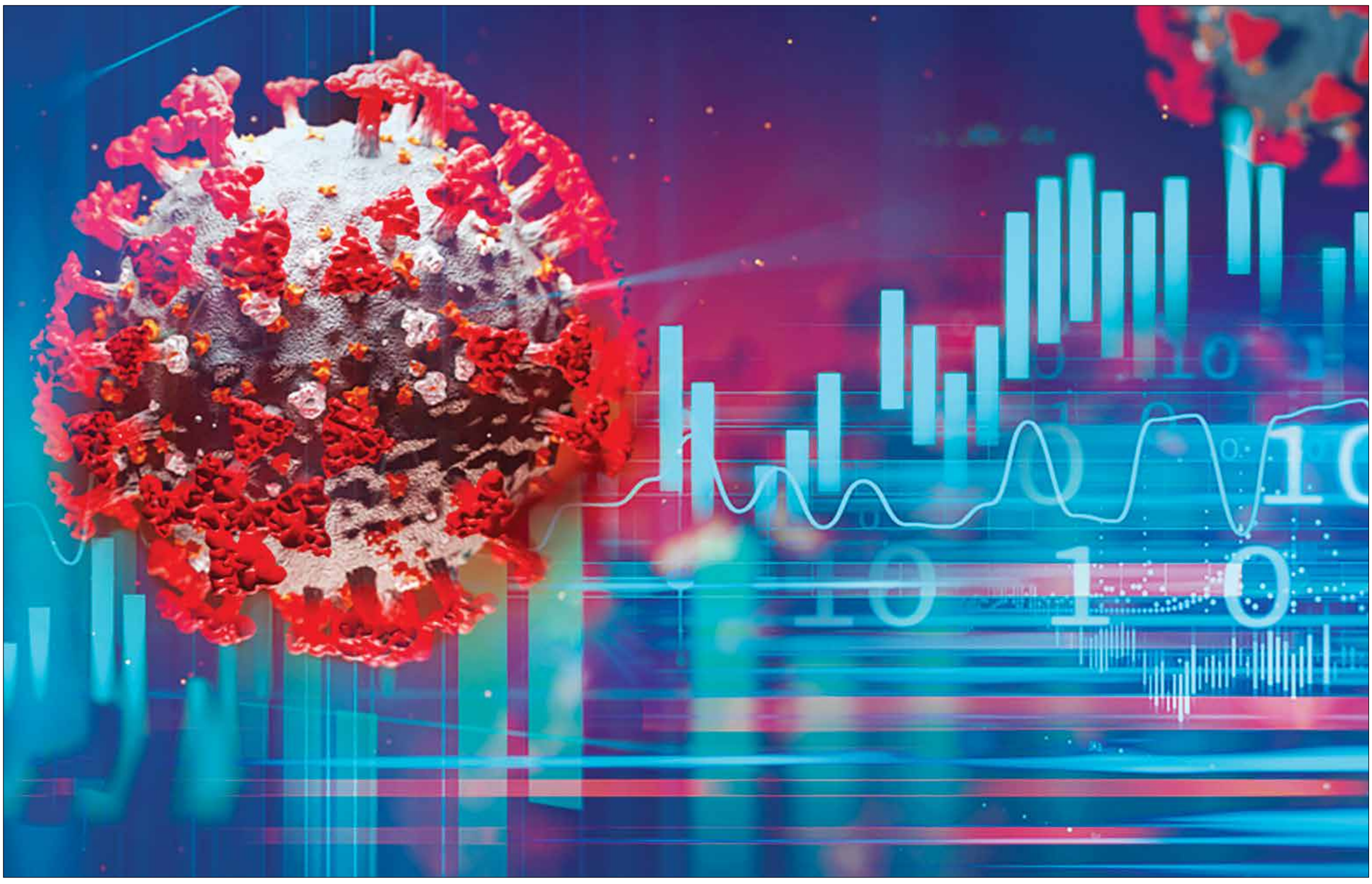

نویسنده: علی آل علی

در زمستان سال ۲۰۱۹، ویروسی ناشناخته در یکی از شهرهای کوچک چین ظهور کرد. ابتدا کسی فکرش را هم نمی کرد که این ویروس کوچک بتواند به یک بحران جهانی تبدیل شود، اما تنها چند ماه بعد جهان به یک میدان نبرد در برابر دشمنی نامرئی تبدیل شد. ویروس کرونا نه تنها سلامت جسمی انسان ها را تهدید کرد، بلکه ساختارهای اجتماعی، اقتصادی و حتی فرهنگی را زیر و رو کرد. بحران کرونا بیش از هر چیز پیش بینی ناپذیر بودن دنیای امروز را به ما یادآوری کرد. در یک چشم به هم زدن مرزهای بین المللی بسته شد، شهرها به قرنطینه رفتند و فروشگاه های فیزیکی مجبور به بستن درهای خود شدند. همه چیز به دنیای دیجیتال منتقل شد، از کار و تحصیل گرفته تا خرید و حتی تفریح. زندگی روزمره به طور کامل تغییر کرد و کسب و کارها با چالشی بی سابقه مواجه شدند.

این بحران در کنار تهدیدهای مربوط به حوزه سلامت، عادت های مشتریان را نیز دگرگون کرد. رفتار خرید مصرف کنندگان به سمت آنلاین شدن رفت، نیاز به محصولات و خدمات جدید پدید آمد و انتظارات از برندها افزایش یافت. مشتریان حالا از برندها انتظار داشتند که نه تنها نیازهای آنها را برآورده کنند، بلکه با آنها همدردی نشان دهند و در این مسیر سخت کنارشان باشند. بحران کرونا نشان داد که انعطاف پذیری و توانایی سازگاری با شرایط جدید، چقدر برای کسب و کارها حیاتی است. برندهایی که سریع تر توانستند خود را با شرایط تازه تطبیق دهند، موفق شدند نه تنها از بحران عبور کنند، بلکه جایگاه خود را در بازار تقویت کنند.

حالا که بحران کرونا تا حد زیادی فروکش کرده، زمان مناسبی است تا به درس های اقتصادی این بحران بپردازیم. این درس ها می توانند چراغ راهی برای کارآفرینان و برندها در مواجهه با بحران های آینده باشند. پس با ما همراه باشید تا بحث را بهتر زیر ذره بین ببریم.

اثرات پاندمی کرونا بر بازار کسب وکار

۱-سرعت بیشتر تحولات دیجیتال

یکی از مهمترین اثرات پاندمی کرونا سرعت بخشیدن به تحولات دیجیتال بود. شرکتهایی که پیش از این بحران، به آهستگی در مسیر دیجیتالی شدن حرکت می کردند، ناگهان مجبور شدند تمام فرآیندهای خود را به سرعت به دنیای آنلاین منتقل کنند.

فروشگاه های فیزیکی، که به طور سنتی به فروش حضوری متکی بودند، به ناچار به پلتفرم های آنلاین روی آوردند. شرکت های کوچک و بزرگ، از خرده فروشان گرفته تا ارائه دهندگان خدمات، به سرعت به ایجاد فروشگاه های آنلاین و توسعه اپلیکیشن های موبایلی پرداختند. این تحول به آنها کمک کرد تا در دوران قرنطینه همچنان به مشتریان خدمات ارائه دهند.

علاوه بر این، کار از راه دور نیز به یک عادت جدید تبدیل شد. شرکت ها مجبور شدند به ابزارهای دیجیتال برای مدیریت تیم های خود تکیه کنند. نرم افزارهایی مانند زوم و اسلک، به ابزارهای اصلی ارتباطی تبدیل شدند و کار تیمی از راه دور را ممکن کردند. تحول دیجیتال نه تنها به افزایش بهره وری کمک کرد، بلکه هزینه های عملیاتی را نیز کاهش داد. بسیاری از شرکت ها متوجه شدند که با استفاده از ابزارهای دیجیتال، می توانند هزینه های اضافی مربوط به دفاتر فیزیکی را کاهش دهند.

این تغییرات نشان داد که دیجیتالی شدن دیگر یک گزینه نیست، بلکه یک ضرورت است. کسب و کارهایی که نتوانستند این تغییرات را به سرعت اجرا کنند، با مشکلات جدی مواجه شدند و بسیاری از آنها حتی از بازار حذف شدند.

۲-تغییر رفتار مصرف کنندگان

پاندمی کرونا به طور چشمگیری رفتار مصرف کنندگان را تغییر داد. مشتریانی که پیش از این بحران عادت داشتند به فروشگاه های فیزیکی مراجعه کنند، به خرید آنلاین روی آوردند. این تغییر رفتار نه تنها در خرده فروشی بلکه در بخش های دیگر نیز مشاهده شد.

برای مثال، در دوران قرنطینه تقاضا برای خدمات استریم ویدئو به شدت افزایش یافت. نتفلیکس و سایر پلتفرم های مشابه، با افزایش چشمگیر تعداد مشترکان مواجه شدند. همچنین، تقاضا برای خدمات تحویل غذا و خرید آنلاین مواد غذایی نیز به طور قابل توجهی رشد بسیاری از کسب وکارها با کمبود مواد اولیه و تاخیر در تحویل کالا مواجه شدند. این مسئله به ویژه برای صنایعی که به تأمین کنندگان بین المللی وابسته بودند، بحرانی جدی ایجاد کرد. در واکنش به این چالش، بسیاری از شرکت ها به بازنگری در زنجیره های تأمین خود پرداختند. آنها تلاش کردند تا منابع تأمین محلی را پیدا کنند و وابستگی خود به تامین کنندگان دوردست را کاهش دهند. این رویکرد نه تنها به کاهش زمان و هزینه ها کمک کرد، بلکه ریسک اختلال در زنجیره تأمین را نیز کاهش داد.

علاوه بر این، فناوری نیز نقش مهمی در بهبود مدیریت زنجیره تامین ایفا کرد. استفاده از هوش مصنوعی و داده های بزرگ به شرکت ها کمک کرد تا پیش بینی های دقیقی از تقاضا داشته باشند و موجودی های خود را بهتر مدیریت کنند. بحران کرونا به کسب و کارها یاد داد که زنجیره تامین مقاوم و انعطاف پذیر یکی از کلیدهای بقا در شرایط بحرانی است. شرکت هایی که توانستند به سرعت زنجیره تامین خود را تطبیق دهند، موفق شدند از این بحران عبور کنند و حتی جایگاه خود را در بازار تقویت کنند.

در یک کلام، این تجربه نشان داد که در دنیای پیچیده و متصل امروز، داشتن یک زنجیره تامین انعطاف پذیر و کارآمد، یکی از عوامل کلیدی موفقیت است.

۵-تحول در بازاریابی و تبلیغات

بازاریابی و تبلیغات نیز در دوران کرونا با تغییرات بنیادینی مواجه شد. با کاهش تعاملات حضوری و انتقال فعالیت ها به فضای آنلاین، برندها مجبور شدند کرد. این تغییر رفتار، فرصت های جدیدی برای کسب و کارها ایجاد کرد. برندهایی که توانستند به سرعت به این نیازهای جدید پاسخ دهند، موفق شدند سهم بازار خود را افزایش دهند. برای مثال، بسیاری از رستوران ها که مجبور به تعطیلی سالن های غذاخوری خود شدند، خدمات تحویل غذا را گسترش دادند و توانستند درآمد خود را حفظ کنند.

علاوه بر این، مشتریان به دنبال برندهایی بودند که در این دوران سخت با آنها همدردی کنند. ارتباطات انسانی و اصالت برندها به یکی از عوامل کلیدی در تصمیم گیری مشتریان تبدیل شد. برندهایی که توانستند این ارتباطات را به خوبی مدیریت کنند، به محبوبیت بیشتری دست یافتند.

۳-افزایش اهمیت مسئولیت اجتماعی

بحران کرونا نه تنها نگرانی های مربوط به سلامت جسمی را افزایش داد، بلکه توجه بیشتری به مسائل زیست محیطی و اجتماعی جلب کرد. مشتریان به طور فزاینده ای به دنبال برندهایی بودند که به پایداری و مسئولیت اجتماعی اهمیت می دهند.

شرکت هایی که در دوران بحران به حمایت از جوامع و استارت آپ های محلی پرداختند، به سرعت مورد توجه و تحسین قرار گرفتند. برای مثال، بسیاری از برندها به تولید ماسک های پزشکی و ضدعفونی کننده ها پرداختند تا به مبارزه با ویروس کرونا کمک کنند. این اقدامات نه تنها به افزایش اعتماد مشتریان منجر شد، بلکه به تقویت تصویر برند نیز کمک کرد.

علاوه بر این، مشتریان به دنبال محصولاتی بودند که تاثیر منفی کمتری بر محیط زیست داشته باشند. برندهایی که از مواد بازیافتی استفاده می کردند یا فرآیندهای تولید پایدار را به کار می گرفتند، به سرعت محبوبیت بیشتری پیدا کردند. این تغییرات نشان داد که مسئولیت اجتماعی و پایداری دیگر یک انتخاب نیست، بلکه یکی از الزامات اساسی برای موفقیت در بازار است.

۴-تغییر در زنجیره تامین

یکی از چالش های بزرگ دوران کرونا اختلال در زنجیره های تامین جهانی بود. با بسته شدن مرزها، محدودیت های حمل و نقل و تعطیلی کارخانه ها، نکته جالب اینکه نوآوری در مدل های کسب و کار نیز افزایش یافت. بسیاری از شرکت ها به ارائه خدمات اشتراکی یا استفاده از فناوری های جدید مانند واقعیت افزوده برای ارائه تجربه های خرید متفاوت پرداختند. این تغییرات نه تنها به بهبود تجربه مشتری کمک کرد، بلکه به ایجاد جریان های درآمدی جدید نیز منجر شد.

بحران کرونا به کسب وکارها یاد داد که برای بقا و رشد در شرایط پیچیده و متغیر، باید به طور مداوم در حال نوآوری و تطبیق با شرایط باشند.

۷-رشد اقتصاد فریلنسری

یکی از اثرات قابل توجه بحران کرونا، رشد چشمگیر اقتصاد گیگی یا همان فریلنسری بود. با بسته شدن دفاتر و کاهش مشاغل تمام وقت، بسیاری از کسب و کارها به استخدام پیمانکاران مستقل و کارمندان پاره وقت روی آوردند. این تغییر، به ویژه در حوزه هایی مانند فناوری اطلاعات، تولید محتوا و خدمات مشتریان، نمود بیشتری داشت.

اقتصاد گیگی به کارفرمایان این امکان را داد تا با هزینه های کمتر و انعطاف بیشتر، به نیروهای ماهر دسترسی پیدا کنند. از سوی دیگر، برای نیروی کار نیز این شرایط فرصتی فراهم کرد تا مهارت های خود را به طور مستقل ارائه دهند و از محدودیت های شغلی سنتی عبور کنند. بسیاری از افراد از این فرصت استفاده کرده و به کارآفرینان مستقل تبدیل شدند.

شرکت ها نیز با بهره گیری از این مدل توانستند در پروژه های کوتاه مدت و مقطعی، بدون نیاز به تعهدات بلندمدت استخدامی، فعالیت کنند. این امر به ویژه در استراتژی های بازاریابی خود را بازنگری کنند.

یکی از مهمترین تغییرات در این حوزه افزایش استفاده از بازاریابی دیجیتال بود. برندها به طور گسترده تری از تبلیغات آنلاین، رسانه های اجتماعی و بازاریابی محتوا استفاده کردند تا به مشتریان خود دسترسی پیدا کنند. این تغییرات به آنها اجازه داد تا با هزینه های کمتر، دسترسی بیشتری به مخاطبان خود داشته باشند. علاوه بر این، تمرکز بر روی محتوای مرتبط و انسانی تر افزایش یافت. برندها تلاش کردند تا پیام های خود را با شرایط روز هماهنگ کنند و به مشتریان نشان دهند که در کنار آنها هستند. برای مثال، بسیاری از برندها در تبلیغات خود به اهمیت سلامت و همدلی در دوران بحران پرداختند.

یکی دیگر از تغییرات کلیدی افزایش استفاده از اینفلوئنسر مارکتینگ بود. با توجه به محدودیت های سفر و اجتماعات، اینفلوئنسرها به یکی از ابزارهای کلیدی برای تبلیغات تبدیل شدند. آنها توانستند از طریق محتواهای خود، ارتباط نزدیکی با مخاطبان برقرار کنند و محصولات و خدمات برندها را به شکلی طبیعی تر و جذاب تر معرفی کنند.

چنین تحولاتی نشان داد که بازاریابی دیجیتال و تبلیغات خلاقانه، نقش حیاتی در موفقیت کسب وکارها ایفا می کند. برندهایی که توانستند به سرعت با این تغییرات سازگار شوند، جایگاه قوی تری در بازار پیدا کردند.

۶-افزایش اهمیت نوآوری و تطبیق پذیری

بحران کرونا نشان داد که نوآوری و تطبیق پذیری، یکی از مهمترین عوامل بقا و رشد در شرایط بحرانی است. شرکت هایی که توانستند به سرعت ایده های جدید را پیاده سازی کنند و محصولات یا خدمات خود را متناسب با شرایط تغییر دهند، موفق به حفظ و حتی افزایش سهم بازار خود شدند.

به عنوان نمونه، بسیاری از تولیدکنندگان لباس، در دوران کرونا به تولید ماسک های پزشکی روی آوردند. همچنین، رستوران هایی که مجبور به تعطیلی سالن های خود شدند، با توسعه خدمات تحویل غذا و ایجاد بسته های غذایی توانستند درآمد خود را حفظ کنند.

شرایط اقتصادی پرابهام، به کاهش ریسک ها و هزینه ها کمک کرد.

علاوه بر این، پلتفرم های کار آزاد شاهد افزایش قابل توجه کاربران خود بودند. این پلتفرم ها بستری را فراهم کردند تا افراد و شرکت ها به راحتی با یکدیگر ارتباط برقرار کرده و پروژه های خود را به سرانجام برسانند.

در نهایت، بحران کرونا نشان داد که اقتصاد فریلنسری دیگر یک مدل حاشیه ای نیست، بلکه به یکی از ارکان اصلی بازار کار تبدیل شده است. این تحول می تواند به عنوان الگویی برای انعطاف پذیری بیشتر در بازار کار آینده مورد استفاده قرار گیرد.

۸-افزایش اهمیت سلامت روان نیروی کار

در دوران کرونا سلامت روان کارکنان به یکی از دغدغه های اصلی مدیران و سازمان ها تبدیل شد. کار از راه دور، قرنطینههای طولانی و نگرانی های ناشی از ویروس، فشارهای روانی زیادی را بر نیروی کار وارد کرد. بسیاری از کارکنان احساس انزوا، استرس و فرسودگی شغلی را تجربه کردند. در واکنش به این شرایط شرکت ها شروع به ارائه برنامه های حمایت از سلامت روان کردند. برای مثال، بسیاری از شرکت ها جلسات مشاوره آنلاین رایگان برای کارکنان خود فراهم کردند. همچنین، ساعات کاری منعطف تر و کاهش فشار کاری نیز به بهبود رفاه کارکنان کمک کرد.

این بحران به شرکت ها یاد داد که سلامت روانی کارکنان به اندازه سلامت جسمی آنها اهمیت دارد. سازمان هایی که به رفاه کارکنان خود اهمیت بیشتری می دادند، توانستند انگیزه و بهره وری تیم های خود را حفظ کنند. علاوه بر این، ارتباطات انسانی در محیط کار اهمیت بیشتری پیدا کرد. مدیران به طور مداوم با کارکنان خود در تماس بودند تا احساسات و نیازهای آنها را درک کنند. این رویکرد باعث شد که حس تعلق به سازمان افزایش یابد و کارکنان با انگیزه بیشتری به کار خود ادامه دهند. در نهایت، توجه به سلامت روان و رفاه کارکنان به عنوان یک درس کلیدی از بحران کرونا می تواند به بهبود فرهنگ سازمانی و افزایش بهره وری در بلندمدت منجر شود.

جمع بندی: آینده ای مبتنی بر انعطاف پذیری بی پایان

بحران کرونا مثل یک زنگ هشدار به کسب و کارها نشان داد که جهان امروز چقدر می تواند غیرقابل پیش بینی باشد. از تحول دیجیتال گرفته تا بازنگری در زنجیره تأمین و بازاریابی، این بحران تغییرات بنیادینی را در نحوه مدیریت کسب و کارها ایجاد کرد.

درس های اقتصادی این بحران می توانند به عنوان چراغ راهی برای آینده باشند. انعطاف پذیری، نوآوری و توانایی انطباق سریع با شرایط، حالا بیش از هر زمان دیگری برای موفقیت در دنیای کسب و کار اهمیت دارند. البته در این میان شما هم می توانید ایده‌هایی برای بهبود وضعیت کاری تان پیاده کنید. البته به شرط اینکه درک دقیقی از اثرات آن داشته باشید.

باور کنید یا نه، برای کارآفرینان و برندها این بحران فرصتی بود تا نه تنها نقاط ضعف خود را شناسایی کنند بلکه از آنها برای ساختن آینده ای قوی تر بهره ببرند. اکنون زمان آن است که این درس ها به طور جدی مورد توجه قرار گیرند و به یک استراتژی پایدار برای موفقیت تبدیل شوند. پس منتظر چه هستید؟ اگر هنوز اوضاع کسب و کارتان را تغییر نداده اید، حالا بهترین فرصت ممکن پیش روی شما قرار دارد.

منابع:

the-pandemic-/۰۷/۲۰۲۲/https://hbr.org
changed-us-now-companies-have-to-
change-too

https://www.cnb.com/business-
banking/insights/effect-of-pandemic-in-
business.html

فرصت امروز

روزنامه مدیریتی - اقتصادی

یکشنبه | ۴ آذر ۱۴۰۳ | شماره ۲۵۸۸ | صفحه ۸

صاحب امتیاز: موسسه مطبوعاتی فرصت سازان امروز

مدیر مسئول و سردبیر: محمدرضا قدیمی

چاپ: ریحان

دفتر مرکزی: مطهری، خیابان علی‌اکبری، پلاک ۱۱۵

دفتر مرکزی: ۸۸۵۱۴۵۳۸

سازمان آگهی‌ها: ۸۸۵۲۶۹۲۳

آیین نامه اخلاق حرفه ای روزنامه: WWW.FORSATNET.IR/REGULATIONS

WWW.FORSATNET.IR

INFO@FORSATNET.IR